

# نقش قرض الحسنه در فقرزدایی از منظر قرآن کریم

نگارنده

منصوره بیگم حاجی میرصادقی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تحمیدیه

الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ ،

الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ .

سپاس خدای را که اوّل است و پیش از او اوّلی نبوده و آخر است و پس از او آخری  
نباشد،

خدایی که دیده های بینندگان از دیدنش ناتوانند،

و اندیشه های وصف کنندگان از عهده وصفش برنیايند.

## تقدیم

به آستان مقدس پیشوای آزادگان، سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام

و یاران باوفایش، و به ارواح طیبه امام تسلی و تسکین و شهداء ،

و به قطب عالم امکان ، عصاره ی خلقت ، وارث انبیاء و اولیای الهی،

حجت بن الحسن العسکری ارواحنا و ارواح العالمین له الفداء

و به بانوی بزرگ اسلام ، مادر بزرگوار سادات،

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام

و تقدیم به مؤمنان خیر و مؤسسات خیریه و دارالایتام، که در راه فقرزدایی و کم نمودن

فاصله طبقاتی، مخلصانه و با پیروی از قرآن کریم، برنامه های قرض الحسنه را با روش

آبرومندانه و با نیت پاک تأسیس و اداره می نمایند ،

و به انسانهای محترمی که صورت خود را با سیلی روزگار سرخ نگاه داشته اند و به فقر

و قناعت آبرو می بخشند.

و تقدیم به همسر

به خاطر همراهی و یاریش؛

که اگر همراهی و یاری ایشان نبود هرگز این راه را نمی توانستم طی کنم؛

## فهرست مطالب

پیش گفتار ..... Error! Bookmark not defined.

مفاهیم و متغیرها ..... Error! Bookmark not defined.

مفهوم شناسی ..... ۴

۱. قرض الحسنه ..... ۴

اول : تعریف لغوی؛ ..... ۴

دوم : تعریف اصطلاحی ..... ۵

۲- فقر زدایی ..... ۹

اول: تعریف لغوی فقر ..... ۹

دوم : تعریف اصطلاحی فقر ..... ۱۱

سوم : تعریف فقر زدایی ..... ۱۳

۳. توزیع درآمد ..... ۱۴

۴.۱. احتیاج ..... ۱۵

۵- واژگان مرتبط با قرض الحسنه ..... ۱۶

اول: انفاق ..... ۱۶

دوم : صدقه ..... ۱۶

سوم : احسان و کارگشایی ..... ۱۷

چهارم : ربا ..... ۱۹

مبانی تحقیق ..... ۲۰

۱. قرض الحسنه در قرآن ..... ۲۰

۲- جایگاه و فضیلت قرض الحسنه ..... ۲۶

۳- انگیزه های احتمالی قرض دهنده: ..... ۲۹

۴- آداب و شرایط قرض الحسنه : ..... ۳۰

اول: آداب زمان انعقاد قرض؛	۳۰
دوم: آداب زمان پرداخت قرض	۳۰
۵- اقسام قرض دهنده و قرض گیرنده	۳۴
۶- تقسیم افراد جامعه بر اساس احتیاج	۳۵
۷- آثار قرض الحسنه	۳۶
۸- آثار ترک قرض الحسنه	۳۸
فصل اول : نقش قرض الحسنه در فقرزدایی فردی	۴۰
الف: نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به قرض دهنده	۴۱
۱. پس انداز	۴۱
۲. افزایش و برکت در مال و سرمایه	۴۳
۳. جلوگیری از ربا خواری	۴۸
۴. افزایش سخاوت‌مندی	۴۹
۵. ایجاد روحیه تعاون و همیاری	۵۲
ب: نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به قرض گیرنده	۵۳
۱- رفع نیازهای ضروری	۵۳
۲- ایجاد روحیه کار و تلاش	۵۴
۳- ایجاد روحیه تعاون و همیاری	۵۷
۴- ایجاد روحیه تملک و مالکیت	۵۸
۵- بالابردن توان قدرت خرید	۵۸
جمع بندی	۶۰
فصل دوم : نقش قرض الحسنه در فقرزدایی اجتماعی	۶۱
الف: قرض الحسنه عنصر مولد و توزیع مجدد ثروت در جامعه	۶۲
ب: توزیع عادلانه ثروت و درآمد عمومی	۶۳
ج: کمک به کاهش هزینه های دولت اسلامی	۶۸

د : فراهم شدن زمینه ایجاد واحدهای تولیدی .....	۶۹
ه : کاهش زمینه های فقر و فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی .....	۷۰
و : حذف نظام ربوی و ایجاد بانکداری اسلامی .....	۷۲
ز: تأمین زندگی نیازمندان .....	۷۴
ح : استفاده از وجوه قرض الحسنه در ایجاد امکانات برای طبقه کم درآمد .....	۷۵
ط : کاهش امکان تصرف اغنیا .....	۷۷
جمع بندی .....	۸۰
<b>فصل سوم : نقش قرض الحسنه در فقر زدایی در مقایسه با روش های دیگر فقر زدایی .....</b>	<b>۸۱</b>
<b>الف: روش های الزامی اسلام در فقر زدایی .....</b>	<b>۸۲</b>
۱-زکات .....	۸۲
۲-خمس .....	۸۴
۳-نفقه .....	۸۵
۴-قانون ارث .....	۸۶
۵-منع ربا .....	۸۷
۶-منع احتکار .....	۸۹
۷-منع اسراف و تبذیر .....	۹۱
۸-منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار، تقلب و غیره .....	۹۲
<b>ب: روش های اختیاری اسلام در فقر زدایی .....</b>	<b>۹۲</b>
۱-صدقات .....	۹۲
۲-قرض الحسنه .....	۹۳
۳-وقف .....	۹۴
۴-هدیه .....	۹۴
۵-هبه .....	۹۵
۶-عاریه .....	۹۶
<b>ج: تفاوت قرض الحسنه در فقر زدایی با موارد یاد شده .....</b>	<b>۹۶</b>

۹۸	جمع بندی.....
۹۹	نتیجه.....
۱۰۲	راهکارها و پیشنهادات.....
۱۰۳	فهرست منابع.....



## پیشگفتار

قرض الحسنه یکی از آموزه های بسیار با اهمیت در اسلام بوده و ترکیبی از قرض و صفت حسن است که در مقابل قرض ربوی قرار دارد و مالی است که بدون دریافت هیچ اضافه و سودی به طرف دیگر واگذار می شود که دیگری از آن استفاده کند و در وقت مشخص آن را برگرداند در آیاتی از قرآن کریم به قرض اشاره شده است و در تمامی آن ها طرف قرض خداوند معرفی شده است نه شخص خاص و دلیل این امر آن است که قرض الحسنه جز با نیت الهی و برای رضای خدا صورت نمی گیرد زیرا هیچ سود مادی در آن در نظر گرفته نمی شود.

اولین نکته ای که باید در قرض الحسنه به آن توجه کرد این است که قرض الحسنه در مقابل قرض ربوی است، تحریم شدید ربا در قرآن و احادیث، گویای آن است که ربا با روح عادلانه و حیات اجتماعی و اقتصادی اسلام در تعارض است. مکتب اقتصادی اسلام برای جلوگیری از شیوع این عمل ناپسند و ظالمانه، قرض الحسنه را به عنوان بهترین شیوه جایگزین برای ربا جهت استفاده متقاضیانی که توانایی بازپرداخت سود را ندارند در نظر گرفته است که ثروتمندان با در نظر گرفتن پاداش معنوی قرض الحسنه داوطلبانه به انجام آن اقدام می نمایند.

اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات را توزیع ناعادلانه درآمدها می داند و اساس فرهنگ اسلامی به گونه ای است که با رواج آن و گسترش اجزاء آن، عملاً نابرابری های زیاد درآمدی از بین می رود. نظام اقتصادی اسلام، قرض الحسنه را به عنوان یکی از شیوه ها و ابزارهای مؤثر برای کاهش نابرابری توزیع درآمد در نظر گرفته است که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم درآمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تأمین نیازهای ضروری طبقات مزبور، می تواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت، نقش فعالی داشته باشد.

نا آشنایی بسیاری از مردم و متولیان امر قرض الحسنه و آثار آن در آموزه های ناب دینی انجام چنین پژوهشی را دو چندان می کند. آن چه در این نوشتار در صدد انجام آن هستیم تبیین موضوع شناخت قرض الحسنه در بین مردم و تشویق و ترغیب به این امر خیر می باشد لذا این تحقیق دربخش کلیات و سه فصل تنظیم شده است که در کلیات به مفاهیم فقر و قرض الحسنه، جایگاه و

فضیلت آن ، انگیزه های قرض دهنده و آداب قرض الحسنه و واژگان مرتبط با آن پرداخته شده و آیات آن نیز در تفاسیر مختلف بررسی و ارائه می شود .

در فصل اول به نقش قرض الحسنه در فقر زدایی فردی نسبت به قرض دهنده و قرض گیرنده پرداخته شده است.

در فصل دوم در مورد نقش قرض الحسنه در فقرزدایی اجتماعی ، توزیع عادلانه ثروت ، کاهش فاصله طبقاتی ، حذف نظام ربوی و کاهش امکان تصرف اغنیا مطالبی بیان شده است.

و در فصل سوم به نقش قرض الحسنه در فقرزدایی در مقایسه با روش های دیگر فقرزدایی پرداخته شده و روش های الزامی و اختیاری اسلام در فقر زدایی تعریف و در یک بیان کلی تفاوت آنها با قرض الحسنه بیان شده است .

در پایان راهکارهایی برای ترویج قرض الحسنه در جامعه جهت مبارزه با ربا و فقرزدایی از جامعه پیشنهاد شده است.

امید است ، مردم با شناخت بیشتر فرهنگ قرض الحسنه ، به این امر خیر تشویق شوند و بدین وسیله بین دنیا و آخرتشان پیوندی برقرار کنند که اجر اخروی این کار به عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض الحسنه نقش بسیار مهمی ایفا می کند. و بدانند قرض الحسنه به عنوان یک امر مستحب مطرح است و چنان چه بیشتر رعایت شود از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی نزدیک تر می شویم .

**و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین**

**منصوره بیگم حاجی میرصادقی**

**۱۶ ربیع الثانی ۱۴۴۳**

**اول آذر ۱۴۰۰**

## قرض الحسنه

لغت قرض الحسنه از دو کلمه ترکیب شده است:

**قرض؛** گونه‌ای از بریدن و قطع کردن است و مالی را که به دیگری داده می‌شود به شرط باز گرداندن (عین یا بدل آن) قرض می‌خوانند. از این‌رو عرب به قیچی که برنده است، مقراض می‌گویند. استعمال این واژه در وام بدون بهره، از این‌رو که انسان وقتی می‌تواند به چنین کار نیکی توفیق یابد که دلبستگی به مال و ثروت را از خود ببرد و قطع کند، و گرنه به چنین توفیقی نخواهد رسید. و معنی دیگر بریدن این است که قرض‌دهنده قسمتی از اموالش را جدا کرده و به قرض‌گیرنده می‌دهد. در فرهنگ‌های لغت عربی، قرض به معنای اعطای بخشی از مال دانسته شده است، به صورتی که قرض‌دهنده آن را باز پس گیرد. در اصطلاح فقه اسلامی، قرض، تملیک مال به دیگری با ضمانت است به اینکه بر عهده وام‌گیرنده بازگرداندن مال باشد، اعم از اینکه عین یا مثل و یا قیمت آن است.

**حسنه؛** در قرآن کریم، واژه «حسن» صفت قرض قرار گرفته، نه واژه «حسنه». حسن یعنی زیبا و نیکو و قرض نیکو آن است که از مال حلال باشد و آن را با منت گذاردن و اذیت، ضایع نکند.

قرض الحسنه در اصطلاح فقهی با انفاق و قرض الحسنه قرآنی فرق دارد: قرض الحسنه فقهی به مالی گفته می‌شود که قرض‌دهنده آن را با قصد استرداد نه رایگان، به کسی می‌دهد، خواه عین آن یا مالیت آن در ضمن مالی دیگر برگردد؛ ولی قرض الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی، معنایی جامع دارد که شامل قرض الحسنه فقهی نیز می‌شود.

## مفهوم شناسی

### ۱. قرض الحسنه

**اول : تعریف لغوی؛** «قرض» نوعی بریدن و قطع کردن است و به انتقال از مکان و بریدن از آن نیز قرض می گویند و نیز به آن مالی که به انسان پرداخت می شود به شرط این که خود آن یا بدل آن را ردّ کند قرض گفته می شود.<sup>۱</sup>

در تفسیر نمونه قرض را اینگونه تعریف کردند: «قرض» در اصل به معنی قطع کردن و بریدن است و وقتی که با واژه «حسن» همراه شود اشاره به جدا کردن مال از خویشتن و دادن آن در راه خیر است.<sup>۲</sup>

کلمه قرض در آیات قرآن کریم و کتابهای فقهی بکار رفته است . معنای مشهور و شایع قرض در کتابهای لغت ، قطع کردن و بریدن است از این رو در زبان عربی به قیچی که برنده است ، مقرض می گویند اگر چه به تناسب کلام در معانی دیگر نظیر روی گرداندن از مکان ، دور شدن از مکان ، به چپ و راست رفتن ، جویدن و پاداش دادن به کار رفته است.

وام را نیز قرض می گویند چون شخص رابطه ملکیت جزئی از اموال را با خود قطع کرده به دیگری می دهد به نیت این که عین مال یا بدل آن را در آینده به او بدهد.<sup>۳</sup>

واژه قرض از باب «قَرَضَ يَقْرِضُ» مثل ضَرَبَ يَضْرِبُ بوده و مصدر آن «قَرَضَ» می باشد. در غالب کتب لغوی قرض به معنای قطع کردن و یا بریدن معنی شده است. راغب اصفهانی در تعریف قرض آورده است «آن چیزی که به انسان داده می شود از مالش، به شرط ردّ مثلش».<sup>۴</sup>

---

۱. حسین بن محمد ، راغب اصفهانی ، مفردات الالفاظ القرآن الکریم ، ص ۶۶۶ ، سید مرتضی حسینی اصفهانی ، اسلام و راهکار فاصله طبقاتی ، ص ۵

۲. ناصر مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ج ۲۴ ، چاپ نوزدهم ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۱۱

۳- «أی: تجوزهم و تدعهم إلى أحد الجانبين و سمی ما يدفع إلى الإنسان من المال بشرط ردّ بدله قَرْضاً» حسین بن محمد ، راغب اصفهانی ، مفردات الالفاظ القرآن الکریم ، ص ۶۶۷

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی ، مفردات الالفاظ القرآن الکریم ، ص ۶۶۶ ، جواد بیگ محمدی ، قرض و قرض الحسنه ، چاپ اول ، تهران ، دانشگاه امام صادق ، ۱۳۹۰ ، ص ۹

«قرض نوعی است از بریدن، قطع مکان و گذشتن از آن را قطع مکان و قرض مکان گویند. و طبرسی فرموده: اصل آن بریدن با دندان است و وام را قرض گویند که شخص جزئی از مال خود را قطع کرده به دیگری می دهد به نیت اینکه خود مال یا بدل آن را بعداً بدهند.»<sup>۱</sup>

در کتاب الصحاح نیز قرض را در لغت به معنای اعطای بخشی از مال به صورتی که قرض دهنده آن را باز پس گیرد معنی کرده است.<sup>۲</sup>

و در مورد «حسن» گفته شده: «حسن» عبارت است از هر چیزی که خوشحال کننده و خوشایند و مورد رغبت باشد و کیفیت رغبت در آن سه گونه است هم از نظر تعقل و بصیرت و هم از جهت میل و علاقه و هم از نظر حس و دیدن می باشد.

در معجم مقاییس اللغة آمده است: «قرض، عبارت است از مقداری از مال که انسان آن را به دیگری می دهد تا نیاز او را برطرف سازد و در موعد مقرر، اصل آن مال را بر می گرداند و بدین جهت به آن قرض گفته اند که عمل قرض دادن شبیه آن است که صاحب مال قسمتی از مال خود را قطع می کند و جدا می سازد و آن را به شخص دیگری می دهد.»<sup>۳</sup>

## دوم: تعریف اصطلاحی

فقیهان امامیه و اهل سنت، از لفظ قرض معنای یکسانی را در نظر می گیرند و تقریباً در این تعریف اتفاق نظر دارند که «قرض آنست که مالی به دیگری تملیک شود به طوری که او نیز ضامن پرداخت عین یا مثل یا قیمت آن شود و» قرض عبارت است از این که مالی را به ضمان، ملک

---

۱. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، چاپ هفدهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰، ص ۳۰۶

۲. ابی نصر اسماعیل بن حماد جوهری فارابی، الصحاح، چاپ پنجم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ ق، ج ۳، ص ۱۱۰۲- اکبر هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، بی تا، ص ۲۲۴

۳. ابن فارس، محمد عبدالسلام محمد هارون، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۵۵، سید مرتضی حسینی اصفهانی، اسلام و راهکار فاصله طبقاتی، چاپ اول، قم، فرهنگ قرآن، ۱۳۸۰، ص ۵

دیگری نمایند، به این که به عهده او باشد خود آن مال یا مثل یا قیمت آن را بپردازد. به تملیک کننده «مقرض» و به قبول کننده ملک «مقترض» و «مستقرض» می گویند.<sup>۱</sup>

در غالب کتب لغوی و تفاسیر، تعریف خاصی از قرض الحسنه نیامده است شاید مراد بسیاری از لغت دانان و مفسرین از تعریف «قرض» در آثار خود، همان قرض الحسنه نیز باشد چرا که اصولاً قرض و قرض حسن هردو در نقطه مقابل «قرض ربوی» قرار دارند. مرحوم طبرسی می گوید:

«قرض حسن قرضی است که از مال حلال باشد و با منت گذاری و آزار ضایع نشود.»<sup>۲</sup>

در عرف نیز تعریفی که مردم از قرض الحسنه دارند تقریباً همان تعریفی است که علمای لغت و تفسیر از قرض کرده اند، به عبارت دیگر امروزه غالب مردم قرض الحسنه را آن قرضی می دانند که فرد، برای مدتی به هم نوع نیازمند خود می دهد و در ازای آن هیچ گونه اضافه ای نمی گیرد.

استعمال واژه قرض در وام بدون بهره از این رو است که انسان وقتی می تواند به چنین کار نیکی توفیق یابد که به مال و ثروت دلبستگی نداشته باشد و مهر آنها را از دل ببرد و قطع نماید و گرنه به چنین توفیقی دست نخواهد یافت. به عبارت دیگر قرض دهنده قسمتی از اموالش را می بُرد و به قرض گیرنده می دهد. گفتنی است قرض منحصر در پول نیست بلکه شامل کالاهای دیگر نیز می شود مثلاً همسایه ای می خواهد عروسی کند و نیاز به فرش و ظرف دارد شما به مدت یک هفته یا یک ماه، مقداری از ظرف و فرش خود را به او قرض می دهید این کار نیز قرض الحسنه به شمار می آید. پس توفیق انجام اتفاق های مالی به بریدگی و وارستگی انسان بستگی دارد چرا که اگر انسان به ثروت دنیا وابسته باشد و از آن دل نکند هرگز حاضر نمی شود به نیازمندی، وام بدون بهره بدهد.<sup>۳</sup>

واژه قرض در اصطلاح فقهی یکی از عقود شرعی است که به واسطه آن کسی مدیون و وامدار دیگری می شود. تحقق شرعی قرض دادن به دیگری منوط به ایجاب و قبول است البته به

---

۱. روح الله موسوی الخمینی، تحریر الوسیله، چاپ سیزدهم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۵۷۲

۲. حسن بن فضل طبرسی، مجمع البیان، ج ۳، ۱۳۵۰ ش، ص ۷۲

۳. محمد تقی عبدوس و محمد محمدی اشتهاردی، آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴، ص ۴۷

شرطی که دهنده وام شرط زیاده در بازپرداخت وام نداشته و گیرنده مال قصد بازپرداخت وام داشته باشد و معنای دیگر بریدن این است که قرض دهنده قسمتی از اموالش را جدا کرده و به قرض گیرنده می‌دهد.<sup>۱</sup>

در تفسیر تسنیم آمده است: قرض الحسنه مصطلح قرآنی باقرض الحسنه فقهی فرق دارد. قرض الحسنه فقهی به مالی گفته می‌شود که قرض دهنده مال معینی را با قصد بازگرداندن به صاحب مال و نه رایگان، به کسی می‌دهد؛ خواه عین آن یا مالیت آن مال در ضمن مالی دیگر بازگردد. روایات فقهی نیز بر همین معنی توجه دارند ولی قرض الحسنه در فرهنگ و اصطلاح قرآنی آن معنایی جامع و کامل دارد و شامل قرض الحسنه فقهی نیز می‌شود، زیرا از نظر قرآن کریم هر کار خیری که انسان برای خدا انجام می‌دهد قرض الحسنه به اوست؛ خواه عبادت مصطلح باشد مانند نماز و روزه؛ یا انفاق مالی یا کارهای خدماتی و عام المنفعه مانند مسجد و مدرسه سازی؛ یا جبهه رفتن و جهاد در راه خدا، و همه این امور اگر با نیت قربت انجام گیرد قرض الحسنه است.

علاوه بر اینکه، قرض گیرنده قرض الحسنه در این آیات خداوند است نه مردم. اگر می‌فرمود «کیست که به مؤمنان قرض الحسنه دهد»، معلوم بود مراد قرض الحسنه متعارف و مصطلح فقهی است، اما چون که فرموده: کیست که خدا قرض نیکو دهد، معلوم می‌شود کار خیر یا انفاق مالی که انسان برای خدا انجام می‌دهد رایگان و بدون عوض نیست، چون خداوند هم عین آن را به او باز می‌گرداند: ﴿وَمَا تَقْدُمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾<sup>۲</sup> و انسان عین عمل خود (قرض الحسنه دادن) را می‌بیند، زیرا مالی که به دیگری قرض داده است گذراست؛ ولی عمل و کار او که با نیت پاک انجام گرفته است، با عامل آن مرتبط است و در روز قیامت آن عمل را نزد خدا حاضر می‌بیند.

---

۱. خسرو تقدسی نیا، هفت سنبله، چاپ اول، آوای منجی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۱

۲. سوره بقره (۲) آیه ۱۱۰

و هم این که چندین برابر آن پاداش می دهد: «فِيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً» بر این اساس خداوند از انفاق رایگان به قرض الحسنه تعبیر کرده است ، چون عین آن به صاحبش بر می گردد.<sup>۱</sup>

برای تعریف اصطلاحی «قرض» می توان گفت :آن چیزی است که مردم در میان خود، ردّ و بدل کرده و با آن نیازهای یکدیگر را برطرف نمایند.

با توجه به شباهت قرض الحسنه و نیز زمینه بیان قرض حسن در قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام می توان گفت قرض حسن نوعی صدقه است که جایگاه آن در کنار زکات های واجب و مستحب بوده و در جهت رفع فقر از جامعه اسلامی عمل می کند البته ذکر یک نکته در این جا ضروری است و آن اینکه غالب مفسرین شیعه و سنی در تفسیر قرضاً حسناً که در شش جای قرآن کریم به همین صورت به کار رفته است گفته اند : مراد از این قرض ، انفاق و صدقه است که خداوند از بندگانش تقاضا کرده است.<sup>۲</sup>

قرض در اصطلاح فقهی به مالی گفته می شود که دهنده آن، رایگان آن را نمی دهد، بلکه قصد بازگشت و استرداد عین یا بدل مال را دارد. گاهی انسان مالی را بدون عوض به دیگری می دهد که این را به اعتبارهای گوناگون، «هبه» یا «صدقه» و مانند آن می گویند ، و گاه مال را رایگان نمی هد، بلکه قصد بازگرداندن آن را دارد، منتها نه قصد برگرداندن عین مال ، بلکه قصد استرداد بدل آن را دارد که به این نوع مبادله و معامله، به اعتبارهای گوناگون، «بیع» یا «اجاره» یا «صلح» و مانند آن می گویند. اما اگر کسی مالی را به دیگری می دهد، نه به قصد رایگان و نه تبدیل به چیز دیگر، بلکه همان مال یا مالیت آن را می طلبد ، که در اصطلاح «قرض» نامیده می شود. در واقع در معامله قرض، انسان مالیت مال را تملیک می کند و همان مالیت را نیز درخواست می کند ، نه بدل آن را . البته ممکن است قرض گیرنده هنگام ادا و وفا با موافقت قرض دهنده، آن مالیت را با چیز دیگری همراه کند و بازگرداند یا خود همان مال را بدهد.<sup>۳</sup>

---

۱. عبدالله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، ج ۱۱، چاپ اول ، قم، نشر اسراء ، ۱۳۸۵، ص ۵۸۷

۲. جواد بیگ محمدی ، قرض و قرض الحسنه ، (جایگاه آن در قرآن ، حدیث و فرهنگ جاری جامعه)، ص ۹

۳. عبدالله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم ، ص ۵۹۸



## ۲- فقر زدایی

### اول: تعریف لغوی فقر

راغب در مفردات، فقر را چنین تعریف کرده است: ﴿الْفَقْرُ وَجُودُ الْحَاجَةِ الْضَرُورِيَّةِ وَ ذَلِكَ عَامٌّ لِلْإِنْسَانِ مَا دَامَ فِي دَارِ الدُّنْيَا، بَلْ عَامٌّ لِلْمَوْجُودَاتِ كُلِّهَا﴾ و علی هذه قوله: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ....﴾ فقر وجود نیاز ضروری است این معنا همه انسانها را تا زمانی که در دنیا هستند و بلکه همه موجودات را شامل می شود به همین معناست آیه «هلا ای مردم! شما نیازمند خدائید و خدا بی نیاز ستوده است».<sup>۲</sup>

«فقر در کتاب های اهل لغت، به معنی «حاجت» و «نیاز» آمده است و «فقیر» یعنی کسی که حاجتمند و نیازمند است و احتیاج را از آن رو، فقر گفته اند که آن به منزله شکسته شدن فقار ظهر یعنی ستون فقرات، در تعدر رسیدن به مراد است و فاقره را به معنای رنج پشت شکن و مصیبتی که مهره پشت را می شکند، بیان نموده است».<sup>۳</sup>

« لغت شناسان نیز برای فقر معانی بسیار ذکر کرده اند بخشی از این معانی عبارت است از: تنگدستی، تهیدستی، پریشانی، شکستن، کنده کاری کردن، دهانه قنات و گودالهایی که در آن نهال خرما می کارند که تنگدستی و تهیدستی از دیگر معانی مشهورتر است. افزون بر این لغت شناسان، مبتلا به درد کمر و یا شکستگی ستون فقرات را فقیر نگاشته اند بر این اساس، تهیدست را فقیر می خوانند زیرا ستون فقرات توانایی اش شکسته است».<sup>۴</sup>

---

۱. سوره فاطر (۳۵) آیه ۱۵

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن، ص ۵۲۹

۳. سیدعلی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۹۷

۴. سعید فراهانی فرد، نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام، چاپ اول، بی جا، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸، ص ۱۷

و در جایی دیگر در تعریف فقر و فقیر آمده است : فقر از فقار (مهره های پشت) گرفته شده است و فقیر به کسی گفته می شود که مهره های پشتش زیر بار گرفتاری های ناشی از فقر و تنگدستی خم شده باشد.<sup>۱</sup>

در الحیاء در تفاوت فقیر و مسکین آمده است: ﴿الْفَقِيرُ، الَّذِي لَا يَسْأَلُ، وَ الْمَسْكِينُ الَّذِي هُوَ أَجْهَدُ مِنْهُ، الَّذِي يَسْأَلُ﴾<sup>۲</sup> «فقیر، کسی است که درخواست نمی کند. مسکین کسی است که وضع بدتری دارد و درخواست کمک می کند.»

علامه طباطبائی رحمته الله مانند اهل لغت ، ابتدا فقیر را تهیدست معنا می کند و بعد بین این دو واژه مقایسه می کند و موقعیت مسکین را دشوارتر و سخت تر معرفی کرده می گوید: تنها ندار را مسکین نمی گویند بلکه به کسی که علاوه بر نداری، دچار ذلت و خواری هم باشد و به خاطر فقر زیاد و مسکنت از روی اجبار از آبرو و حیثیت خود بگذرد و دست نیاز به سوی دیگران دراز کند. و از هرکسی استمداد کند لذا حال مسکین از فقیر بدتر است.<sup>۳</sup>

همچنین در روایتی که از امام باقر یا امام صادق علیه السلام نقل شده است آمده است : « فقیر کسی است که سؤال نمی کند مسکین حالش از او سخت تر است و کسی است که از مردم تکلّی می کند.»<sup>۴</sup>

---

۱. اکبر اسد زاده، سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین ع ، چاپ اول ، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱، ص ۹

۲. محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۴، چاپ هفتم ، قم ، دلیل ما ، ۱۳۸۵، ص ۵۱۶

۳. محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۸، ترجمه سید محمد باقر موسوی، چاپ سوم ، تهران، انتشارات محمدی، ۱۳۶۲، ص ۱۹۲

۴. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای ، ج ۳، چاپ ششم، تهران : اسوه ، ۱۳۸۳ ه. ش. ص ۵۰۳، ح ۱۸

## دوم: تعریف اصطلاحی فقر

در اصطلاح عرف مردم، به کسی فقیر می گویند که سطح زندگی اش بسیار پائین بوده و از ضروریات زندگی بی بهره باشد.

در اصطلاح فقه نیز منظور از فقیر کسی است که قادر نیست هزینه های اداره زندگی یک سال خانواده اش را آن طوری که در شأن آن هاست برآورده کند و در آینده هم قادر به تهیه آن نیست.<sup>۱</sup> در تفسیر نمونه نیز فرق این دو واژه را چنین بیان کرده است: فقیر کسی است که در زندگی خود کمبود مالی دارد اگر چه مشغول کسب و کاری باشد و هیچوقت دست نیاز پیش کسی دراز نمی کند اما مسکین کسی است که نیازش بیشتر و شدیدتر بوده و کار نمی کند و به همین خاطر دست به گدایی می زند شاهد بر این موضوع را یکی ریشه کلمه مسکین گرفته که از ماده «سکون» است و گویا چنین شخصی بر اثر شدت فقر ساکن و زمین گیر شده است.<sup>۲</sup>

در الحیاء، در تعریف فقر آمده است:

« فقر عبارت است از نیازمندی انسان، یا بی نصیب ماندن از چیزهایی که برای تأمین زندگی او و کسانی که در تحت تکفل او هستند کفایت کند. به عبارتی دقیقتر: فقر عبارت است از نداشتن چیزهایی که آدمی در زندگی به آنها نیازمند است، و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادهای او به آنها بستگی دارد.»<sup>۳</sup>

در تحریر الوسیله آمده است: « مسکین حالش از فقیر بدتر است یعنی نیازش بیشتر است و آنها کسانی هستند که مخارج سال خود و کسانی که عهده دار خرج آنانند را به نحو شایسته ندارند نه فعلاً و نه تدریجاً.»<sup>۴</sup>

اما در اصطلاح روایات، فقیر به شخصی گفته شده که دارایی و درآمد او از سطح معمول و متوسط جامعه پایین تر است. در نقطه مقابل غنی کسی است که برای تأمین نیازهای ضروری و

---

۱. اکبر اسدزاده، سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین ع، ص ۹

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۸، ۱۳۸۰، ص ۶

۳. محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، الحیاء، ص ۴۰۰

۴. روح الله، موسوی الخمینی، تحریر الوسیله، مترجم علی اسلامی، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۴۷

رفاهی خود، نیازمند دیگران نیست، بلکه با ثروتی که دارد می تواند آبرومندانه زندگی کند؛ بنابر این، فقیر تنها کسی نیست که «به نان شب نیازمند» است، بلکه اگر کسی به مسکن، ابزار کار و یا وسیله سواری احتیاج داشته باشد ولی نتواند با کار و تلاش خود احتیاجاتش را تأمین کند نیز فقیر است. همینطور اگر کسی مسکن، سرمایه و وسیله سواری داشته باشد ولی درآمد او کفاف مخارج سالانه اش را نکند فقیر است.

همچنین، غنی در اصطلاح روایات تنها ثروتمند آنچنانی نیست، بلکه کسی که به دیگران احتیاج نداشته باشد غنی به شمار می رود، اگر چه دارایی و یا درآمد بیشتر داشته باشد و یا نداشته باشد؛ بنابر این بین دو حالت فقر و غنا، حالت میانی وجود ندارد، شخص یا فقیر است و یا غنی.<sup>۱</sup> چون فقیران در شمار گروهی هستند که زکات به آن ها تعلق می گیرد لذا فقیهان مسأله فقر را از نظر مفهوم و حدود آن مورد توجه قرار داده اند. در نظر فقها، ضابطه فقر به عنوان شرط استحقاق زکات، عدم کفایت درآمد برای گذران زندگی فرد و افراد تحت سرپرستی وی شمرده می شود. از این ملاک متوجه می شویم فقر مورد توجه فقها فقر نسبی است.<sup>۲</sup>

چنان که شیخ طوسی رحمته الله علیه در النهایه می فرماید: کسی که زندگی اش با پنجاه درهم می گذرد زکات بر او روا نیست اما کسی که با داشتن هفتصد درهم نمی تواند به خوبی زندگی اش را اداره کند می تواند زکات بگیرد.<sup>۳</sup>

تبع در کلام فقها و نیز روایاتی که از آنها نقل شده بیانگر آن است که مراد از گذران زندگی تنها اکتفا به کم کردن حدّ معیشت که در اقتصاد ملاک فقر مطلق<sup>۴</sup> شمرده می شود، نیست بلکه به

---

۱. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ سوم، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲

۲. فقر نسبی این است که فرد گرچه برخوردار از مقدار ضروری خوراک، پوشاک، مسکن و دارو و درمان است، ولی از امکانات و وسایل راحتی که غالب مردم از آن برخوردارند یعنی نسبت به متوسط زندگی اجتماعی فقر است.

۳. شیخ طوسی، النهایه، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۰ ه. ق، ص ۱۸۸

۴. مقصود از فقر مطلق مقدار نیاز ضروری یک فرد به خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و درمان جهت حفظ جان، سلامت بدن و ادامه حیات است به گونه ای که تأمین نشدن این مقدار، موجب به خطر افتادن جان، یا سلامت بدن گردد.

این معناست که فقیر آنگونه کمک و یاری شود تا به سطح زندگی متوسط افراد جامعه دست پیدا کند. البته این در صورتی است که تأمین زندگی همه فقرا در این سطح ممکن باشد.<sup>۱</sup> همه موجودات جهان فقیر و محتاجند، خداوند بی نیازی است که از توانگری ذاتی برخوردار است همانطور که در قرآن کریم به این مطلب اشاره رفته است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾<sup>۲</sup>

هرقدر انسان از این نیازمندی بیشتر اطلاع پیدا کند، به خداوند نزدیکتر می‌شود و به درجات بالاتری از کمال دست می‌یابد. در نتیجه پیامبران و امامان فقیرترین انسان‌ها بودند و بر این فقر خود افتخار می‌کردند.<sup>۳</sup>

### سوم: تعریف فقر زدایی

پدیده شوم فقر، از ناهنجارترین درد‌ها در زندگی انسان است، و در ابعاد مادی و معنوی زندگی افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند آثار و عوارضی ویرانگر و مخرب دارد. فقر از دوران قبل تاریخ تا امروز، در اجتماعات بشری بیداد کرده و روان و جسم و جان و هستی انسانها را دستخوش نابودی و تخریب قرار داده است. در قرن حاضر هم با همه پیشرفتهایی که داشته، بر گسترش و نفوذ بیشتر این پدیده شوم در خانواده بشری افزوده و چیزی از آن کم نکرده است. ماهیت شیطانی نظامهای سرمایه داری غرب با زیر نفوذ قرار دادن سرمایه‌ها در بخش خصوص جهان سوم، اکثریت خانواده بشری را به فقر و تهیدستی کشنده‌ای مبتلا کرده است.<sup>۴</sup>

بررسی مشکلات اجتماعی و یافتن علت و شناخت نابسامانیها روشن می‌سازد که فقر، اساس مشکلات و نابسامانیها در اجتماع است. هر چقدر واقعیات زندگی را نادیده بگیریم، این

---

۱. سعید فراهانی فرد، نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام، ص ۱۹

۲. سوره فاطر (۳۵)، آیه ۱۵، «ای مردم، همه شما به خدا نیازمندید. اوست بی‌نیاز و ستودنی.»

۳. سعید فراهانی فرد، نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام، ص ۲۱

۴. محمد حکیمی، معیارهای اقتصادی در تعلیم رضوی علیه السلام، چاپ چهارم، مؤسسه بوستان کتاب،

۱۳۹۰، ص ۱۱۳

واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که انسان در این زندگی در قالبی مادی جای دارد و با وسایلی سروکار دارد و در محیطی اجتماعی زندگی می کند که به وسایل و ابزار مادی احتیاج دارد. غذا، لباس، مسکن، نظافت، بهداشت و... اینها همه از محصولات طبیعی است. و ماهیت حیات انسانی با این امور مادی پیوندی الزامی و جبری دارد.<sup>۱</sup>

امام رضا علیه السلام فقر و مسکنت را کلید همه بدبختی ها می داند و می فرماید :

﴿ الْمَسْكَنَةُ مِفْتَاحُ الْبُؤْسِ ﴾ بینوایی کلید بدبختی و بیچارگی است.<sup>۲</sup>

### ۳. توزیع درآمد

اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را تخصیص نامناسب منابع به گروهی و محروم ساختن دیگران و نیز به کار نگرفتن توان انسان در بهره برداری از منابع طبیعی می داند. بدین سبب برای از میان بردن تخصیص نامناسب، بر توزیع مناسب درآمد تأکید می کند و برای رفع محرومیت قشر دیگر جامعه، در جهت ایجاد انگیزه های کار و تلاش قدم برمی دارد. مطلوب نهایی اسلام در توزیع درآمد، مواسات و ایثار است یعنی تقسیم مساوی بین افراد اجتماع و حتی گذشت از آنچه که خود به آن نیاز داری.

روش اسلام در توزیع درآمد مبتنی بر اصولی است از قبیل : احترام به حق مالکیت خصوصی با آزادی اقتصادی در کادر محدود، حق عموم مردم در منابع طبیعی پیش از تولید، حق تهی دستان در اموال ثروتمندان.

---

۱. محمد حکیمی، همان، ص ۱۲۷

۲. محمد رضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، حکیمی، الحیاء، ص ۳۹۰

## ۱.۴. احتیاج

نیاز و احتیاج با توجه به هدف غایی انسان قابل تعریف است در جهان بینی اسلامی هدف نهایی رسیدن به قرب الهی و عبودیت است. انسان برای کسب آرامش و آسایش در زندگی به خوردن و آشامیدن و مسکن و وسیله سواری و وسایل اولیه زندگی احتیاج دارد تا بتواند بدون نگرانی و دغدغه خاطر به عبادت خداوند بپردازد اما رعایت اعتدال و میانه در امور فوق برای رسیدن به هدف متعالی لازم و ضروری است.

بعضی از نیازهای انسان ثابت است و اصل آن ها با تغییر زمان و مکان و موقعیتش تغییر نمی کند ولی ممکن است مصادیق آن تغییر کند مثل خوردن و آشامیدن و ازدواج کردن و عبادت کردن ؛ و خاستگاه آن ها فطرت و ذات انسان است .

برخی دیگر از نیازهای انسان متغیر است و بستگی به موقعیت فرد و فرهنگ حاکم بر جامعه ای که فرد در آن زندگی می کند دارد و گستردگی جامعه و پیشرفت علم و فن آوری در آن مؤثر است لذا این نیازها خاستگاه بیرونی دارد و اگر این نیازها با ارزش ها و اصول و قواعد کلی اسلام منافات نداشته باشد و اسراف در آن نباشد و رعایت اعتدال در آن شده باشد از نیازهای واقعی به شمار می آید.<sup>۱</sup>

رسول گرامی اسلام ﷺ انسان را از محتاج کردن خود به دیگران و از این و آن چیزی خواستن را منع می کند و می فرماید:

﴿يَا عَلِيُّ! قَلَّةٌ طَلَبَ الْحَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغَنَى الْحَاضِرُ. وَ كَثْرَةُ الْحَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ، وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ﴾<sup>۲</sup>

ای علی! از مردم کمتر چیز خواستن، خود ثروتی است موجود، و بیشتر خواستن (و اظهار حاجت کردن)، مایه ذلت است، و فقری است موجود.

۱. عزت نیک یار، نظام توزیع ثروت در قرآن، چاپ اول، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۶، ص ۵۷- ۵۸

۲. محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، الحیاء، ص ۴۴۲

و در حدیثی دیگر نیز می‌فرماید:

﴿مَنْ فَتَحَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ، فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ بَاباً مِّنَ الْفَقْرِ، لَا يَسُدُّ أَدْنَاهَا شَيْءٌ﴾؛

«هر کس در سؤال (از دیگران خواستن) را بر خود بگشاید، خدا هفتاد درِ فقر بر روی او

خواهد گشود، که هیچ چیز کوچکترین آنها را نمی‌بندد».<sup>۱</sup>

## ۵- واژگان مرتبط با قرض الحسنه

### اول: انفاق

انفاق از ریشه «نَفَقَ» در اصل به معنای «خارج شدن» است، از این رو «نَفَقَتِ الدَّائِبَةُ» به معنای «جانور مُرد» می‌باشد چه روح از بدن جاندار خارج شده است.<sup>۲</sup> راغب اصفهانی «نَفَقَ» را به معنای «گذشتن از میان رفتن و تمام شدن» آورده است.<sup>۳</sup>

زمانی که «نَفَقَ» به باب افعال می‌رود (انفاق) به معنای خارج کردن مال و اعطای آن به دیگری است. با این حال، در قرآن، انفاق مفهوم گسترده‌ای داشته و شامل بذل مال و غیرمال، چه واجب و چه مستحب می‌شود. که می‌توان به انفاقهای مالی از قبیل، زکات، خمس، حق معلوم، صدقه و قرض اشاره کرد. انفاقهای غیر مالی نیز مصادیق زیادی دارد مثل زکات علم، زکات بدن، زکات سلامتی و بسیاری دیگر که در کتب فقهی به شرح آن پرداخته شده است.<sup>۴</sup>

### دوم: صدقه

صدقه مالی را می‌گویند که انسان به قصد تقرب و نزدیکی به خداوند، به کسی که محتاج کمک است می‌دهد و چون نشانه نیت صادقانه فرد صدقه دهنده در عملش می‌باشد، صدقه نام گرفته

---

۱. همان، ص ۴۴۳

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، محقق عبدالسلام محمد هارون، ج ۵، ص ۴۵۴

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، محقق ندیم مرعشلی، ص ۵۲۳

۴. جواد ایروانی و دیگران، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی، ج ۲، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۸۷، ص ۲۸۰



است. این کلمه در فقه بر انفاقهای مستحب اطلاق می‌گردد، ولی در قرآن، صدقه شامل انفاقهای واجب و مستحب، هر دو می‌باشد، برای نمونه در آیه ۲۷۱ سوره بقره<sup>۱</sup> به معنای کلی انفاق (واجب و مستحب) و در آیه ۶۰ سوره توبه<sup>۲</sup> به معنای صدقه واجب و فریضه ای از جانب خدا (زکات) است که موارد مصرف آن را فقیران، مسکینان، کارگزاران جمع آوری زکات، برای بدست آوردن دل مخالفان، آزاد کردن بندگان، قرض داران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند بر شمرده است. در روایات، صدقه، در مفهومی عام تر و گسترده تر، که شامل هر کار خیری می‌شود به کار رفته است، چنان که رسول خدا ﷺ برداشتن مانع از سر راه، نهی از منکر و پاسخ سلام را از مصادیق صدقه شمرده است چرا که نشان درستی و صداقت انسان در عقیده و عملش است. به هر حال کمک مالی به نیازمندان از مهمترین مصداقهای صدقه، محسوب می‌شود.

از منظر قرآن و روایات انفاق و صدقه، نیاز به ثروت و سرمایه های مادی آنچنانی ندارد، بلکه آدمی از هر آنچه خداوند به او ارزانی داشته، می‌تواند به طور شایسته انفاق نماید چنان که قرآن می‌گوید: ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾.<sup>۳</sup>

### سوم: احسان و کارگشایی

احسان باب افعال از ماده «حسن» به معنای نیکویی کردن است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿...لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ﴾<sup>۱</sup> برای کسانی که در این دنیا نیکی کرده اند پاداش نیک است، و خداوند از طریق بیان نتیجه احسان، مردم را به آن تشویق کرده است.

---

۱. «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ يُكْفَرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» اگر آشکارا صدقه دهید کاری نیکوست و اگر در نهان به بینوایان صدقه دهید نیکوتر است و گناهان شما را می‌زداید. و خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است.

۳. «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ، فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ، وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

۳. جواد ایروانی، همان ص ۲۸۱

در سوره نحل خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم ، نهی می کند<sup>۲</sup>. احسان و نیکوکاری یکی از خصلت ها و منش های کمالی انسان است. می توان جلوه های بسیاری از زیبایی این کار نیک و پسندیده را در کارهای بسیاری جست که گذشت از خطا و گناه دیگران یکی از آنهاست. جلوه دیگر آن اطعام دیگران به خوراکی ، از سر اخلاص و خلوص است و نماد دیگرش را می توان در وام و قرض الحسنه ای جست که به نیازمندی پرداخت می شود تا به کارهایش سر و سامان دهد و خود را از مشکلی برهاند.

اهل بیت علیهم السلام احسان و گره گشایی را یکی از بهترین و دوست داشتنی ترین کارها نزد خداوند و خودشان معرفی کرده اند . آنان در برخی روایات ، برآوردن نیاز مؤمن را با برخی کارهای نیک دیگر مقایسه کرده و برتر از آنها دانسته اند .<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام در باره احسان و کارگشایی روا کردن حاجت مؤمن می فرماید:

« کسی که به انگیزه رسیدن به پاداش الهی ، در راه برآوردن نیاز مؤمنی گام بردارد تا آن را برایش برآورد ، خداوند همانند پاداش حج و عمره پذیرفته شده به درگاهش و دو ماه روزه و اعتکاف ماه های حرام در مسجدالحرام را برایش می نویسد، و کسی که با همان نیت گام بردارد، ولی آن را بر نیاورد (موفق به برآوردن آن نشود)، خداوند به سبب آن ، همانند ثواب یک حج مقبول را برایش می نویسد. پس به کارهای نیک بگرائید»<sup>۴</sup>.

بنابر این هر مؤمنی باید، دیگر مؤمنان و مسلمانان را همچون جان خود عزیز بدارد؛ با آنان همدردی کند و در سختی های روزگار ، دست یاری به سویشان دراز کند ؛ یعنی دردشان را درد خود ، و شادی شان را شادی خود بداند.

---

۱. سوره زمر ( ۳۹ ) ، آیه ۱۰

۲. سوره نحل ( ۱۶ ) آیه ۹۰ ، « إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ »

۳. محمد باقر تحریری، اخلاق اجتماعی، چاپ چهارم، قم ، نشر هاجر، ۱۳۹۷، ص ۴۰

۴. یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای ، ج ۴، چاپ ششم، اسوه ، ۱۳۸۳ ه. ش ، ص ۵۸۱

از منظر جامعه شناسی احسان و کارگشایی آثار مطلوبی همچون بهبود وضع نیازمندان و کاهش فاصله طبقاتی، کاهش بزهکاری های برخاسته از فقر، افزایش سطح امید به زندگی و تقویت وحدت و همبستگی اجتماعی به دنبال دارد.

### چهارم: ربا

«الربا» در لغت به معنای زیادی و افزایش است و در شریعت اسلام به معنای زیاده گرفتن در وام یا بیع است، مورد ربا یا پول است یا جنس. گاهی پول را قرض می دهد و بیش از آنچه داده باز پس می گیرد، که این ربای در وام است و گاهی جنسی را می دهد و مقدار بیشتری از همان جنس را تحویل می گیرد.

انتقاد از رباخواری، ربا گرفتن و ربا دادن، از ابتدای اسلام مطرح بوده است در سوره روم که در مکه نازل شده است، می فرماید:

﴿وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِّيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup>؛ «یعنی آنچه به قصد ربا می دهید تا برای شما در اموال مردم بیفزاید بدانید که نزد خداوند افزون نمی شود.»

و سپس در آیه ۱۳۰ سوره آل عمران با فرمان ﴿لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا﴾ از آن نهی گردیده و بیشترین انتقاد از ربا خواری در همین آیات آمده است.

آیات مربوط به ربا، به دنبال آیات انفاق آمده، تا دو جهت خیر و شر را که توسط مال و ثروت پدید می آید مطرح کند. انفاق یعنی دادن بلاعوض و ربا یعنی گرفتن بلاعوض. هر آثار خوبی که انفاق دارد، در مقابلش آثار سوئی است که ربا در جامعه پدید می آورد. به همین جهت قرآن می فرماید:

---

<sup>۱</sup>.سوره روم (۳۰) آیه ۳۹

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ﴾<sup>۱</sup> خداوند ثروت بدست آمده از ربا را نابود ، ولی صدقات را افزایش می دهد.<sup>۲</sup>

در جامعه ای که نظام ربا خواری حاکم است روح همدردی و خیر خواهی و کمک و مساعدت وجود ندارد و به عبارتی دیگر دین حیاتبخش اسلام به روابط اجتماعی سالم و همدلی و همیاری و تأمین نیاز نیازمندان و دستگیری از محتاجان و راه اندازی کار کسانی که در زندگی مشکلاتی دارند اهمیت فراوانی داده و در این راستاست که برای قرض ثواب زیادی قرار داده است . و بر اساس روایات علت حرام بودن ربا این است که مانع این قبیل کارهاست و ربا روح همکاری و خیرخواهی را از بین می برد و بر روح رباخواران جز حرص و سودجویی و ظلم چیز دیگری حکومت نمی کند.<sup>۳</sup>

## ج: مبانی تحقیق

### ۱. قرض الحسنه در قرآن

در قرآن سیزده بار با واژه های گوناگون سخن از قرض به میان آمده است هر جا کلمه «قرض» در قرآن آمده به دنبال آن کلمه «حسناً» نیز آمده است از این رو ، در اسلام به وام بی بهره «قرض الحسنه» گفته شده است. در این قسمت به بیان آیات قرض الحسنه در قرآن می پردازیم:

#### آیه اول:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾؛ «کیست که به خدا وام نیکویی دهد (و از اموالی که او بخشیده در طریق جهاد

---

۱.سوره بقره (۲) ، آیه ۲۸۶

۳. محمد رحمتی شهرضا، گنجینه معارف، چاپ چهارم، صبح پیروزی، ۱۳۸۶، ص ۴۹۹

۳. حسین نوری همدانی، مسأله ربا، چاپ اول، پارسیان، ۱۳۸۹، قم، ص ۴۲

۴.سوره بقره (۲) آیه ۲۴۵

و در طریق حمایت مستمندان) انفاق کند تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند و خداست که (در معیشت بندگان) تنگی و گشایش پدید می آورد و به سوی او بازگردانده می شوید.»

« وام دادن به خداوند به معنی «انفاق فی سبیل الله» است و به گفته بعضی از مفسران انفاقهایی است که در راه جهاد می شود. زیرا در آن زمان تهیه هزینه های مختلف جهاد، بر دوش مبارزان مسلمان بود در حالی که بعضی دیگر معتقدند انفاقی را شامل می شود هرچند بعد از آیه جهاد وارد شده است.

ولی تفسیر دوم با ظاهر آیه سازگارتر است به خصوص اینکه معنی اول را نیز در بر می گیرد، و اصولاً انفاق در راه خدا، کمک به نیازمندان و حمایت از محرومان، همان کار جهاد را می کند زیرا هر دو مایه استقلال و سربلندی جامعه اسلامی است.»<sup>۱</sup>

یک بحث روایتی: در درالمنثور است که عبدالرزاق و ابن حریر از زید بن اسلم روایت کرده که گفت وقتی آیه ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا﴾ نازل شد ابو الدحداح انصاری نزد رسول ﷺ آمد و عرضه داشت یا نبی الله آیا درست فهمیده ام که خدا از آنچه به ما عطا فرموده قرض می خواهد؟ حال که چنین است من دو قطعه زمین دارم یکی بالای شهر و یکی پایین شهر، من هر یک را که بهتر از دیگری تشخیص دادید در راه خدا صدقه می دهم، رسول خدا ﷺ مکرر فرمود: چه شاخه های پر برگی در بهشت سایه بر ابی دحداح افکنده اند.<sup>۲</sup>

در چندین آیه از قرآن مجید در مورد انفاق در راه خدا تعبیر به قرض و وام دادن به پروردگار آمده است و این نهایت لطف خداوند نسبت به بندگان را از یک سو و کمال اهمیت مسأله انفاق را از سوی دیگر می رساند با اینکه مالک حقیقی سراسر هستی اوست و انسانها تنها به عنوان

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۲۲۴

۲. همان، ص ۲۲۳

نمایندگی خداوند در بخش کوچکی از آن، تصرف می‌کند چنانکه در آیه ۷ سوره حدید می‌خوانیم:

﴿ آمِنُوا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ اَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ ۖ ﴾ ؛ «ایمان به خدا و رسولش

بیاورید و از آنچه خداوند شما را در آن نماینده خود ساخته ، انفاق کنید .»

ولی با این حال برمی‌گردد و از بنده خود استقراض می‌کند آن هم استقراضی با چنین سود بسیار فراوان «کرم بین و لطف خداوندگار»<sup>۱</sup>

## آیه دوم :

﴿ لِّئِنْ اَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِيْ وَعَزَّرْتُمُوْهُمْ وَاَقْرَضْتُمُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا

لَا تُكْفِرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا دُخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ ۖ ﴾ ؛ «اگر نماز بپا دارید و

زکات بدهید و به رسولانم ایمان بیاورید و آنان را یاری کنید و قرض الحسنه به خدا

بدهید گناهان شما را محو می‌کنم و شما را در باغهایی از بهشت که نهرها از زیر

درختانش جاری است وارد می‌کنم.

دستوری که در این آیه به پرداخت قرض الحسنه داده شده به قدری اهمیت دارد که آن را پس از

نماز ، زکات ، ایمان و یاری رسولان خدا، ذکر کرده و پاداش آن را بخشش گناهان و بهشت نعیم

می‌داند و می‌گوید قرض الحسنه ، قرض دادن به خداست؛ یعنی مورد پذیرش حق است و خدا

دستش را به جای مستمند قرار می‌دهد.<sup>۳</sup> آیه فوق با واژه جمع آمده و به عموم مردم از زن و مرد

---

۱. همان، ص ۲۲۶

۲. سوره مائده، ( ۵ )، آیه ۱۲

۳. محمد تقی عبدوس و محمد محمدی اشتهاردی ، آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه ، ص ۴۹

خطاب شده است لذا این اصل مقدس مانند نماز و زکات باید در سطح وسیع و همگانی انجام شود<sup>۱</sup>

### آیه سوم:

﴿إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup>؛ «اگر شما به خدا قرض الحسنه دهید آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را مشمول آمرزش خویش می گرداند و خدا شکر گزار و بردبار است.»

در تفسیر نور ذیل این آیه آمده است: منظور از قرض دادن به خدای متعال، انفاق در راه خداست و اگر این عمل را قرض دادن به خدا و مال انفاق شده را قرض حسن نامیده اند به جهت ترغیب مسلمانان به انفاق بوده است.<sup>۳</sup>

### آیه چهارم:

﴿إِنَّ الْمُسَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفْ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾<sup>۴</sup>؛ «همانا مردان و زنانی که در راه خدا (به فقیران) صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند (یعنی به محتاجان قرض الحسنه دهند) احسان آنها را چندین برابر سازند و پاداش با لطف و کرامت نیز خواهند داشت.»

بعضی احتمال داده اند که منظور از قرض الحسنه به خداوند در آیه فوق و آیات مشابه آن به معنی وام دادن به بندگان است برای این که خداوند بی نیاز است و نیازی به وام ندارد این بندگان

---

۱. همان، ص ۵۰

۲. سوره تغابن (۶۴)، آیه ۱۷

۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، چاپ پنجم، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، قم: بوستان کتاب، بی تا، ۱۳۸۹

۴. سوره حدید، (۵۷)، آیه ۱۸

مؤمن هستند که نیاز به وام دارند ولی با توجه به سیاق آیات چنین به نظر می رسد که منظور از قرض الحسنه در همه آیات همان « انفاق فی سبیل الله » است اگر چه وام دادن به بندگان خدا نیز فضیلت بسیار زیادی دارد.<sup>۱</sup>

در این آیه مبارک به دو اصل، اصول دیانت و فروع دیانت اشاره نموده یکی ایمان به اصول دیانت است که از کلمه « المصدقین و المصدقات » برداشت می شود و راجع به زکات و قرض الحسنه می باشد و دیگر زکات و باقی وجوهی که « فی سبیل الله » انفاق می شود که از فروع دیانت و ایمان به حساب می آید.

و مردان و زنان با ایمان یعنی کسانی که به خدا و پیامبر او ایمان دارند و اموال خود را در راه رضای پروردگار خود انفاق می کنند ، مورد لطف خود قرار داده و برای آنان پاداش بزرگ فراهم کرده و نظر به اهمیت انفاق است که با این که خداوند خود مالک و صاحب هر چیزی است با این حال از راه لطف به بندگان در مقام این است که برای تشویق و ترغیب آنان، انفاق را به منزله قرض به خود معرفی کرده و اشاره به این مطلب دارد که همان طوری که قرض به صاحبش برمی گردد همین طور انفاق فی سبیل الله از جانب خداوند به اضعاف مضاعف عوض داده می شود.<sup>۲</sup>

### آیه پنجم :

«.....وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ؛ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۳</sup> «نماز به پا دارید و زکات را ادا کنید و از طریق انفاقهای مستحبی به خدا وند قرض الحسنه دهید و بدانید آنچه را از کارهای خیر برای خود از پیش می فرستید آن را نزد خدا به بهترین وجه

---

۱ . ناصر مکارم شیرازی ، تفسیر نمونه ، ص ۳۴۴

۲ . نصرت السادات امین ، مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید ، جلد ۱۳ ، اصفهان ، بی تا ، ص ۱۴۱

۳.سوره مزمل،(۷۳) آیه ۲۰



وبزرگترین پاداش خواهید یافت و دائم از خدا آمرزش طلبید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.»

در تفسیر نمونه آمده است که منظور از دادن «قرض الحسنه» به خداوند همان انفاقهای مستحبی است و این بزرگوارانه ترین تعبیری است که در این زمینه می توان تصور کرد چرا که مالک تمام املاک، از کسی که مطلقاً فقیر است و از خود چیزی ندارد طلب قرض می کند تا به این وسیله او را تشویق به انفاق و ایثار و کسب فضایل این عمل خیر کند و تکامل یابد.<sup>۱</sup>

### آیه ششم:

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾<sup>۲</sup> «کیست که به خدا وام

نیکو دهد، (و از اموالی که به او ارزانی داشته انفاق کند)، تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند و برای او اجر فراوان پرازشی است.»

آیات قبل به انفاق اشاره دارد در این آیه برای تشویق در مورد «انفاق فی سبیل الله» از تعبیر جالب دیگری استفاده کرده می گوید: «کیست که به خدا وام نیکو دهد، (و از اموالیکه به او ارزانی داشته انفاق کند، تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند و برای او اجر فراوان پرازشی است.»

تعبیر عجیبی در این آیه دیده می شود، خدایی که خود تمام نعمتها را به ما بخشیده و همه ذرات وجود ما لحظه به لحظه از دریای بی پایان فیض او بهره مند می شود و مملوک او است و ما را صاحبان ثروت و اموال شمرده و در مقام گرفتن وام از ما برآمده و برخلاف وامهای معمولی که عین همان مقدار را پس می دهند خداوند چندین برابر، گاه صدها و گاه هزار برابر آن اضافه می کند

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۱۹۷

۲. سوره حدید، (۵۷)، آیه ۱۱

وعده «اجر کریم» که پاداشی عظیم و بزرگ است که اندازه اش را جز خدا نمی‌داند نیز به قرض دهنده می‌دهد.<sup>۱</sup>

## ۲- جایگاه و فضیلت قرض الحسنه

با توجه به بیان قرض الحسنه در قرآن و سنت می‌توان گفت قرض الحسنه در نظام اخلاقی مکتب اسلام از جایگاه والایی برخوردار می‌باشد. در واقع روح حاکم بر قرض الحسنه بیش از آن که متأثر از مسائل اقتصادی باشد متأثر از مسائل اخلاقی است به عبارت دیگر می‌توان گفت قرض الحسنه یک عمل اخلاقی است که دارای تأثیرات اقتصادی و فردی اجتماعی و نیز اخروی می‌باشد.

شاید بتوان قرض الحسنه را نیز مانند انفاق یک سنت به یادگار مانده اخلاقی از قرآن کریم و نیز معصومین علیهم‌السلام برشمرد ، سنتی که در فرد و جامعه می‌تواند منشأ بسیاری از آثار و برکات حسن باشد.

در دین مبین اسلام که دین اخلاق و انسانیت است توجه به نیازها و مشکلات یکدیگر و تلاش برای رفع آن‌ها ، شرایط لازم و لاینفک مسلمانی شمرده است. بی‌توجهی به نیازهای هموعان و بی‌تفاوت بودن نسبت به مشکلات یکدیگر هیچوقت نمی‌تواند از ویژگی‌های یک انسان مؤمن و مکتبی باشد. کسی که در مکتب اسلام پرورش یافته و خود را مؤمن به این مکتب می‌داند هرگز نمی‌تواند نسبت به توصیه‌های آن بی‌تفاوت باشد و البته انسان مکتبی می‌داند اگر به تک تک توصیه‌های این مکتب عمل کند نوری به قلب و وجود او می‌تابد تا هدایت‌گر او در تاریکی‌های زندگی باشد .

قرض الحسنه در مکتب اسلام جایگاهی مخصوص دارد و تأکید اسلام برای کمک به فقرا و مستمندان به معنی پذیرش فقر نیست بلکه تلاشی برای برکندن فقر از زندگی بشری است. قرض الحسنه از ثمرات سخاوت و فضل است و ثواب آن بی‌نهایت است.

---

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ، ص ۳۲۱

رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید:

«هر کس به مؤمنی وامی (قرض) دهد و برای پس گرفتن آن صبر کند تا دستش باز شود، مال او زکات محسوب می شود و فرشتگان برای او دعا کنند تا این که وامش به او برگردانده شود.»<sup>۱</sup>

در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام مروی است که:

﴿مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ﴾؛ «بر در بهشت چنین نوشته

شده است: ثواب صدقه را ده مقابل می دهند و ثواب قرض را هیجده مقابل.»<sup>۲</sup>

توجه کردن به نیاز هممنوع، تلاش برای رفع نیاز او جزو مهمترین توصیه های اخلاقی معصومین علیهم السلام شمرده می شود.

شاید بتوان گفت در خیلی از موارد، عمل کردن به توصیه های معصومین علیهم السلام جزو واجبات اخلاقی شمرده می شود و چنانچه فرد مسلمان به آن ها عمل ننماید چه بسا مستحق عذاب اخروی گردد.

اگر در احکام فقهی اسلام ذکر نشده است که انجام اعمال حسن، مانند دستگیری از نیازمندان و یا قرض دادن به محتاجان و... واجب است و یا ترک این اعمال موجب گناه و مستوجب کیفر اخروی خواهد شد شاید علتش این باشد که خداوند خواسته بندگان را با امور مذکور آزمایش نماید. اگر انسانی به بسیاری از امور عبادی به دیده واجب بنگرد و ترک محرمات دینی اش را بر خود لازم بداند لیکن رفع کردن نیازهای ضروری هممنوع خود را امری لازم و ضروری نداند و نسبت به آن بی تفاوت باشد می تواند باعث سقوط او از این امتحان الهی گردد.<sup>۳</sup>

---

۱. محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱۷، ح ۵۲۱۷.

۲. محسن فیض کاشانی، ترجمه الشریعه، ج ۱، قم، توحید، ۱۳۸۰، ص ۵۹؛ محمد محمدی ری شهری، همان، ح ۵۲۲۲.

۳. جواد بیگ محمدی، قرض و قرض الحسنه، ص ۲۱.

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار ، راجع به آن زیاد سفارش شده است.

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده :

«هرکس به برادر مؤمنش قرض دهد ، به ازای هر درهم آن ، به وزن کوه های أحد ، رضوی ، و طور سینا حسنات در ترازوی اعمال وی نهاده می شود و اگر پس از فرارسیدن مهلت با او مدارا کند ، بدون حساب و به سرعت از صراط می گذرد و هیچ عذابی نمی بیند و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد ، هنگامی که پروردگار نیکان را پاداش می دهد بهشت را بر او حرام می سازد»<sup>۱</sup>.

امام خمینی رحمته الله علیه در جمع مدیران صندوقهای قرض الحسنه در سال ۵۹ ، در اهمیت و ارزش والای قرض الحسنه می فرماید:

« قرض الحسنه از اعمال بسیار خوب است و بهتر از همینطور پول دادن است و شاید یکی از نکته هایش هم این باشد که در قرض الحسنه ، فعالیت دنبالش هست ، در مجانی (پول دادن) ، شاید گدا درست کردن باشد ، از این جهت ، این قرض گرفتن یک فعالیتی ایجاد می کند. آن کسی که قرض می کند موظف است که بدهد ، این به فعالیت می افتد که در وقت خودش بتواند قرضش را ادا کند و بعد هم مازادی که پیدا کرده است به کار خودش ادامه بدهد؛ لکن آن کسی که کنار کوچه نشسته و از مردم گدایی می خواهد ، هیچ وقت در فکر این نیست که یک کاری بکند؛ برای اینکه دیگر طلبکاری ندارد ، کسی نمی آید از او مطالبه کند که این که گرفتی پس بده.

قرض بسیار اهیت دارد و قرض الحسنه بسیار اهمیت دارد و در کمتر گناहانی است که به اندازه ربا در قرآن و سنت به او اهمیت داده شده باشد و آن را مطرود کرده باشد ، و نکته اش هم این است که اگر ربا رواج بگیرد ، فعالیت کم می شود. یکی از نکاتش این است که ربا در مقابل کار نیست بلکه سودی است که ربا خوار می برد ، ربا خوار توی خانه اش نشسته و یا عیاشی می کند و پولش دارد اضافه می شود و این تحمیل است بر مسلمین ، این اضافه گرفتن از یک طرف به حسب آیه شریفه ظلم است و از طرف دیگر بیکاری درست می کند . این پول باید به کار گرفته شود و با آن کار انجام بگیرد و تولید رزق و

---

۱. محمد بن حسن الحر العاملی ، وسائل الشیعه ، ج ۱۳ ، ص ۸۸ ح ۵۵

روزی کند. اینها (رباخواران) پول را در دست یک کسی می‌دهند و می‌خواهند این پول بدون کار بزیاید برای خودشان و این در جامعه فساد بزرگی است و این را قرآن شریف ظلم گفته است «لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» (نه ستم کنید و نه مورد ستم قرار گیرید) خداوند اینطور تشبیه کرده است «فَإِذْ نُوا بِحَرْبٍ مِنْ اللَّهِ» (بقره/۲۷۹) (اگر از ربا خواری دست بردارید پس بدانید که به جنگی بزرگ با خدا و رسولش برخاسته اید!) این اهمیت زیاد دارد. و به همان اندازه ای که قرض به ربا محکوم است به همان اندازه قرض به حسنه و بدون ربا و همین طور قرض دادن به همان اندازه مطلوب است<sup>۱</sup>

### ۳- انگیزه های احتمالی قرض دهنده:

با توجه به این که قرض دهنده مدتی از تصرف در مال خود چشم پوشی می‌کند و در مقابل هم توقع گرفتن هیچ سودی را ندارد، بنابراین اولین سؤالی که در ذهن انسان خطور می‌کند این است که انگیزه این رفتار اقتصادی چیست؟

بعضی احتمال داده اند که این انگیزه ها شاید به خاطر رسیدن به پاداش اخروی و کسب اخلاق پسندیده (دوری از بخل) باشد و ممکن است انگیزه قرض دهنده از قرض دادن کمک به هم نوع و تعاون و هم یاری با مردم باشد و شاید برای مال و کسب جایزه اقدام به این عمل می‌کند.<sup>۲</sup> انگیزه اول صرفاً اخروی و انگیزه دوم و سوم معنوی و انگیزه چهارم و پنجم صرفاً مادی است، اما در مورد قرض گیرنده، قرض گرفتن یک امر ناپسند است؛ مگر آن که در جهت رفع یکی از نیازهای ضروری از آن استفاده شود. با توجه به مطالب فوق، دو مشخصه مهم قرض الحسنه؛ یعنی داشتن انگیزه معنوی یا اخروی برای قرض دهنده و دیگر صرف آن در جهت رفع نیازهای ضروری قرض گیرنده ظاهر می‌شود. مسئله دیگری که قرض را از قرض الحسنه متمایز می‌کند این است که گرفتن هر گونه مبلغی بیشتر از اصل در قرض الحسنه نهی شده است.<sup>۳</sup>

۱. فصلنامه علمی - کاربردی قرض الحسنه، وام ذخیره ماندگار، شماره ۷۰، پاییز ۱۳۹۳

۲. کمبجانی، علی اکبر و هادوی نیا، علی اصغر، «درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن»، نامه مفید، ۱۳۷۷، ش ۱۴، ص ۲۳۵

۳. سیدحسین، میرمعزی، «ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن»، نامه مفید، ۱۳۷۷، ش ۱۴، ص ۲۱۸.

#### ۴- آداب و شرایط قرض الحسنه :

در آیات و روایات، آدابی برای قرض الحسنه بیان شده که باید از سوی دهنده و گیرنده آن مراعات شود. از جمله اینکه قرض دهنده مراعات آبروی قرض گیرنده را بکند. از این رو خداوند گفتگوی محرمانه در مورد توصیه به قرض الحسنه را از کارهای پسندیده و شایسته شمرده است.<sup>۱</sup> مهلت دادن به قرض گیرنده یکی دیگر از آداب قرض است خصوصاً اگر قرض گیرنده ، معسر باشد .

آداب قرض الحسنه که معمولاً شامل مستحبات و مکروهات این رفتار می‌باشد، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری فرهنگ قرض الحسنه دارد که می‌توان آن را در دو بخش آداب زمان انعقاد قرض و آداب زمان بازپرداخت قرض بیان کرد.

#### اول: آداب زمان انعقاد قرض ؛

در هنگام انعقاد قرارداد، قرض گیرنده باید نیت بازپرداخت را داشته باشد برای جلوگیری از هرگونه اختلاف احتمالی، هنگام انعقاد قرارداد سندی نوشته شود تا در صورت اختلاف و نزاع، ملاک قضاوت قرار گیرد . و امکان گرفتن وثیقه از قرض گیرنده وجود داشته باشد و موقع انعقاد قرداد ، شاهد گرفته شود.

#### دوم: آداب زمان پرداخت قرض

اسلام بر بازپرداخت بدهی نیز تأکید بسیار داشته و نسبت به ادای فوری دین، توجه ویژه ای شده است. در مطالبه دین، وام دهنده باید شأن و شخصیت قرض گیرنده را محترم شمارد و از سخت گیری بپرهیزد. در صورتی که شخص وام گیرنده توان مالی جهت پرداخت قرض را ندارد ، قرض دهنده مهلت پرداخت را تمدید کند و یا برای ادای قرض به دولت اسلامی ارجاع داده شود و در

---

۱. «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» سوره نساء ( ۳ ) آیه ۱۱۴

نهایت اگر قرض گیرنده توانایی مالی دارد و وام دهنده نیز تمایل دارد، قرض گیرنده می‌تواند بازپرداخت را به صورت نیکوتری انجام دهد. و شأن وام دهنده را مراعات کند<sup>۱</sup>

در بسیاری از روایات به این موضوع سفارش شده که موقع ادای دین، مقداری اضافه بپردازد و چون در عقد قرض، اضافه شرط نشده بود، چنین عملی ربا و حرام نیست بلکه مستحب است. در تعدادی از احادیث نیز عدم قصد و تلاش برای باز پرداخت دین و قرض مورد نکوهش و انذار شدید قرار گرفته است.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

«کسی که قرض بگیرد و در صورتی که تصمیم داشته باشد آن را پس بدهد در امان خداست تا آن را اداء کند ولی اگر تصمیم نداشته باشد آن را به صاحبش برگرداند دزد محسوب می‌شود.»<sup>۲</sup>

همانطور که بیان شد، برای جلوگیری از اختلال بین قرض دهنده و قرض گیرنده در امر بازپرداخت، خداوند سبحان در طولانی ترین آیه از قرآن در باره آداب پول قرض دادن و شاهد گرفتن افرادی بر قرارداد و کتابت آن می‌فرماید:<sup>۳</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که دینی را تا مدت معینی (به خاطر گرفتن وام یا داد و ستد) به یکدیگر بدهکار شدید آن را بنویسید، و باید نویسنده ای (سند آن را) در میان خودتان به عدالت بنگارد، و هرگز نباید نویسنده از نوشتن آن- همان گونه که خدا به وی آموخته- امتناع ورزد، او باید بنویسد و کسی که حق به گردن اوست (بدهکار) املا کند، و از خداوند که پروردگار اوست پروا نماید و از حق چیزی را کم نگذارد، و اگر کسی که حق به گردن اوست سفیه یا ناتوان (سنّی) باشد یا (به خاطر آفت زبان) نتواند املا کند، ولی او به عدالت املا نماید. و دو گواه از مردانتان

---

۱. علی اصغر، هادوی نیا، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۵۵-۶۰.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۵۰

۳. سوره بقره (۲) آیه ۲۸۲

(مردان مسلمان) را به شهادت بطلبید، و اگر دو مرد نباشد، یک مرد و دو زن را از میان گواهانی که (از دینشان) رضایت دارید گواه بگیرید، تا اگر یکی از آن دو زن فراموش نمود آن دیگری او را یادآوری نماید. و چون گواهان (برای تحمل شهادت یا اداء آن) دعوت شوند خودداری نکنند. و از نوشتن بدهی که تا مدتی معین مهلت دارد، کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید. این کار در نزد خدا عادلانه تر و برای گواهی استوارتر و به اینکه شک نکنید (و نزاعی برنخیزد) نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که در میان خود تبادل می کنید، که بر شما گناهی نیست که آن را ننویسید. و (بهتر است که) هر زمان داد و ستد کنید شاهد بگیرید، و نباید نویسنده و گواه (به واسطه زیاد و کم کردن، به صاحب حق) ضرر بزنند و نباید به نویسنده و شاهد به سبب ندادن حقتان ضرر برسد، و اگر چنین کنید برای شما فسق و گناه است. و از خدا پروا کنید، و خدا به شما می آموزد و خدا به همه چیز داناست.»

با وجود چنین آداب و فرهنگی در زمینه قرض الحسنه یکی از اصلی ترین مشکلات قرض، یعنی عدم اطمینان وام دهندگان در مورد باز پرداخت دیون خود، از بین می رود، و خداوند از قرض دهنده تشکر می کند یعنی آن را به نیکی می پذیرد و با پادشاهای دنیوی و اخروی جبران می نماید.<sup>۱</sup> در خصوص کتابت دین در تفسیر کاشف آمده است که هدف از کتابت دین اینست که حق طلبکار و بدهکار حفظ شود تا از کشمکش و خصومت در بین آنها جلوگیری شود و همینطور نویسنده باید شخصی امین و آشنا به احکام دین اسلام باشد چون اگر جاهل به احکام و صادق و امین نباشد ممکن است به یکی از طرفین طلبکار و بدهکار متمایل باشد و نقض قرض شود.<sup>۲</sup>

بانو امین در تفسیر مخزن العرفان به نقل از شیخ طبرسی رحمته الله علیه در باره صفات قرض نیکو می نویسد قرض نیکو باید متصف به صفات ذیل باشد :

حلال باشد، از چیزهای قیمتی و پاکیزه باشد، از چیزهایی باشد که انفاق کننده در حیات خود محتاج به آن باشد زیرا حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بهترین صدقه را، صدقه ای می دانند که انسان در حال صحت و امید بقاء، و نترسی از فقر بدهد، و در پرداخت آن سستی نکند تا وقتی که زمان

۱. محمد تقی عبدوس و محمد محمدی اشتهااردی، آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه، ص ۵۰

۲. محمد جواد مغنیه، تفسیر کاشف، مترجم، موسی دانش، ج ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳



مرگ او نزدیک شد افسوس بخورد که چرا صدقه نداده است. به کسانی که بیشتر نیاز دارند انفاق کند، تا جایی که امکان دارد انفاق را پنهان کند، صدقه را با منت و اذیت و ریا همراه نکند، با نیت خالص باشد قصد تقرب و رضایت خدا انفاق کند، آنچه را که در راه خدا انفاق می نماید بزرگ بشمارد اگرچه بزرگ باشد زیرا که متاع دنیا نسبت به آخرت اندک است و از آنچه بیشتر دوست دارد انفاق نماید.

هرگاه این ده صفت در انفاق جمع شد آن وقت قول خداوند «**قَرْضًا حَسَنًا فَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ**» بر آن صدق می کند که صدقه ای که این ده صفت را داشته باشد عامل آن مستحق اجر کریم می گردد.<sup>۱</sup> همچنین تحقق قرض الحسنه شرایط خاصی دارد از جمله تاکید روایات بر توجه داشتن قرض دهنده به ثواب اخروی و نیت خدایی داشتن و ناپسند بودن قرض گرفتن در نیازهای غیر ضروری، که این موارد قرض را از دیگر عقود جدا می سازد.

قرض الحسنه، وام نیکی در کارنامه نیکوکاران و اهل احسان است این عمل هنگامی ارزش پیدا می کند که به قصد قربت باشد. به این معنا که قرض الحسنه هرچند به خودی خود عمل صالح و خوب است که پاداشی بزرگ برای آن در نظر گرفته شده ولی اگر این عمل با خلوص نیت همراه باشد و انسان در انجام آن جز خداوند کسی را در نظر نگیرد و تنها برای خشنودی و رضای الهی انجام دهد به عنوان عبادتی خالص تلقی می شود و ارزشی مضاعف و دوچندان می یابد. از این رو خداوند اخلاص در عمل را از شرایط مطلوبیت در قرض الحسنه بر می شمارد زیرا این گونه است که عمل نیک و صالح عملی عبادی می شود و آثاری افزون تر بر آن که عملی نیک و صالح است بر آن بار می گردد. پاداش عمل خالصانه عبادی در تفسیر و حیانی آنچنان بزرگ و زیاد است که نمی توان به سادگی آن را بیان کرد و از آن سخنی به میان آورد از این رو خداوند در آیاتی چون ۲۴۵ سوره بقره پاداشهای قرض الحسنه را نامحدود و غیر قابل شمارش می داند و در آیات ۱۱ و ۱۸ سوره حدید از آن به پاداش های عظیم و کریمانه یاد می کند قرض الحسنه افزون بر این که موجب تکفیر و نادیده گرفتن گناهان و سیئات می شود، موجبات دستیابی انسان به فوز

---

۱. نصرت السادات امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، ص ۱۲۹-۱۳۰

عظیم و کامیابی در بهشت جاوید نیز می‌شود و زمینه بسیاری از خیرها و جلب محبت الهی و مانند آن را نیز فراهم می‌آورد.<sup>۱</sup>

## ۵ - اقسام قرض دهنده و قرض گیرنده

«نهاد قرض الحسنه می‌تواند در دو سیستم مختلف به اجرا درآید که از جهت کیفیت و کمیت آثار، تفاوت‌های بسیار دارند.

۱- صندوق تعاون قرض: در این سیستم، قرض دهندگان که از یک طبقه درآمدی هستند، وجهی را به عنوان سپرده در اختیار صندوق قرار می‌دهند تا پس از جمع‌آوری، در صورت تحقق شرایط معین به اعضا وام داده شود.

۲- صندوق معاونت قرض: در این سیستم، قرض دهندگان از طبقات درآمدی بالاتری هستند و جهت یاری رساندن به طبقات پایین‌تر درآمدی، با مسدود کردن موقت یا دائمی نقدینگی خود، آن‌ها را در اختیار صندوق قرار می‌دهند تا به افراد خاص یا به افرادی که صندوق تشخیص می‌دهد، قرض بدهند.

صندوق تعاون قرض به افراد عضو این امکان را می‌دهد که پس اندازه‌های کوچک را به صورت کارایی در جهت رفع نیازهای اساسی خود به کار گیرند. به همین سبب با اتخاذ چنین شیوه‌ای، طبقات کم درآمد امکان استفاده بیش‌تر از امکانات موجود را پیدا می‌کنند و فاصله بین فقیر و غنی کاسته می‌شود. بنابراین صندوق مزبور از این جهت در کاهش فقر نسبی مؤثر است.

در نهاد معاونت قرض با توجه به این که ثروتمندان اقدام به قرض دادن می‌کنند، رفع فاصله طبقاتی و ایجاد توازن اقتصادی از دو جهت صورت می‌گیرد. نخست این که با این اقدام امکان تصرف اغنیا کاهش یافته و در نتیجه از روند تشدید فاصله طبقاتی کاسته می‌شود. دوم این که با استفاده وجوه در ایجاد امکانات برای طبقات کم درآمد در واقع از مقدار فاصله طبقاتی موجود

---

۱. محسن فیض کاشانی، ترجمه الشریعه، ص ۵۹

کاسته می‌شود. از این جهت صندوق های معاونت قرض در زمینه فقرزدایی می‌توانند تأثیر بیشتری داشته باشند»<sup>۱</sup>

## ۶- تقسیم افراد جامعه بر اساس احتیاج

اولین وسیله اصلی در دستگاه توزیع، کار است چون کار اساس مالکیت است و وسیله دیگری که در عمل توزیع به طور اصلی سهم بوده احتیاج می‌باشد. نقش مشترکی که کار و احتیاج در این زمینه ایفا می‌کند، شکل نخستین عمومی توزیع جامعه اسلامی را معین می‌سازند ممکن است برای توضیح بیشتر این نقش مشترک، که احتیاج در آن سهم است، افراد جامعه را به سه گروه تقسیم کنیم

دسته اول کسانی هستند که دارای قدرت فکری و جسمی مناسبی هستند و می‌توانند زندگی بهتری نسبت به دیگران داشته باشند و از رفاه بیشتری بهره مند گردند. تا هنگامی که این افراد به قوانین و مقررات پایبندند و از محدوده دین فراتر نرفته اند می‌توانند بیش از احتیاجات خویش داشته باشند. بنابراین نیاز نمی‌تواند برای این دسته از مردم نقش مهمی داشته باشد. در این دسته از مردم کار عامل تعیین کننده سهم آنان از توزیع درآمد است

گروه دوم کسانی هستند که کار می‌کنند و محصول کارشان به سختی کفاف یک زندگی عادی و معمولی را می‌دهد. توزیع درآمد در این گروه به هر دو عامل کار و نیاز بستگی دارد. یعنی آن‌ها فقط با کارکردن می‌توانند ضروریات اولیه زندگی را تهیه کنند و نیاز موجب می‌شود سهم بیشتری از درآمد به آن‌ها عطا گردد. به گونه ای که بتوانند زندگی آسوده و راحتی داشته باشند.

گروه سوم؛ ضعفا، معلولین، ناقص العضوها و کسانی هستند که توانایی کار ندارد و در مورد این گروه توزیع درآمد صرفاً براساس نیاز افراد است؛ زیرا این گروه قادر به کار نیستند و حق دارند تا حدی که حیات و زندگی آن‌ها تأمین شود از درآمد استفاده کنند. باید توجه داشت که برای این دو گروه اخیر، درآمد باید از طریق تعاون اجتماعی و دولت اسلامی تأمین گردد.<sup>۲</sup>

---

۱. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، مجله دانش پژوهان، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۹، بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد

۲. سید محمدباقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه محمدکاظم موسوی، ج ۱، برهان، ۱۳۵۰، ص ۴۳۱-۴۳۲

## ۷- آثار قرض الحسنه

منظور از قرض دادن به خدایتعالی، انفاقهای غیر زکات و صدقات مالی است که در راه خدا داده می‌شود و عطف امر به اقامه نماز و دادن زکات و قرض دادن به خدا به مسئله تخفیف، برای اشاره به این معنا بوده که تکالیف دینی همچنان به وجوب و اهمیت خود باقی است و خدایتعالی همچنان به امر آن اعتناء است. و می‌فرماید هر اطاعتی که به نفع خود از پیش بفرستید (یعنی برای اینکه با آن زندگی آخرتی خود را تأمین کنید) نزد خدا آن را خواهید دید یعنی در روز لقاءالله آن را بهتر از همه کارهای نیک که می‌کردید و یا بهتر از هر چیزی که در دنیا باقی می‌گذارید و پراجتر از آن خواهید یافت.<sup>۱</sup>

قرض الحسنه انسان را از دایره خود پرستی، خودبینی و خودخواهی که حصار بزرگی در برابر کمال طلبی انسان است خارج می‌سازد و او را به مرکز تمام کمالات و زیبایی‌ها سوق می‌دهد. و روحیه مهرورزی، همدلی و مواسات را در انسان زنده می‌کند و راه تقرب و نزدیک شدن به خداوند بزرگ است.

همچنین قرض الحسنه باعث رشد فضیلت‌ها و ملکات اخلاقی، چون سخاوت و بخشش در انسان می‌شود انسانی که در نیازهای دیگران همواره با حضور خود باعث شادی و امید و دلگرمی و نشاط آنان می‌شود خود نیز به دنبال این حضور و همدلی در مسیر رشد و شکوفایی فضایل قرار می‌گیرد.

توجه به نیاز همنوعان و کمک به حفظ شأن و شخصیت آنان به انسان لذتی می‌دهد که در سایه این لذت، او می‌تواند با اطمینان قلبی بیشتری در مسیر تکامل قرار گرفته و آن را طی نماید. آری قرض الحسنه یکی از ابزارهای کم نظیر اخلاقی است که خداوند به واسطه آن هم‌گروه از مشکلات نیازمند و گیرنده آن می‌گشاید و هم در اثر انجام این عمل اخلاقی، دهنده آن را بهره‌مند

---

۱. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۳۹، چاپ دوم، تهران، انتشارات محمدی، ۱۳۶۱، ص ۲۶۱

از بسیاری فضایل و نعمات می گردانند. علاوه بر بهره مندی از فضایل و نعمات الهی، همچنین می توان قرض الحسنه را عاملی برای تهذیب روانی و تربیت روحی شمرد چرا که درست عمل نمودن به این سنت حسنه می تواند سبب تزکیه نفس و آرایش روح و روان فرد از بسیاری مشکلات و پیچیدگی های درونی گردد.<sup>۱</sup>

قرض الحسنه باعث تألیف قلوب انسان ها، تطهیر و وارستگی انسان، ترویج و تقویت صله رحم و جوانمردی و ایثار می شود.

از دیگر آثار دنیوی قرض الحسنه، شکوفایی اقتصادی و حل مشکلات اجتماعی و رواج فرهنگ غیر ربوی اقتصاد اسلامی می باشد، تامین نیاز عموم جامعه اسلامی، وام به خدا که سودش چندین برابر است. و وقتی به بندگان خدا ترحم نمائیم، خداوند برکات زمین و آسمان را به روی ما می گشاید.

از آثار و برکات اجتماعی و کارکردهای دنیوی، قرض الحسنه می توان به ایجاد محبت بین مردم و تحقق انسجام و وحدت اسلامی اشاره کرد.

از جمله آثار قرض الحسنه می بایست به نادیده گرفتن گناهان و تکفیر سیئات و تبدیل آن به حسنات سخن گفت.<sup>۲</sup> بنابراین، وام دهنده با این کار خویش، گویی تازه از مادر متولد شده است و نقش کار او همانند توبه تاثیرگذار است و مشکلاتی که به سبب گناه گرفتار است برطرف می کند. پس می توان گفت که وام دادن، موجب جلب منفعت و دفع و رفع بلا و گرفتاری نیز است. خداوند در آیه ۱۲ سوره مائده از پاداش های بزرگ قرض الحسنه را دستیابی به فوز عظیم و کامیابی در بهشت جاودان دانسته است. پس می بایست این عمل را از اعمال صالح و نیکی دانست که تضمین کننده بهشت برای آدمی است.

---

۱. جواد بیگ محمدی، قرض و قرض الحسنه، چاپ اول، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱، ص ۱۸-۲۰

۲. سوره مائده (۵)، آیه ۱۲

## ۸- آثار ترک قرض الحسنه

قرض الحسنه در زندگی فردی و اجتماعی، چنان نقش اساسی و کلیدی دارد که خداوند این مستحب را در کنار واجباتی چون نماز و روزه بیان کرده و بر انجام آن فرمان داده است.<sup>۱</sup> بنابراین، ترک آن نه تنها موجب ناخشنودی خداوند و عدم برکت در زندگی شخص می شود، بلکه آثار و تبعات دیگری دارد که در آیات و روایات بیان شده است.

رسول گرامی اسلام ﷺ در این باره می فرماید:

«.... وَأَمَّا أَوَّلَ ثَلَاثَةٍ يَدْخُلُونَ النَّارَ ..... وَذُو ثَرَوَةٍ مِنْ مَالٍ يُؤَدِّي حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ»؛ «ثروتمندانی که حق خدا را از اموالی که در اختیار دارند، ادا نکرده اند از زمره نخستین کسانی هستند که وارد آتش جهنم می شوند».<sup>۲</sup>

بر اساس این روایت، اگر چه رسالت مسلمانی فراگیر است و شامل همه امور مسلمانان می شود اما قرض الحسنه راهی است که می توان از طریق آن بخش هایی از نیازهای ضروری مسلمانان نیازمند را برآورده ساخت و دقیقاً به خاطر سنگین بودن این رسالت، توانگرانی که می توانستند به نیازمندان کمک کنند اما چنین نکردند به شدت عذاب خواهند شد.

خداوند در آیاتی ترک قرض الحسنه از سوی افراد جامعه را بسیار زشت و گناه بر می شمارد و تارکان آن را لعنت می کند. افزون بر این که ترک این عمل صالح و نیک، موجبات بیماردلی شخص و جامعه می شود و انسان ها را سنگدل و قسی القلب می سازد. خداوند در آیات ۱۲ و ۱۳ سوره مائده ترک قرض الحسنه از سوی بنی اسرائیل را، از اسباب ابتلای آنان به لعنت الهی و قساوت قلب دانسته است و به مومنان هشدار می دهد که این گونه عمل نکنند تا ایشان نیز گرفتار لعن الهی شده و سنگدل گردند.

اگر قرض الحسنه دادن، تضمین کننده ورود انسان به بهشت است، ترک آن نیز موجب محرومیت است؛ به ویژه آن که تارک آن ملعون است و خداوند او را لعن کرده است و بی گمان ملعون از خدا و بهشت او دور خواهد بود.

---

۱. أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...؛ سوره مزمل (۷۳) آیه ۲۰

۲. علاء الدین الهندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه رسالت، بی تا

پیامبر اکرم ﷺ در همین باره می‌فرماید :

﴿مَنْ أَحْتَاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ﴾

؛ «کسی که برادر مسلمانش در قرضی به او نیاز پیدا کند و او بتواند قرض بدهد و چنین

نکند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می‌کند.»<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام به ثروتمندان و دارندگان مال هشدار می‌دهد که درخواست قرض دیگران را نادیده نگیرند؛ چرا که زمانه بسیار متقلب و متغیر است و اگر امروز دارا هستی فردایی ممکن است ندار باشی و نیازمند قرض ؛ پس امروز قرض بده تا فردا روزی به تو وام دهند:

﴿وَ اغْتَنِمْ مَنْ اسْتَقْرَضَكَ فِي حَالِ غِنَاكَ لِيجْعَلَ قِضَاءَهُ لَكَ فِي يَوْمٍ عُسْرَتِكَ﴾؛ «به هنگام

بی‌نیازی ، اگر کسی از تو وام خواهد ، غنیمت بشمار، تا در روز سختی و تنگدستی به تو

باز گرداند.»<sup>۲</sup>

ترک قرض الحسنه ، موجب ابتلای آدمی به سنگدلی شده و لعنت الهی را برای تارک آن به ارمغان می‌آورد زیرا ترک قرض الحسنه و نیکوکاری ، انسان را در مسیری قرار می‌دهد که از اعتدال و حق خارج می‌کند و به سوی شقاوت و بدبختی می‌کشاند.<sup>۳</sup>

از مجموع آیات و روایات ، جایگاه عالی سنت نیکوی «قرض الحسنه» و آثار ارزنده این مهم در زندگی دنیا و جهان پس از مرگ روشن می‌شود و برای کسانی که توانایی دارند ولی از انجام این عمل نیکو و سازنده امتناع می‌ورزند عذاب سخت و دردناکی توأم با خواری و زبونی را در انتظار خواهد داشت.

---

۱. محمد بن علی ابن بابویه «شیخ صدوق»، امالی، چاپ ششم ، تهران : کتابچی ، ۱۳۷۶ ، ص ۵۱۶

۲. محمد دشتی ، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، اوج علم، ۱۳۸۰ ، نامه ۳۱ ، ص ۵۲۸

۳. خسرو تقدسی نیا، هفت سنبله، ص ۲۱

## **فصل اول**

### **نقش قرض الحسنه در فقرزدایی فردی**



بدون شک بخشی از آثار اولیه قرض حسن متوجه این دنیا و زندگی دنیوی افراد خواهد شد شاید در نگاه اول اینگونه برداشت شود که در قرض حسن، فقط قرض گیرنده است سود می برد، در حالی که با کمی دقت و تدبّر در آیات و احادیث مربوطه می توان پی برد که نه تنها گیرنده قرض، بلکه قرض دهنده و کسی که بخشی از اموال و دارایی اش را از خود جدا می کند و حتی اجتماعی که این دو در آن زندگی می کنند، از این داد و ستد نیکو و حسن بهره می برند<sup>۱</sup>. در این فصل به بیان نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به دهنده و گیرنده قرض می پردازیم:

## الف: نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به قرض دهنده

### ۱. پس انداز

« پس انداز سهمی از درآمد است که به مصارف جاری و زودگذر زندگی تخصیص پیدا نمی کند و به امید تحصیل درآمدی در آینده که مؤثر در افزایش سرمایه شخص می باشد اندوخته (پس انداز) می شود. پس انداز همان مقداری از درآمد است، که ما آن را خرج نمی کنیم یا اموالی که برای مصرف بعد از این کنار می گذاریم. پس انداز می تواند هر نوع صرفه جویی ما در هزینه ها باشد و چه بسا این نوع پس انداز بتواند گره های بیشتری از زندگی ما را باز کند و منظور از آن فقط پس انداز پول و نقدینگی نیست.

عموماً اولین چیزی که با شنیدن واژه پس انداز به ذهن اکثر ما ایرانی ها می رسد، بانک است. از نظر ما ایرانی ها، پس انداز یعنی پولی را در بانک گذاشتن برای روز مبادا. اما پس انداز یا همان saving در واقع "درآمد خرج نشده یا مصرف معوق" است. یعنی میزانی از درآمد که ما آن را خرج نمی کنیم یا اموالی که برای مصرف بعد از این کنار می گذاریم.

پس انداز یعنی انصراف از مصرف در زمان حال! اگر فردی به جای پس انداز، پول های خود را مصرف کند، دیگر پول نخواهد داشت!

---

<sup>۱</sup>. جواد بیک محمدی، قرض و قرض الحسنه (جایگاه آن در قرآن، حدیث و فرهنگ جاری جامعه)، ص ۳۶

پس‌انداز را می‌توان به تاخیر مصرف از حال به آینده تعریف کرد. پس‌انداز می‌تواند به صورت قراردادی یا تعهدی (مانند اقساط بیمه عمر)؛ افزایش داراییهای نقدی (مانند سپرده‌گذاری در بانکها)؛ سرمایه‌گذاری مستقیم در لوازم کسب و کار و تصفیه تعهدات یا پرداخت دیون صورت گیرد. برای بررسی جایگاه پس‌انداز در رفتار افراد باید اشاره‌ای به نقش پیش‌بینی‌ها بشود. پیش‌بینی، به بررسی وضع آینده در حال اطلاق می‌شود. پیش‌بینی در دو مرحله صورت می‌گیرد:

- پیش‌بینی جهت تقسیم درآمد به مصرف و پس‌انداز

- پیش‌بینی جهت تقسیم پس‌انداز به سرمایه‌گذاری و کنز

در مرحله اول در مورد این تصمیم می‌گیرد که چه مقدار از درآمد خود را برای مصرف حال از دست بدهد. پس از تعیین این مقدار، باقیمانده مصرف از درآمد پس‌انداز محسوب می‌شود، اگر چه در آینده باز دهی داشته یا نداشته باشد. سطح درآمد و نیز میل به مصرف در این مرحله نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در مرحله بعد فرد تصمیم می‌گیرد، چه مقدار از پس‌انداز را برای کسب بازدهی احتمالی در بخش سرمایه‌گذاری اختصاص داده و چه مقدار را نزد خود نگهداری کند. در این مرحله سود نهایی سرمایه و نیز نرخ بهره نقش اساسی را به عهده دارد.

از طرف دیگر چون پس‌انداز آن قسمت از درآمد است که خرج نمی‌شود و از جریان درآمدی خارج می‌گردد، یکی از مشکلات مربوط به پس‌انداز، بازگرداندن آن به چرخه درآمد می‌باشد. این امر از طریق پس‌انداز منفی عده‌ای که بیش از درآمد جاری خود خرج می‌کنند و یا سرمایه‌گذاری، قابل دستیابی است.<sup>۱</sup>

پس از تعاریف فوق در مورد پس‌انداز می‌توان گفت اعطای وام قرض الحسنه به نیازمند برای قرض‌دهنده پس‌انداز محسوب می‌شود زیرا تا زمانی که مبلغ قرض عودت نشود قرض‌دهنده در آن دخل و تصرفی ندارد، و هر اندازه خدمت به نیازمندان با دادن وام قرض الحسنه بیشتر شود

---

۱. علی اصغر هادوی نیا، قرض الحسنه و آثار اجتماعی آن، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹-۱۱۴

پس انداز قرض دهنده بیشتر خواهد شد و به نوعی از او فقر زدایی می‌شود و موقع نیاز خودش مبلغی را در دست قرض گیرنده پس انداز دارد، که برای او ذخیره شده و می‌تواند از آن استفاده کند.

آینده‌نگری، ایجاب می‌کند که انسان، همه درآمد خود را یک‌جا مصرف نکند؛ بلکه آینده خود را نیز در نظر بگیرد و برای تأمین آرامش خاطر خود، در صورت امکان، بخشی از درآمدش را پس انداز کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا أَحْرَزَتْ قَوْتَهَا اسْتَقَرَّتْ» آدمی، هر گاه وسایل زندگی‌اش به قدر نیاز فراهم باشد، روانش آسایش می‌یابد.

بدیهی است که آینده‌نگری و پس انداز در سطح کلان برای تأمین نیازهای جامعه، از اهمیت دوچندانی برخوردار است و با آینده‌نگری فردی، قابل مقایسه نیست. نمونه قرآنی آن نیز، آینده‌نگری حضرت یوسف علیه السلام در ذخیره گندم برای تأمین نیازهای آینده مردم است.

## ۲. افزایش و برکت در مال و سرمایه

در تفسیر نمونه آمده است: با توجه به اینکه واژه «اضعافاً» به صورت جمع در آیه ۲۴۵ سوره بقره<sup>۱</sup> آمده و با کلمه «کثیره» تأکید شده به علاوه جمله «یضعف» نیز تأکید بیشتری را از یضعف می‌رساند از مجموع این جهات استفاده می‌شود که خداوند برای انفاق کنندگان پاداش بسیار فراوانی قرار داده و انفاق در راه خدا همچون بذر مستعدی است که در زمین آماده ای افشاندن شود و به وسیله بارانهای پی در پی آبیاری گردد و ده ها و گاه صدها برابر نتیجه دهد. در پایان آیه می‌فرماید: خداوند روزی بندگان را محدود و گسترده می‌کند و همه شما به سوی او باز می‌گردید.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای، ج ۵، ص ۸۹، ح ۲

۲. «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»

اشاره به اینکه تصور نکنید انفاق و بخشش، اموال شما را کم می کند زیرا گسترش و محدودیت روزی شما به دست خداست و او توانایی دارد در عوض اموال انفاق شده به مراتب بیش از آن را در اختیار شما قرار دهد بلکه با توجه به ارتباط و به هم پیوستگی افراد اجتماع با یکدیگر، همان اموال انفاق شده در واقع به شما باز می گردد.

این از نظر دنیا، و از نظر آخرت، فراموش نکنید که همه به سوی او باز می گردید و پادشاهی بزرگ شما آنجاست.<sup>۱</sup>

اگر این انفاق را قرض دادن به خدا خوانده چون انفاق در راه خداست علاوه بر اینکه این تعبیر هم تعبیری است سلیس و هم مشعر به قرب خدا، می فهماند انفاق گران نزدیک به خدایند به طوری که با او داد و ستد دارند.<sup>۲</sup>

جمله «يُضَاعِفُهُ وَيَغْفِرُ لَكُمْ» اشاره است به حسن جزایی که خدایتعالی در دنیا و آخرت به انفاق گران می دهد و اسم های «شکور و حلیم و عالم غیب و شهادت و عزیز و حکیم» پنج نام از اسماء حسناى الهی است که شرحش و وجه مناسبتش با سمع و طاعت و انفاق که در آیه بدان سفارش شده است روشن است.<sup>۳</sup>

در سوره تغابن نیز قرض دادن موجب افزایش نعمت به چندین برابر مقدار قرض بیان شده و در ذیل این آیه و در ذیل آیه ۱۷ آمده است: <sup>۴</sup> چه تعبیر عجیبی که بارها در قرآن مجید در مورد انفاق فی سبیل الله تکرار شده خدایی که آفریننده اصل و فرع وجود ما و بخشنده تمام نعمتها و مالک اصلی همه ملکهاست از ما وام می طلبد و در برابر آن وعده «اجر مضاعف» و آمرزش می دهد و نیز از ما تشکر می کند لطف و محبت بالاتر از این تصور نمی شود و بزرگواری و رحمت فراتر از

---

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۲۲۵

۲. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۱۲۸

۳. سید محمد حسین طباطبایی، همان، ج ۳۸، ص ۲۶۶،

۴. «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ»

این ممکن نیست ما چه هستیم و چه داریم که به او دهیم و تازه چرا این همه پاداش عظیم بگیریم؟!<sup>۱</sup>

بانو امین در فایده قرض دادن می‌نویسد: اگر به خدا قرض دهید قرض نیکو، دو فایده می‌برید یکی آنکه (یضاعفه لکم) خدا آن را زیاد می‌گرداند یکی را به هفتصد یا زیادت‌تر و دیگر آنکه انفاق نیکو که از روی خلوص نفس سرزند سبب آمرزش گناهان می‌شود و خدا شما را می‌آمرزد.

اینکه در بسیاری از آیات انفاق فی سبیل الله را به منزله قرض به خودش نامیده با آنکه ذات حق تعالی بی نیاز از غیر است نکاتی در بر دارد، یکی تشویق مؤمنین برای آنکه به خدا قرض داده باشند و خدا می‌گیرد و چنانچه در جای دیگر فرموده خدا صدقات را می‌گیرد تا بیشتر راغب و مایل گردند به انفاق، و دیگر چون قرض عوض دارد که بایستی قرض گیرنده چیزی که گرفته پس بدهد با زیاده به اعتبار اینکه خداوند متعهد گردیده به چند برابر عوض بدهد این است که انفاق را استعاره قرض نامیده (والله شکور حلیم) شکور صیغه مبالغه است و اشاره به مزید عنایت در باره متقین است و با آنکه تمام نعمتها از خوان نعمتهای بی پایان اوست حتی آنکه انفاق و هر کار نیکی از هر کسی بروز و ظهور نماید به توفیق و لطف او پدید گردیده لکن با این حال در موقع انفاق خود را (شکور)، گویا خود را شکرگزار انفاق کننده نامیده و این کمال لطف و کرم را می‌رساند.<sup>۲</sup>

در کتاب تفسیر کشف الاسرار در ذیل آیه ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا.....﴾؛ «هر نیکی که بنده کند ده چندان پاداش به وی دهیم...» آمده است؛ رسول خدا گفت: یارب بیفزای امت مرا، پس این آیت فرود آمد ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا.....﴾ هر نیکی که بنده کند آن را اضعاف مضاعف گردانیم و او را با آن ثواب فراوانی دهیم، سدی گفت: جایی که الله، کثیر گوید و تضعیف کند، اندازه آن جز الله نداند از عظیمی و فراوانی که بود.<sup>۳</sup>

---

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۲۱۱

۲. نصرت السادات امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید، ص ۳۵۳

۳. ابوالفضل رشیدالدین میبدی، کشف الاسرار و عدۀ الابرار، ج ۱، چاپ هشتم، امیر، ۱۳۸۹، ص ۶۵۸

«در آیه مورد بحث تشویقی بالغ به انفاق در راه خدا شده که مافوق آن تصور ندارد چون از یکسو سؤال کرده که آیا کسی هست که چنین قرضی به خدا دهد و از سوی دیگر انفاق او را قرض دادن به خدای سبحان نامیده که پرداخت آن بر قرض گیرنده واجب است و از سوی سوم چنین مقاطعه و طی کرده که هرگز عین آنچه گرفته پس نمی‌دهد بلکه باضعاف مضاعف می‌دهد و به این هم اکتفا نکرده اجری کریم بر آن اضافه کرده فرموده خدا در آخرت قرض خود را به اضعاف مضاعف ادا می‌کند و اجری کریم هم می‌دهد و اجر کریم اجری است که در نوع خودش پسندیده ترین باشد و اجر اخروی همینطور است چون اجری است مافوق آنچه ممکن است به تصور درآید.»<sup>۱</sup>

درباره کلمه اجر راغب گفته ؛ کلمه اجر و اجرت عبارت است از پاداش و ثوابی که در مقابل عمل به ما بر می‌گردد. چه این پاداش، دنیایی باشد و چه آخرتی. سپس اضافه می‌کند که این کلمه جزء در موارد سود و فایده استعمال نمی‌شود. بر خلاف «جزاء» که هم در نفع بکار می‌رود و هم در ضرر.<sup>۲</sup>

« در آیه مورد بحث تشویق به انفاق با طرح این سؤال مطرح شده که آیا کسی هست که قرضی به خدا بدهد که پرداخت آن بر قرض گیرنده واجب است؟ و به این هم اکتفا نکرده بلکه شرط کرده که به اضعاف هم برمی‌گرداند و اجر کریم می‌دهد. با این بیان خداوند می‌خواهد به بندگان بگوید برای این که عزت نفس مؤمنان حفظ شود اگر امکان انفاق ندارید، لااقل قرض بدهید اما قرض بی‌آزار و بی‌منت، خداوند خودش را واسطه قرار داده با آن که همه ما وسیله ای هستیم برای کاربرد بهتر، لذا توصیه می‌کند که این کاربرد بهتر در گام نخست، انفاق است و بریدن و دل کندن از مال یا هر چیزی که در تملک شماست. چنانچه فکر می‌کنید این کار بسیار سخت است پس قرض بدهید و بدانید با قرض دادن در واقع با خدا معامله می‌کنید. خداوند هم عمل شما را بی‌پاسخ نخواهد گذاشت و دو چندان به شما پاداش می‌دهد چه در دنیا و چه در آخرت.

---

۱. محمد حسین طباطبایی، همان، جلد ۳۷، ص ۳۲۱

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الالفاظ القرآن، ص ۶۶۷

نکته مهم در این آیه، آن است که خداوند خود را واسطه این قرض قرار داده است و با این که می دانیم مالک اصلی همه دارایی های انسان خداست که به هر کس بخواهد می دهد، اما در این آیه گویی انسان ها را مالک شناخته و از آن ها می خواهد که به خداوند قرض بدهند تا اثبات کند که برگشت آن مالی که قرض داده ای حتمی خواهد بود اگر چه ندانی که از چه مجرای آن مال به سوی تو برمی گردد، یعنی خداوند خود را ضامن برگشت آن مال دانسته آن هم به صورت مضاعف و این مسأله، اهمیت گردش مال در جامعه اسلامی و رفع نیازهای دیگران را بیان می کند. البته در صورتی که بدون منت باشد و در آن «ریا» نباشد تا بدین وسیله اولاً سرمایه ها یک جا متمرکز و انباشته نشود ثانیاً روحیه گذشت و توجه به دیگران تعمیم یابد و ثالثاً افراد نیازمند بتوانند احتیاجات خود را تأمین کنند و از فقر و نداری نجات یابند. این روحیه اجتماعی موجب حل مشکلات مردم می شود و جامعه روی آرامش خواهد دید و جامعه ای که در آن آرامش باشد اندیشه رشد می کند و انسان ها یاد می گیرند که نسبت به یکدیگر عشق بورزند و هرگاه شهروندان به یکدیگر عشق بورزند، دیگری را بر خود مقدم می دارند و در این حالت است که مفهوم ایثار شکل می گیرد و این از صفات جامعه مؤمن است.»<sup>۱</sup>

قرض حسن دادن برای اهل قرض فوائد و برکات فراوانی دارد که بخشی از این برکات و ثمرات در دنیا نصیب او می شود و کسی که مشکلات دیگران را با دادن قرض برطرف می کند خود نیز مشمول این عنایات و برکات خداوند می شود و همیشه از افزایش مال و برکت در دارایی بهره مند می گردد.<sup>۲</sup>

بانو امین در تفسیر مخزن العرفان می نویسد: «از اینکه از انفاق راه خدا تعبیر نموده به قرض که به خدا قرض بدهید در صورتی که خدا مستغنی و بی نیاز است از احتیاج و آنچه هست ملک او و تحت تصرف وی است اشاره به این است که اینجا در راه خدا انفاق مال نما و در آخرت بلکه در

---

۱. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن ج ۲ ص ۲۵۳

۲. جواد بیگ محمدی، همان، ص ۳۷

همین نشأه نیز باضعاف مضاعف عوض بستان و گمان مکن که آنچه به راه حق داده ای از کف رفته و عوض ندارد.

﴿وَمَا تَقْدِرُوا لِيْٓأَنْفُسِكُمْ.....﴾<sup>۱</sup> اشاره به این است که گمان مکن آنچه در این عالم دنیا کار نیک می کنی فانی و بی ثمر مانده ، اینطور نیست بلکه در عالم آخرت می یابی نزد کردگار عالم بهتر از آنچه پیش فرستاده ای و آن کسی که بینا و شنوا و عالم به افعال و کردار شماست بهتر از آنچه کرده اید عوض می دهد و پاداش اعمال خیر شما به مراتب بسیار بزرگتر و عظیم تر است از آنچه تصور نمایید زیرا که بزرگی پاداش به اعتبار بزرگی پاداش دهنده است.<sup>۲</sup>

### ۳. جلوگیری از ربا خواری

تحصیل مال از راه های حرام دارای ضررهای فردی ، اجتماعی، بدنی، روحی و فرهنگی است و اسلام تأکید دارد که مسلمانان جداً از آن پرهیز کنند و در میان کسب های حرام تأکیدی که نسبت به ربا بعمل آمده در باره هیچ یک از آنها نیامده است .

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: ﴿شَرَّ الْمَكَايِبِ كَسْبُ الرِّبَا ۝۳﴾

« قرض امری است که اسلام آن را همچون یک ضرورت - برای موارد نیاز - مقرر داشته است نه چون یک اصل؛ و از آنرو بر قرض دادن تأکید شده است که نیازمندیهای مردمان در اوضاع و احوال خاص برآورده شود، و از راه تأکید بر «قرض الحسنه»، قرض همراه با ربا از میان برود؛ لیکن رسالت و مأموریت اسلام، در مکتب اقتصادی خود بی نیاز کردن مردمان و از بین بردن فقر

---

۱.سوره مزمل (۷۳)، آیه ۲۰

۲. نصرت السادات امین، مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید ، ص ۱۷۶

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۵



عمومی و ریشه کن ساختن آن است از اجتماع و رهانیدن مردمان از چنگال این درد بزرگ کوبنده و مهلک، و رساندن ایشان به وسعت زندگی یا به حدّ کفاف.<sup>۱</sup>

در آیه ۲۷۶ سوره بقره آمده است که خداوند ربا را نابود کرده و صدقات را رشد و برکت می دهد.<sup>۲</sup> لازم به ذکر است شرط هر نوع زیاده بر عهده قرض گیرنده، ربا و حرام است و پرداخت هر نوع زیاده از طرف قرض کننده بدون شرط قبلی، به عنوان هدیه یا غیر آن، حلال و در مواردی مستحب است. اما گرفتن کارمزد برای عملیات اعطای قرض - به ویژه زمانی که این کار توسط مراکزی مانند بانک یا صندوق قرض الحسنه صورت پذیرد - جایز نیست. مراکزی که ناچار به تحمل هزینه هایی چون اجاره مکان، حقوق کارکنان، قیمت آب، برق و تلفن هستند، قرض دهنده می تواند تمام این هزینه ها را به عنوان کارمزد از قرض کننده دریافت کند و اگر تعداد قرض کننده ها زیاد است تناسب بر کل آن ها تقسیم کند.<sup>۳</sup>

شهید مطهری رحمته الله قرض الحسنه دادن را یک عبادت بسیار بسیار بزرگ دانسته اند و فرموده اند اگر قرض الحسنه داده شود، قهراً یک عده مردم مضطر، به یک گناه بسیار بزرگ یعنی ربا دادن مجبور نمی شوند و قهراً آن دیگری هم به ربا خوردن.<sup>۴</sup>

#### ۴. افزایش سخاوت مندی

یکی از اهداف انسان های کامل به دست آوردن اخلاق پسندیده است. در قرآن مجید در مورد سخاوت و بخشش بسیار تأکید شده است. خداوند می فرماید:

---

۱. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء / ترجمه احمد آرام - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ج. ۴، ص ۳۹۸

۲. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ»

۳. سید عباس موسویان، ابزار های مالی اسلامی (صکوک)، چاپ چهارم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶

۴. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۱۰، چاپ دوم، تهران، صدرا، ۱۳۸۴، ص ۸۱

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup> مثل کسانی که دارائی خود را در راه خدا صرف می کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد و خداوند برای هر که بخواهد آن را چندین برابر می گرداند و خدا (قدرت و نعمتش) فراخ (و از همه چیز) آگاه است».

هرچند پیامبر اکرم ﷺ برای کامل کردن مکارم اخلاق آمده است؛ ولی کسب اخلاق نیک مختص اسلام نیست و به همه ادیان مربوط می شود، بخل از رذائل اخلاقی است و سخاوت و بخشش از اخلاق پسندیده است و در مقابل بخل قرار دارد. قرض رفتاری است که همراه با این صفت پسندیده پدید می آید.

در کتاب اخلاقی جامع السعادات آمده است: «قرض از ثمرات سخاوت است؛ زیرا سخاوتمند راضی می شود که به برادر نیازمند خود مقداری از مالش را، تا زمانی که او توانایی بازپرداخت دارد، قرض بدهد؛ چنان که راضی می شود مالش را ببخشد، در حالی که این رفتار برای بخیل مشکل به نظر می رسد».<sup>۲</sup>

خداوندی که تمام هستی را آفریده، از انسانی که هستی و اموالش را خودش به او داده می خواهد که به دیگران کمک کند و فرموده وام دادن به دیگران، وام دادن به خداوند است و وعده‌ها و پاداش‌های چندین برابر می دهد، این به خاطر رشد انسان و دل کندن او از دنیا و رسیدگی به فقرا و خدمت به مردم و گره گشایی از آنان و شکستن بت دلبستگی به مادیت و پرواز به سوی خدا و شکوفایی روح سخاوت و عاطفه است.<sup>۳</sup>

۱. بقره (۲)، آیه ۲۶۱

۲. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، بیروت: دارالاندلس، ۱۴۳۱ ق، ص ۳۵۲

۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، چاپ پنجم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹

امام علی علیه السلام در حکمت ۱۳۸ نهج البلاغه در مورد سخاوتمند بودن فرمودند:<sup>۱</sup>  
﴿مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ﴾؛ «کسی که یقین به پاداش دارد در بخشش، سخاوتمند است.»

حضرت علی علیه السلام در این گفتار حکیمانه به یکی از مهم ترین انگیزه های انفاق و بخشش در راه خدا اشاره کرده می فرماید: «کسی که یقین به پاداش و عوض داشته باشد در بخشش سخاوت به خرج می دهد» از جمله غرائز مسلم انسان جلب منفعت و دفع ضرر است، انسان همیشه می خواهد کاری انجام دهد که سودی برای او داشته باشد یا ضرری را از او دور سازد و در همین راستا حاضر می شود مواهبی را که در اختیار دارد برای رسیدن به امور مهمتری هزینه کند و تمام تجارت های مادی با همین انگیزه صورت می گیرد.

در تجارت معنوی که قرآن نیز از همین لفظ برای آن استفاده کرده مانند آیه شریفه ﴿... هَلْ أَذِلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>۲</sup> نیز بر همین اساس کار می کند، بنابراین کسانی که به وعده های الهی ایمان و یقین داشته باشند و بدانند در برابر هر انفاق در راه خدا، بهتر و بیشتر از آن را در این دنیا یا در آخرت و یا در هر دو دریافت می کنند هرگز در انفاق کردن تردیدی به خود راه نمی دهند، سخاوتمندانه می بخشند و از اموال و ثروت های خود در این راه با روی گشاده استقبال می کنند.

برای اعتلای ابعاد روحی، قرض دهنده باید سخاوتمند باشد، زیرا سخاوت در فرهنگ الهی از دست دادن نیست بلکه به دست آوردن و ذخیره نمودن، آن هم با عالی ترین شرایط و در بهترین موقعیت است. همچنین قرض الحسنه باعث رشد فضیلت ها و ملکات اخلاقی، چون سخاوت و بخشش در انسان می شود. انسانی که در نیازهای دیگران همواره با حضور خود باعث شادی و امید و دلگرمی و نشاط آنان می شود، خود نیز به دنبال این حضور و همدلی در مسیر رشد و شکوفایی فضایل قرار می گیرد. توجه به نیاز هموعان و کمک به حفظ شأن و شخصیت آنان به انسان لذتی می دهد که در سایه این لذت، او می تواند با اطمینان قلبی بیشتری در مسیر تکامل قرار گرفته و آن

۱. ترجمه نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، ۱۳۸۰، ص ۶۵۸، حکمت ۱۳۸

۲. سوره صف (۶۱)، آیه ۱۰

را طی کند. در سخنان امام حسین علیه السلام آمده است: ﴿السَّخَاءُ غِنَى﴾ بخشش و سخاوت موجب غنا و بی نیازی می شود.<sup>۱</sup>

در واقع یکی از ثمرات بخشش و سخاوت اینست که فرد یا بی نیاز از بسیاری مادیات می شود یا به جهت این صفت نیکو، خداوند خلق و خویی به او می بخشد که به خاطر آن موجب جلب ثروت و دارایی و بی نیازی می گردد. و کسی می تواند قرض حسن بدهد که صاحب صفت سخا و بخشش باشد. هیچ وقت کسی که تنگدست و بخیل بوده و تحمل جدایی از ذره ای مال و ثروت خود را نداشته باشد نمی تواند اهل قرض حسن باشد.<sup>۲</sup>

## ۵. ایجاد روحیه تعاون و همیاری

تعاون و همکاری به معنای یکدیگر را یاری کردن است. تعاون یکی از اصول اخلاقی مهم است که در قرآن با صیغه امر به آن اشاره شده و همین امر نشانگر اهمیت و ارزشمندی آن است. خداوند در سوره مائده می فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾<sup>۳</sup> در این آیه هم جنبه مثبت قضیه و هم جنبه منفی آن بیان شده و اشاره به این مطلب دارد که تعاون و همکاری باید با هم در دعوت به نیکی ها و هم در مبارزه با بدی ها انجام گیرد. هدیه دادن، عیادت از بیمار، رفع غم از چهره مؤمن، شادکردن دل مؤمن از مصادیق تعاون محسوب می شود از آنجایی که انسان موجودی است اجتماعی و هر اجتماعی نیازمند تعاون و همیاری مردم می باشد، تعاون امری لازم و ضروری است و گرنه افراد به منافع خود دست پیدا نمی کنند، هرچه سطح این تعاون و نوع دوستی در جامعه ای افزایش پیدا کند زندگی اجتماعی منجم تر و محکم

---

۱. محمد دشتی، نهج الحیاء، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، چاپ اول، ج ۱، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۷ ص ۹۲

۲. جواد بیگ محمدی، همان، ص ۳۷

۳. سوره مائده (۵)، آیه ۲، یکدیگر را در نیکوکاری و تقوای پیشگی یاری دهید و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید

تر می‌شود. و قرض نیز نوعی تعاون و همیاری در اجتماع است که از حس نوع دوستی افراد آن جامعه نشأت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

## **ب: نقش قرض الحسنه در فقر زدایی نسبت به قرض گیرنده**

### **۱- رفع نیازهای ضروری**

نیازمند بودن وام گیرنده، در قرض الحسنه اصلی مهم است. در اسلام قرض گرفتن اگر برای نیاز ضروری نباشد از آن نهی شده و ناپسند است.

امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: قرض گرفتن، اگر با نیاز همراه نباشد مکروه است و هرچه بر نیاز فرد افزوده شود، از کراهت آن کاسته می‌شود. و هر اندازه نیاز کمتر شود کراهت آن شدت می‌یابد.<sup>۲</sup> این نیاز ضروری نباید ریشه در تنبلی و کم کاری فرد داشته باشد انسان زمانی که نیاز پیدا می‌کند باید هر اندازه که مقدور است تلاش کند و اگر تلاش او به هر دلیلی نتوانست به رفع نیازهای ضروری او کمک کند، می‌تواند قرض بگیرد. تلاش و کوشش او باعث می‌شود که راه های طبیعی رفع نیاز را از یاد نبرد و به فکر زندگی کردن از طریق قرض کردن نیفتد زیرا اسلام قرض را تعاون و یاری می‌داند نه شغل یا معامله.

سه تا عاملی که سبب ضرورت نیاز می‌شود عبارتند از:

الف) عامل تکوینی که سبب نیاز به غذا و پوشاک و دارو و.... می‌شود.

ب) عامل تشریعی یعنی اموری که شارع آن را واجب کرده است، مثل حج کردن که نیازهای ضروری را در انسان پدید می‌آورد.

ج) عامل اجتماعی و زندگی کردن در اجتماع که به نیازهایی می‌انجامد و با توجه به جایگاه هر انسان در جامعه تعدادی از این نیازها ضرورت می‌یابد، و قرض گرفتن در تمام این موارد ممکن و

---

۱. علی اصغر هادوی نیا، همان، ص ۴۸

۲. روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، مترجم علی اسلامی، انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۶۳۵

صحیح است. البته قرض الحسنه بیشتر در امور مصرفی زندگی است و در امور تولیدی کمتر استفاده می‌شود، همچنین به جهت اینکه رفع نیازهای ضروری فرد به مبالغ هنگفت و زیاد نیاز ندارد به همین سبب قرض الحسنه در مبالغ درشت از مطلوبیت کمتری برخوردار است. یکی از اصول قرض الحسنه اینست که وام گیرنده نیاز ضروری به گرفتن وام داشته باشد و اگر وام دهنده را عرضه کننده وام و قرض گیرنده را متقاضی وام معرفی کنیم، توجه به این اصل جامعه را از حالت مازاد تقاضا دور و به تعادل نزدیک می‌سازد. این اصل در مورد تعیین کارآمدی فعالیت‌هایی که با عنوان قرض الحسنه انجام می‌گیرد، نقشی مهم دارد؛ زیرا هرچه قرض به ضروری ترین نیازهای جامعه و نیازمندترین افراد جامعه تعلق گرفته باشد، آن فعالیت به اهداف قرض الحسنه نزدیک تر است و بهتر عمل کرده است.<sup>۱</sup>

## ۲- ایجاد روحیه کار و تلاش

در احادیث آمده که بخشش را اگر ده پاداش نیک باشد برای وام نیک (قرض الحسنه) هیچ‌ده پاداش در نظر گرفته شده است. ﴿قَالَ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبٌ: الْقَرْضُ بِشَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَالصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ﴾<sup>۲</sup> با آن که در بخشش، مال از کف می‌رود و باز نمی‌گردد ولی در قرض، اصل مال باز می‌گردد و اگر وام گیرنده اهل کرم باشد کریمانه مبلغی به اختیار بر آن اصل می‌نهد تا از زیر دین وام دهنده خود را بیرون آورد سبب این پاداش مضاعف وام را می‌توان در پاسخ به نیازی دانست که وام گیرنده را وادار ساخته تا وام بگیرد و با تلاش و کوشش، هم نیاز خود را برطرف ساخته و هم اصل وام را با سودی اختیاری، بازگرداند، این جاست که هدف از قرض الحسنه به درستی شناخته می‌شود زیرا در وام، گردش درست سرمایه و چرخ‌های تولید و اشتغال به حرکت

<sup>۱</sup>. علی اصغر هادوی نیا، همان، ص ۵۰-۵۲

<sup>۲</sup>. محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۱۰۱۷، ح ۵۲۲۲

در می‌آید در حالی که در بخشش هایی چون انفاق و هبه و مانند آن چنین گردش اقتصادی سالم دیده نمی‌شود.<sup>۱</sup>

انسان برای کار کردن و رفع نیازهای خود به دو چیز اساسی نیازمند است یکی «فکر» و دیگری «دست»، فکر کردن و راه چاره اندیشه کردن و دست سالم برای کار کردن و به دنبال روزی حلال رفتن، و نیاز زندگی خود و خانواده را مرتفع کردن. به طور کلی کسانی که اهل کار و تلاشند از دو فایده بزرگ بهره می‌برند اول اینکه برای بقای حیات و هماهنگی با نظام آفرینش، «کار کردن» را برای خود یک ضرورت به حساب می‌آورند و باور دارند که اگر بیکار باشند و عنصر فعالی نباشند زندگی، جای خود را با مُردگی عوض خواهد کرد. دوم اینکه لذت زندگی خود را در «کار کردن» می‌دانند و این حقیقت در کلام حکیمانه امام صادق علیه السلام اینگونه تبیین شده است که اگر مردم هرچه می‌خواستند حاضر و آماده در اختیار داشتند زندگی برای آنان گوارا نمی‌شد و لذتی از آن نمی‌بردند. این حکمت شاخص و امتیاز بزرگ «کار کردن» که موجب نشاط در زندگی می‌شود نکته بسیار مهمی است که معمولاً افراد تنبل و بیکاره از درک آن عاجزند و به بهانه های مختلف تن به کار نمی‌دهند و راحت طلبی را پیشه خود کرده اند و مدام از فقر و نداری و گرانی دم می‌زنند این افراد می‌توانند با گرفتن قرض الحسنه از خیرین در جهت رفع بیکاری خود همت خود را بالا ببرند و با کمی کار و همت در می‌یابند که با تقویت روحیه کار و تلاش و کسب درآمد و افزایش سرمایه، عشق و علاقه به کار در آنها افزایش می‌یابد و فقر از زندگی و جامعه به حداقل می‌رسد.

البته نمی‌توان انکار کرد که در اجتماعی افراد از پا افتاده و ناتوان و اشخاص سالخورده و خانه نشین وجود دارند که نه قدرت انجام کاری را دارند و نه درآمدی که زندگی آنها را تأمین کند. ثروتمندان جامعه در مورد این قشر از جامعه وظیفه دارند که کمبودهای زندگی آنان را از نظر خوراک و پوشاک و مسکن و درمان و غیره تأمین کنند. و نیازی به وام دادن به این گروه نیست چرا که توان پرداخت آن را ندارند.

---

۱. خسرو تقدسی نیا، هفت سنبله، ص ۲۱۲

در اسلام اصلی ترین منشأ و منبع درآمد و مالکیت، کار است لذا با تأکید بر تضمین روزی بندگان از سوی خدای متعال، سعی و تلاش را توصیه کرده و در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ ؛ «انسان جز محصول کوشش خویش مالک چیزی

نیست.»<sup>۱</sup>

«روایاتی نیز کم همتی را مانع پیشرفت و تنبلی را مایه حقارت و سربار دیگران بودن را ناشایست می‌شمارند، همچنانکه از تلاش توانفرسا و کار مداوم شبانه روزی که باعث نادیده گرفتن حق اعضای بدن شود نهی کرده و آن را حرام می‌دانند.»<sup>۲</sup>

اسلام با گداپروری شدیداً مبارزه کرده و بر حفظ شخصیت افراد بسیار تأکید می‌کند و مؤمنان را از هر کاری که حیثیت انسان را خدشه دار می‌سازد باز می‌دارد و به اشخاصی که توانایی کار کردن دارند اجازه گدایی و درخواست کردن از مردم را نمی‌دهد و اگر چنین اشخاصی دست به گدایی بزنند مرتکب خلاف شده اند و پولی که دریافت می‌کنند حرام است. لذا این افراد فقط در صورت نیاز و آن هم نیاز ضروری می‌توانند قرض بگیرند و در روایات به کسانی که نیازمند نیستند و طلب قرض می‌کنند وعده آتش جهنم داده است. البته به مسلمانان و دولت اسلامی سفارش شده که مراقب وضعیت مردم باشند و اجازه ندهند گروهی در فقر و تنگدستی به سر برند و ناگزیر به تکدی روی آورند و به طور معمول افرادی که خود را به این کار می‌آلایند از تلاش دست بر می‌دارند و به درمان اساسی مشکل خود فکر نمی‌کنند و دشواری کار را تحمل نمی‌کنند در نتیجه روز بروز بر فقر و ناتوانیشان افزوده می‌شود.

از آنجایی که قرآن کریم به همه مسلمانان امر به قرض دادن کرده، همانطوری که به امر او نماز می‌خوانید، روزه می‌گیرید و به حج می‌روید باید به پرداخت قرض الحسنه نیز قیام کنید، وقتی دل کسی را با حل کردن مشکل مالی او و قرض دادن شاد می‌کنید این امر موجب رشد و تعالی خود قرض دهنده می‌شود و اگر پولی را به جوان نیازمندی قرض دهید تا بتواند کار و کسبی برای خود پیدا کند و با قرض گرفتن بتواند ابزار لازم برای کار و تولید کالا و یا خدمتی دیگر تهیه کند و با

۱. سوره نجم (۵۳) آیه ۳۹

۲. عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاء، چاپ اول، اسراء، ۱۳۹۱، ص ۸۷



تلاش و کار برای خود زندگی شرافتمندانه ای بسازد و به تدریج بدهکاری خود را پرداخت کند و در رشد تولید جامعه سهیم شود این امر موجب شادی و افزایش روحیه تلاش او می‌شود و همچنین موجب تعالی قرض دهنده می‌گردد.

« کاری که منشأ درآمد و موجب حق استفاده از ثروت می‌گردد به دو صورت بروز می‌کند یکی کار پیوسته و مستقیم که عامل ، با استفاده از قوت و مهارت خود کسب درآمد می‌کند و دیگری کار منسجم و انباشته که کار گذشته به صورت سرمایه یا دارایی درآمدی که با به کاراندازی این دارایی درآمد به دست می‌آید. ربا خواری باعث بی ارزشی کار که پایه و اساس ادامه حیات اجتماعی است می‌شود.

علامه طباطبائی رحمته الله علیه در این زمینه می‌فرماید: یکی از مفسد شوم ربا این است که راه انباشت و اندوختن ثروت را آسان می‌نماید امروز میلیون ها ریال پول در بانک ها ذخیره شده و از جریان تولید خارج گردیده است و ربا باعث می‌شود که عده ای به خاطر ثروت زیاد و بی نیازی بیش از حد کار نکنند و عده ای به خاطر محرومیت توان کار نداشته باشند ، کاری که حیات بشر بر آن استوار است.»<sup>۱</sup>

### ۳- ایجاد روحیه تعاون و همیاری

همان طور که در بخش قبل گفته شد، انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و زندگی اجتماعی مستلزم کمک و تعاون بوده و همیاری هموعان را می‌طلبد و اگر تعاون و همیاری در اجتماع وجود نداشته باشد مردم به منافع خود نمی‌رسند لذا هر اندازه تعاون و همیاری در جامعه بیشتر شود و مردم به یاری کردن هموع خود اشتیاق بیشتری نشان دهند زندگی در آن جامعه بهتر و راحت تر خواهد بود و قرض دادن به هموع و و یاری رساندن به او در رفع مشکلات ضروری و احساس نوع دوستی از ثمرات این کار خیر محسوب می‌شود و این حس خوب و خوشحالی، قرض دهنده را بیشتر به قرض دادن و شرکت در امر خیر ترغیب و تشویق می‌کند.

---

۱. عزت نیک یار، نظام توزیع ثروت در قرآن، چاپ اول، نشر هاجر، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴- ۱۰۵

## ۴- ایجاد روحیه تملک و مالکیت

از آنجایی که قرض نوعی تملیک است؛ یعنی وام دهنده مالکیت مال خود را انتقال می‌دهد، در صورت تلف شدن مال، قرض گیرنده ضامن است بر خلاف بسیاری از عقود مشارکت (مضاربه، مساقا، مزارعه و.....) که انتقال ملکیت تحقق نمی‌یابد و بدین سبب طرف قرار داد اگر کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست.<sup>۱</sup>

از نظر اسلام کار سبب می‌شود کارگر مالک حاصل کار خویش شود و مالکیت خصوصی که بر این اساس پی ریزی شده، نشان دهنده تمایل طبیعی انسان به تملک و مالکیت حاصل کار خویش است. به همین علت تملک بر اساس حاصل کار، حق طبیعی انسان بوده و از احساسات و عواطف غریزی وی سر چشمه می‌گیرد. شاید به همین علت پایه مالکیت کارگر از نظر اسلام کار می‌باشد و هر کارگری به وسیله کار از ثروت های طبیعی که حاصل می‌شود بهره مند می‌گردد و بر طبق قاعده «کار، علت مالکیت است» حاصل کار خویش را به تملک در می‌آورد. حال با روشن شدن نقش کار در این رابطه و در بحث توزیع درآمد شخصی، اقتصاد اسلامی به نقش احتیاج نیز توجه کافی مبذول داشته و بنابراین شکل عمومی توزیع درآمد در اسلام از نقش مشترک دو عامل کار و احتیاج پدید می‌آید.

## ۵- بالابردن توان قدرت خرید

فرد و خانواری که امید دارد در آینده درآمد بیشتری داشته باشد، اقدام به استقراض کرده، به وسیله آن کالاهای مصرفی مورد نیاز خود را فراهم می‌کند و پس از تحقق درآمد به تدریج قرض خود را پرداخت می‌کند. اگر این قرض نباشد فرد نمی‌تواند کالایی برای خود خریداری کند و قرض دهنده گان از اموال خود برای برخی خانوارها وسایلی را تجهیز و خریداری می‌کنند و یا مبلغی را به عنوان قرض الحسنه به نیازمندان می‌دهند و با این کار توانایی خرید کالا و خدمات را

---

۱. علی اصغر هادوی نیا، همان، ص ۲۸

در آنها بالا می‌برند و این فرایند در تمام زمان‌ها ادامه دارد. در نتیجه اولاً تابع مصرف تا حدودی افزایش می‌یابد و ثانیاً از ثبات نسبی در زندگی برخوردار می‌شوند.

زمانی که فردی مازاد خود را برای مدتی به کسی قرض الحسنه می‌دهد، در واقع از هزینه فرصت پول خود صرف نظر کرده، آن را در راه خدا انفاق می‌کند و به همین جهت از ثواب و اجر اخروی برخوردار می‌شود. گیرنده قرض - که در واقع فردی نیازمند است و اگر نمی‌توانست قرض الحسنه بگیرد، ناچار بود کالا یا خدمات مورد نیاز خود را به قیمتی بالاتر خریداری کند - از ما به التفاوت قیمت نقد و نسیه منتفع می‌شود در نتیجه یک جریان درآمدی از طرف خیر به سود افراد نیازمند شکل می‌گیرد.

## جمع بندی

در نگاه اول شاید این گونه تصور شود که در قرض دادن، فقط قرض گیرنده منفعت می برد ولی اگر کمی تأمل در آیات و روایات کنیم متوجه می شویم که قرض دهنده که بخشی از اموال خود را برای مدتی از خود جدا می کند و حتی اجتماعی که این دو در آن زندگی می کنند از این قرض بهره می برند.

قرض دهنده با قرض دادن می تواند سهمی از درآمد خود را پس انداز کند زیرا تا زمان بازپرداخت دخل و تصرفی در آن ندارد، در آیات قرض الحسنه به پاداش بسیار فراوان برای قرض دهنده اشاره شده است همین طور قرض دادن موجب برکت در مال و سرمایه او می شود و از ربا دادن او جلوگیری می کند، موجب افزایش سخاوت قرض دهنده شده و روحیه تعاون و همیاری در اجتماع را بالا می برد. همین طور قرض گیرنده با قرض، نیازهای ضروری خود را برطرف کرده روحیه تملک و مالکیت در او ایجاد می شود و قدرت خرید او افزایش پیدا می کند.

## فصل دوم

نقش قرض الحسنه در فقرزدایی اجتماعی

بشر نیازهای مادی بسیاری دارد که تأمین تمامی آنها ممکن نیست مگر با همراهی و همکاری دیگران، بر این اساس همه آحاد بشر به یکدیگر نیاز دارند و در این مورد قرآن کریم دستورالعمل‌ها و راهبردهایی را برای زندگی متعالی بشر تبیین کرده است که در این فصل به نقش قرض الحسنه در فقر زدایی از اجتماع می‌پردازیم.

### **الف: قرض الحسنه عنصر مولد و توزیع مجدد ثروت در جامعه**

قرض می‌تواند آثار مثبتی بر توزیع درآمد داشته باشد. این ویژگیها را می‌توان در این امور تعریف کرد.

« اولاً برخلاف مالیات‌ها، قرض موجب انتقال اختیارات درآمد افراد به دولت نمی‌شود یعنی دولت اختیار تصرف در اموال مردم را جهت اعطای قرض الحسنه ندارد پس اختصاص بهینه قرض در جهت عدالت اجتماعی به وجود برنامه‌های درست در چارچوب بودجه‌های عمومی وابسته نیست. در قرض، وام دهنده قرض را به طور مستقیم و بدون واسطه دولت به نیازمند می‌دهد لذا درستی و نادرستی برنامه‌های دولت در توزیع درآمد دخالت مستقیم ندارد؛

ثانیاً قرض با توزیع درآمد در اسلام هم آهنگی کامل دارد. زیرا در قرض دادن هیچ اجباری وجود ندارد و دهنده قرض با اختیار و انتخاب خود در این امر خیر قدم برمی‌دارد و در قرض احترام به مالکیت به طور کامل مشاهده می‌شود و ثروتمندانی که قرض می‌دهند می‌دانند مالکیت آنها پس از مالکیت مطلق خداوند متعال است و بر اساس تعالیم اسلام ثروتمندان در برابر نیازمندان جامعه مسئولند و این موضوع باعث افزایش انگیزه در آنان می‌شود و با عشق و علاقه و با اختیار وام می‌دهند و این اختیار و احترام به مالکیت موجب می‌شود که نهاد قرض با انگیزه افزایش تولید و رشد اقتصادی منافاتی نداشته باشد بلکه به عنوان عنصری مولد در جامعه مطرح می‌شود؛

ثالثاً در قرض، مبلغ وام به خرید کالاهای ضروری اختصاص پیدا می‌کند و قرض گیرنده منافع موجود از قرض را به تهیه و تولید کالاهای لازم در زندگی مصرف می‌کند و از خرید کالاهای

لوکس و گران قیمت خودداری می‌کند و این امر موجب می‌شود وام گیرنده، مبلغ دریافتی را به امور مطلوب اختصاص می‌دهد و این موجب می‌شود ثروت بیهوده هدر نرود و منابع تولید در جهت مطلوب هزینه گردد؛

رابعاً در قرض، شاخص‌های یک سیستم توزیع مطلوب، به چشم می‌خورد زیرا با قرض دادن انگیزه‌های تولید از افراد گرفته نمی‌شود، همچنین قرض دادن موجب می‌شود ثروت منحصر به ثروتمند نباشد و به طور موقت از ملکیت او خارج می‌شود و به طبقه نیازمندان سپرده می‌شود در قرض الحسنه خصوصی حتی انتقال مالکیت به دولت نیز داده نمی‌شود ولی در مالیات، اموال منحصر در دولت می‌شود و از آنجایی که «نیاز» از ارکان قرض است، می‌توان قرض را وسیله مناسبی در جهت تشکیل یک زندگی مناسب دانست.<sup>۱</sup>

### **ب: توزیع عادلانه ثروت و درآمد عمومی**

از ویژگی‌های اقتصاد اسلام توزیع همه جانبه و عادلانه سرمایه‌هاست. دولت اسلامی وظیفه دارد سیاست‌های اقتصادی خود را به گونه‌ای تنظیم نماید که در دست همه به گردش در آید و هر فردی از هر قشری از جامعه به اندازه استعداد و لیاقتش بتواند در به کارگیری سرمایه‌ها و ثروت‌ها تلاش نماید نه اینکه عده‌ای خاص و قشری متمایز، زمام امور را در انحصار خود در آورند.<sup>۲</sup>

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

---

۱. جواد بیگ محمدی، قرض و قرض الحسنه « جایگاه آن در قرآن، حدیث و فرهنگ جاری جامعه»، ص ۵۳-۵۴

۲. عبدالله جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱، ص ۲۴۶

﴿ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴾<sup>۱</sup>

«آنچه را که خدا از اموال کافران دیار به رسول خود غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و (ائمه) خویشاوندان رسول و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان (ایشان) است. این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیفزاید (بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد) و شما آنچه رسول حق دستور دهد (و منع یا عطا کند) بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است».

امر پروردگار در باره تعدیل ثروت اصل و واقعیتی جاری در عالم هستی است و محدود به گروه و ملت خاصی نیست بنابراین هرکس با هر مذهب و ملیتی اگر به آن عمل نماید از مزایای آن بهره مند می شود و هرچند مسلمان نباشد و هرکس آن را کنار گذارد از پیامدهای دنیوی و اخروی آن در امان نماند هر چند خود را دیندار و مسلمان بداند.<sup>۲</sup>

« ثروت طلبی و کنز مال شخص را به گردآوری هرچه بیشتر مال دعوت می نماید بر همین اساس اسلام تأکید دارد که افراد به قدر کفاف اکتفا کنند و بیشتر از حد کفاف را انفاق نمایند این بهترین شیوه برای ترک تکاثر مالی است. اگر ثروتهای کلان بدون در نظر گرفتن لیاقت و شایستگی افراد در دست عدهای خاص قرار گیرد، غالباً این ثروتهای خدادادی و سرمایه های ملی در جهت رفع نیازهای واقعی افراد و جامعه مصرف نمی گردد و به جای اینکه با بهره برداری صحیح از آنها جامعه به سوی اهداف بلند اقتصادی گام بردارد به سمت مصرف گرایی و تجمل پرستی سوق داده می شود. اسلام این پدیده را اسراف نامیده و از آن نهی کرده است.»<sup>۳</sup>

۱. سوره حشر (۵۹) آیه ۷

۲. عبدالله جوادی آملی، همان، ص ۲۴۶

۳. عزت نیک یار، نظام توزیع ثروت در قرآن، چاپ اول، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۶، ص ۴۳



توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است و مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می‌داند؛ از این رو در این مکتب عنایت ویژه‌ای به رفع این معضل اجتماعی - اقتصادی شده است. قرض الحسنه از جمله نهادهایی است که نظام اقتصادی اسلام توجه ویژه‌ای به آن مبذول داشته و مسلمانان به صورت اختیاری و بدون توقع هیچ سودی اقدام به انجام آن می‌کنند و می‌تواند نقش مؤثری در دستیابی به توزیع عادلانه داشته باشد.

در اسلام مردم تشویق به دادن قرض الحسنه شده‌اند و بدین وسیله بین دنیا و آخرت آن‌ها پیوند ایجاد شده است. اجر اخروی این کار به عنوان یک انگیزه قوی در پرداخت قرض الحسنه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. قرض الحسنه به عنوان یک امر مستحب مطرح است و چنانچه بیشتر رعایت شود از دامنه فقر کاسته شده و به توازن اقتصادی نزدیک‌تر می‌شویم.

یکی از مشکلات جوامع بشری به ویژه در عصر حاضر، مسأله شکاف عمیق طبقاتی، میان طبقه ثروتمند و فقیر است. این معضل، هم در سطح جهانی در میان کشورهای مختلف و هم در درون جوامع، روز به روز در حال گسترش است. در جامعه ما نیز در حالی که تعدادی انگشت شمار، ثروتهای انبوه را تصاحب نموده‌اند، بار سنگین فقر و فشارهای اقتصادی بر دوش بسیاری از اقشار سنگینی می‌کند و درد و محرومیت، غبار اندوه بر چهره جان‌آنان افشانده است.

دین اسلام به عنوان برنامه سعادت بشری، رفع فقر و نفی هر گونه افزون طلبی را رسالت خود می‌داند. وضع قوانین مناسب برای ریشه کن سازی فقر (در قالب انواع انفاقها) از یک سو و مبارزه قاطع با تکاثر و زیاده طلبی از سوی دیگر، جامعه را به سمت ایجاد توازن و توزیع عادلانه ثروت و بهره مندی تمامی مردم از یک زندگی متوسط، سوق می‌دهد، با وجود این، اسلام مالکیت افراد را محترم شمرده و وجود تفاضل در میزان داراییها را تایید نموده است.<sup>۱</sup>

---

۱. جواد ایروانی، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی، ج ۲، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷

می‌توان توزیع درآمد را یکی از ابزارهای مهم برای از بین بردن فقر در نظام اقتصادی اسلام دانست. این توزیع در سه مرحله، پیش از تولید، هنگام تولید و بعد از تولید صورت می‌گیرد. و مراد از توزیع قبل از تولید شیوه بهره‌برداری مسلمانان از ثروت‌های طبیعی مثل زمین، آب و مباحات عمومی چون ماهی‌ها و پرندگان است و در این مرحله با حدودی که اسلام مشخص کرده از انباشته شدن ثروت و منابع در دست گروهی خاص و محرومیت گروه دیگر جلوگیری می‌شود و اولین و مهم‌ترین عامل بوجود آمدن شکاف بین طبقات مختلف جامعه را از بین می‌برد. و موقعی که منابع اولیه در جریان تولید قرار می‌گیرد، سودی که از این طریق حاصل می‌شود بین افرادی که در جریان تولید دخیل بودند تقسیم می‌شود و هر سرمایه‌ای در جریان تولید شرکت نکند بهره‌ای نخواهد برد زیرا بهره ربا و حرام است و نیروی کار از طریق مزد یا مشارکت می‌تواند در فرآیند تولید از طریق عقود مساوات، مزارعه، مساقات و... به سهم خود دست یابد. و در مرحله بعد از تولید یا توزیع مجدد، ملاک توزیع، نیاز افراد است بی‌تردید وجود برخی از عوامل طبیعی در فرآیند تولید که سبب تفاوت در درآمد افراد می‌شود یا ناتوانی و ضعف گروهی از فعالیت اقتصادی به اختلاف درآمد و شکاف طبقاتی منجر می‌شود اسلام به منظور از بین بردن این شکاف طبقاتی و جلوگیری از فقر در سطح جامعه، مردم را به پرداخت خمس، زکات، صدقات مستحبی، کفارات مالی، ندورات، وصایا و قرض الحسنه امر کرده است. لذا جهت اجرای سیاستهای فقر زدایی در جامعه منابع مالی بالقوه و بالفعل فراوانی وجود دارد که می‌توان با برنامه ریزی صحیح از آنها بهره گرفت.<sup>۱</sup>

درباره توزیع عادلانه در کتاب گنجینه معارف آمده است: «حضرت یوسف علیه السلام پس از رنج‌ها و زندان‌ها و... سرانجام بر اثر تعبیر کردن خواب شاه مصر، به مقامی رسید که شاه، طبق درخواست آن حضرت، او را به عنوان رئیس خزانه مصر منصوب کرد. حضرت وقتی این مسئولیت را

---

۱. سعید فراهانی فرد، نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، چاپ اول، بی‌جا، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸، ص ۶۴-۶۵

پذیرفت، از ولایت خود استفاده کرد و با توجه به شرایط و موقعیت زمانی و مکانی مصر، در هفت سال وفور نعمت، آنچه که امکان داشت مواد غذایی را در انبارها ذخیره کرد و در هفت سال قحطی، با کمال دقت و نظارت بر مصرف آن، مواد غذایی را عادلانه به مصرف مردم رسانید آن حضرت برای حفظ اقتصاد مملکت و جلوگیری از اختلاف طبقاتی و استثمار اقتصادی آن چنان دخالت و نظارت کرد که امام هشتم حضرت رضا علیه السلام فرمود: در سال اول مواد غذایی را به درهم و دینار (پول های در دست مردم) فروخت، به طوری که همه پول ها در اختیار حکومتش قرار گرفت. در سال دوم با آن پول ها همه طلاجات و زیور آلات مردم را خریداری کرد. در سال سوم با آن جواهرات، حیوانات و چارپایان مردم را خرید. در سال چهارم با فروش آن حیوانات، همه کنیزان و غلامان را خرید. در سال پنجم با فروش کنیزان و غلامان، همه خانه ها و زمین ها را خرید. در سال ششم با فروش خانه ها و زمین ها، باغ ها و مزارع و آب ها را خرید و در سال هفتم همه انسان های برده و آزاد را به شیوه خاص و عادلانه خرید. سپس همه اموال را بین ملت مصر، به صورت عادلانه تقسیم کرد و به این ترتیب، وضع اقتصادی مردم را سامان بخشید و از قدرت ولایت خود، مردم را از نابسامانی های اقتصادی نجات داد.<sup>۱</sup>

در قرض الحسنه، ثروتمندان بخشی از درآمد قابل تصرف خود را جدا می کنند و در یک دوره زمانی معین به فقیران اختصاص می دهند. اگر این فعالیت استمرار یابد می توان جریان مداوم ثروت از توان گران به نیازمندان را پیش بینی کرد. پس در هر مقطع زمانی، بخشی از درآمد ثروتمندان در اختیار نیازمندان قرار می گیرد؛ هر چند در مقطع بعد باید بازپرداخت شود. با چنین نگرشی می توان گفت: در قرض الحسنه، نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه های کم درآمد و خرج کردن آن در اقتصاد ملی وجود دارد.

---

۱. محمد رحمتی شهرضا، گنجینه معارف، ص ۴۹۸

### ج: کمک به کاهش هزینه های دولت اسلامی

در نظام اقتصاد اسلام، که بر اساس تعاون و همیاری استوار شده است تأمین اجتماعی از ذات این نظام نشأت می گیرد و از اهداف نظام اقتصاد اسلامی است. مراد از تأمین اجتماعی در اسلام رفع نیازهای ضروری افراد و ایجاد امکانات مناسب جهت فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی آنهاست. اسلام دو روش را برای تحقق این امر بیان می کند، اول اینکه همه افراد جامعه در تأمین نیازهای حیاتی یکدیگر مسئولیت دارند و این مسئولیت مانند دیگر فرائض بوده و عمل به آن واجب است، لذا اگر نیازهای حیاتی افراد مورد ظلم و تهدید قرار گیرد بر همه مسلمانان واجب کفایی است جهت رفع مشکل قیام کنند و دولت نیز موظف است زمینه را برای انجام تکلیف فراهم و بر آن نظارت کند مثلاً اگر مردم جامعه را زلزله یا سیل یا سونامی و یا آتش سوزی و... تهدید کند مردم وظیفه دارند به کمک آنها بشتابند و دولت نیز به آنها یاری برسانند و خود نیز به طور مستقیم وارد عمل شود. دوم اینکه دولت وظیفه دارد سطح معیشتی بهتری را برای مردم فراهم کند به ویژه یتیمان، از کار افتادگان و در راه ماندگان و .. را تحت پوشش حمایتی خود قرار دهد.<sup>۱</sup>

قرض الحسنه می تواند در این امر به کمک دولت قیام کند و هزینه هایی را تقبل کند و امنیت اجتماعی را در جامعه پدید آورد و افراد اجتماع نیز اطمینان داشته باشند که هرگاه حادثه ای آنها را تهدید کند ثروتمندان جامعه به یاری آنها می شتابند و نیازهای آنها را برطرف می کند.

با توجه به منابع محدود دولت اسلامی برای برآوردن نیازهای مختلف جامعه و حصول موفقیت در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی که نیاز به سرمایه گذاری دارد با قرض های در گردش مردم و جبران بخشی از سرمایه های ملی مورد نیاز دولت، می توان از بعضی هزینه های دولت کم کرد و در این امر مؤثر بود.<sup>۲</sup>

---

۱. علی اصغر هادوی نیا، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، بی جا، ۱۳۷۸، ص ۸۳.

۲. جواد بیگ محمدی، قرض و قرض الحسنه: جایگاه آن در قرآن، حدیث و فرهنگ جاری جامعه، ص ۵۱.

#### د: فراهم شدن زمینه ایجاد واحدهای تولیدی

قرض دهنده می تواند بخشی از اموال خود را در قالب عقد قرض الحسنه به متقاضیان نیازمندی که می خواهند کارگاه تولیدی یا شرکت تعاونی راه اندازی کنند و فاقد امکانات کار هستند و جهت تأمین وسایل و ابزار وسایر امکانات لازم برای ایجاد کار نیاز به وام قرض الحسنه دارند قرض دهد و یا به امر افزایش تولید با تأکید بر تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی کمک کند که این کار می تواند از توقف کارگاه ها و واحدهای تولیدی موجود جلوگیری کند و یا اگر کارگاه واحد تولیدی را کد شده، مجدد راه اندازی شود. همین طور با قرض الحسنه دادن می توان در امر ایجاد و یا توسعه کارگاه و واحد تولیدی کوچک در شهرهای کوچک و یا روستاها مشارکت کرد.

لذا از مزایای قرض الحسنه، تاثیر مثبت آن بر تولید به ویژه تولید در سطوح خرد و تامین سرمایه اولیه و سرمایه در گردش برای کسب و کارهای کوچک است. همچنین قرض الحسنه از کارآفرینی حمایت می کند و در نتیجه اشتغال، افزایش می یابد.

یکی از فضایل قرض بر سایر ابزارهای فقر زدایی، افزایش انگیزه کار و تولید در قرض گیرنده و قرض دهنده است، زیرا اولاً قرض گیرنده ملزم به بازپرداخت است لذا به جهت اهمیت باز پرداختن وام در فرهنگ اسلامی، انگیزه کار و تلاش در گیرنده وام افزایش می یابد. ثانیاً با توجه به اینکه قرض دادن داوطلبانه و با تضمین پرداخت تحقق پیدا می کند انگیزه کار در قرض دهندگان نیز همچنان پایدار می ماند.<sup>۱</sup>

---

۱. علی اصغر هادوی نیا، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

## ه : کاهش زمینه های فقر و فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی

بر اساس آیه ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...﴾ اسلام برای حل مشکل فاصله طبقاتی و حفظ جامعه اسلامی، راه هایی ارائه می دهد که اگر با دقت به آن ها عمل شود معزل فاصله طبقاتی در بین مسلمانان و جوامع دیده نمی شود. یکی از این مسائل اسلامی که حائز اهمیت است مربوط به حقوق مردم می باشد و اسلام برای عملی کردن این امر حقوقی از راه های مختلف واجب و مستحب، به عنوان زکات و خمس و کفارات مال و اقسام فدیة و انفاقات واجب و صدقات مستحبی و نیز از طریق وقف و بخشش و قرض وارد شده و هدف اصلی اسلام از جعل چنین قوانینی این است که سطح زندگی و معیشت طبقه ضعیف جامعه که بدون کمک دیگری قادر به رفع نیازهای ضروری و حیاتی خود نیستند را افزایش دهد تا آنها هم بتوانند در سطح متوسط جامعه از امکانات موجود در جامعه بهره مند شوند و زندگی آسوده ای را داشته باشند.<sup>۱</sup>

یکی از آثار اجتماعی قرض الحسنه، کاهش زمینه های فقر و فاصله طبقاتی است، نهاد قرض می تواند جریان پول را از بین طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم در آمد سوق داده و در جهت تثبیت در بین آنها و عدم تمرکز ثروت، نقش فعالی داشته باشد.

صندوق تعاون قرض به افراد عضو این امکان را می دهد که پس اندازهای کوچک خود را به صورت کارآیی در جهت رفع نیازهای اساسی خود به کار گیرند. به همین سبب، با اتخاذ چنین شیوه ای طبقات کم درآمد امکان استفاده بیشتر از امکانات موجود را پیدا می کنند و فاصله بین فقیر و غنی کاسته می شود. بنابر این، نهاد مزبور از این جهت در رفع فقر نسبی مؤثر است.

در نهاد معاونت قرض با توجه به اینکه ثروتمندان اقدام به قرض دادن می کنند، لذا رفع فاصله طبقاتی از دو جهت صورت می گیرد.

---

<sup>۱</sup>. سید مرتضی حسینی اصفهانی، اسلام و راهکار فاصله طبقاتی، چاپ اول، انتشارات فرهنگ قرآن، قم، ۱۳۸۰،

- با این اقدام امکان تصرف اغنیا در اموالشان کم می شود و در نتیجه از روند تشدید فاصله طبقاتی کاسته می شود.

- با استفاده وجوه در ایجاد امکانات برای طبقات کم در آمد در واقع از مقدار فاصله طبقاتی موجود نیز کاسته می شود.

به همین خاطر است که می توان نتیجه گرفت: همچنانکه صندوق تعاون قرض در جهت تامین اجتماعی مؤثرتر واقع می شود، چنین انتظار می رود که صندوق معاونت قرض در زمینه فقر زدایی تاثیر بیشتری داشته باشد.<sup>۱</sup>

قرض الحسنه یکی از این ابزارهایی است که با تقویت و انتقال ثروت به طبقه نیازمندان، مالکیت به عنوان یکی از عوامل پیدایش انحصار، را خنثی می کند و در حقیقت نابرابری های درآمدی در جامعه از بین می رود.

از آنجاکه در نظام اقتصاد اسلامی، کسب درآمد از طریق ربا وجود ندارد، در نتیجه عوامل شرکت کننده در یک کسب و کار به صورت عادلانه تری از درآمد حاصل از آن منتفع می شوند. به همین ترتیب فقر در جامعه کاهش پیدا می کند و شیوه توزیع درآمد در نظام کلان اقتصادی بهبود می یابد. در این شرایط ضمن افزایش کیفیت زندگی عامه مردم، عدالت در جنبه های مختلف اجتماعی و اقتصادی تحقق می یابد.

بخشی از معضلات اجتماعی از جمله بیکاری، اعتیاد، طلاق و ... ریشه در مشکلات مالی و اقتصادی دارد که می توان با اعطای وامهای قرض الحسنه نقش موثری در کاهش این آسیب ها در جامعه داشت.

قرض می تواند از جهت تغییر ثروت نیز بر مصرف تاثیر بگذارد زیرا وام گیرنده، با توجه به اینکه قرض را درآمد گذرا می داند، کالاهای مصرفی بادوام می خرد و در واقع بر مخارج مصرفی خود می افزاید کالاهای مصرفی بادوام قسمتی از ثروت مادی شمرده می شود پس این امکان وجود

---

۱. همان، ص ۹۲

دارد که با بالارفتن ثروت، مصرف نیز افزایش یابد. اما چون فرد می‌داند که باید وام را در آینده پس دهد بخشی از درآمد جاری آینده اش را به این امر اختصاص می‌دهد پس آن قسمت از درآمد جاری که به مصرف اختصاص پیدا می‌کند دستخوش تغییر قرار می‌گیرد مقدار این تغییر به چگونگی بازپرداخت وام و نیز منبع جبران آن بستگی دارد، اگر زمان بازپرداخت طولانی تر و پرداخت اقساط وام از طریق ساعات کار یا دستمزد ممکن باشد مقدار نزول مصرف کالای مصرفی بی دوام کاهش می‌یابد.<sup>۱</sup>

## و: حذف نظام ربوی و ایجاد بانکداری اسلامی

عدالت اجتماعی، یکی از اصول اساسی در جامعه ای با اقتصادی پایدار و پویا است. بانکداری اسلامی می‌تواند الگویی مناسب برای نظامی به شمار آید که هدف آن ریشه کن کردن فقر و اجرای عدالت محوری است. با این که کشور ایران سعی کرده است که در این الگو موفق شود اما هنوز جای کار زیادی برای آن وجود دارد. با توجه به نقش کلیدی فعالیت بانک ها در ایجاد رونق در اقتصاد یک کشور، سپرده های قرض الحسنه به عنوان یکی از عوامل اصلی تشکیل دهنده سپرده های بانکی می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی یک جامعه داشته باشد. سیاست های فقرزدایی دولت معمولاً با دو مشکل اساسی تحمل بودجه و نبود اطلاعات کافی و شفاف نسبت به نیاز و نیازمندان واقعی مواجه است. در این راستا دولت باید قرض الحسنه را به عنوان یک ابزار فقر زدایی در نظر بگیرد و در تخصیص وجوه و هدایت صحیح آن با توجه به سیاست های کلان (اشتغال زایی، تامین نیازهای اساسی و ...) با سایر نهادهای مرتبط همکاری ثمربخشی داشته باشد. در واقع می‌توان گفت، قرض الحسنه، به نوعی پرچم دار تحقق عدالت اجتماعی در کشور ایران است.

---

۱. علی اصغر هادوی نیا، نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۵، ص ۱۸۸، پایگاه مجلات تخصصی نور



آیت الله مکارم شیرازی در خصوص حذف ربا از بانکداری اسلامی بیان می‌کند «ظاهراً قرض الحسنه در نظام بانکداری دنیای امروز وجود ندارد؛ چرا که در تمام وامها بهره و سودی وجود دارد، و قرض الحسنه آن است که هیچ بهره و سودی نداشته باشد و این یک امر صددرصد اخلاقی است که در نظام مادی بانکداری کنونی دنیا جایی ندارد. ولی در بانکداری اسلامی این خدمت وجود دارد و بانک درصدی از موجودی حسابهای جاری یا قرض الحسنه را به این امر اختصاص می‌دهد، و مبلغی را با شرایطی-که نوعاً سخت است- در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد!

این خدمت بانک مشروع بلکه بسیار شایسته و سزاوار است و احیاء یک سنت بزرگ اسلامی است که آیات و روایات فراوانی در اهمیت آن وارد شده است.<sup>۱</sup> ولی متأسفانه بانکهای اسلامی اهمیت زیادی به این مسأله نمی‌دهند، چرا که بودجه ای که اکنون بانکها برای این امر مهم و با فضیلت در نظر گرفته اند در صد بسیار کمی است، در حالی که عدالت و انصاف ایجاب می‌کند که درصد بیشتری به این امر اختصاص داده شود؛ چون عمده سرمایه های بانکها از خود مردم است و باید مقدار قابل ملاحظه ای از آن، به عنوان وام بدون سود به مستضعفین داده شود تا فرق میان بانک اسلامی و غیر اسلامی ظاهرتر شود. ولی متأسفانه تقریباً نامی از وامهای قرض الحسنه در میان است و در عمل چندان خبری از آن نیست و بانکهای اسلامی باید از این نظر اصلاح شود. با این حال قرض الحسنه، مشروع بلکه مستحب و بسیار شایسته است، مشروط بر این که جنبه تشریفاتی و دکوری پیدا نکند و کارمزد آن واقعی باشد، و بیش از اجرت کارکنان و هزینه های مربوط به آن نباشد.<sup>۲</sup>

---

۱. آیات و روایات در کلیات تحقیق بیان شده است.

۲. ناصر مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، چاپ اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۶، ص ۱۲۷

## ز: تأمین زندگی نیازمندان

«قرض الحسنه تلاش برای تحقق همبستگی های فرهنگی و همگرایی های اجتماعی است، به همین جهت قرض الحسنه مطلوب می تواند پیوندهای مؤمنان را مضاعف کند و ارتباطات آنها را بیشتر نماید از این رو وقتی مسلمانی به مسلمان نیازمندی قرض حسن دهد، در گردش روزگار و تحولاتی که رخ می دهد، شرایط افراد دگرگون می شود و نیازهایی جدید و نو رخ می دهد و چه بسا آن کس که اکنون نیازمند قرض است در روزی توانگر و دارا شود و بتواند خود، درخواست نیازمندان را اجابت کند آن زمان که قرض حسن می دهید به ظاهر نیازمندی را خرسند و مشکلی از مشکلات او را حل کرده اید ولی از آنجا که این قرض حسن است و با انگیزه های پاک و الهی است خود مولد نیرویی الهی خواهد بود و قرض گیرنده کنونی را برای فردا می سازد تا او نیز مثل شما قرض دهنده پاکدل و مخلص شود پس با اندک توجهی در می یابید که هم نیازی را برطرف کرده اید و هم نیرویی را برای فردا به خیل سعادت‌مندان و قرض دهندگان اضافه کردید و هم سستی از سنن الهی را ترویج کرده و سلامت روانی و امنیتی جامعه را تأمین کرده اید و سرانجام ممکن است برکات این کمک و دستگیری امروز شما، فردا از شما دستگیری کند.»<sup>۱</sup>

لذا اسلام با تبیین مبانی اعتقادی و احکام دینی و تربیت اخلاقی، نه تنها بینش مردم را تغییر داد، بلکه انگیزه های صحیح اجتماعی و رفتارهای مادی و اقتصادی مردم را ارزش بخشیده است. یکی از عوامل مهم تشکیل دهنده نظام ارزشی اقتصاد اسلامی، کمک رسانی به محرومین از راه های مختلف است که مورد توجه و توصیه اسلام است.

رفع نیازهای فردی و اجتماعی، با همیاری و همکاری بخش های گوناگون جامعه، نقش مؤثری در بهبود وضع عمومی جامعه و شکوفایی اقتصاد و همچنین نزول برکات مادی و دنیوی از جانب حق تعالی دارد.

---

۱. گزیده ای از پژوهش مرتضی نظری، وام ذخیره ماندگار، فصلنامه علمی کاربردی قرض الحسنه، شماره ۵۹، ۱۳۹۰، ص ۲۵.

توجه به محرومین و برآوردن نیازهای ایشان ، آثار اقتصادی و اجتماعی ارزشمندی دارد و باعث به وجود آمدن توازن اجتماعی ، توزیع ثروت و کم شدن اختلاف طبقاتی در راه تأمین زندگی نیازمندان می باشد. برخی گمان می کنند با کمک مالی همچون انفاق و صدقه و صرف وقت و آبرو برای رسیدگی به دیگران ، از زندگی عقب مانده و از سرمایه و ثروتشان کاسته می شود ، در صورتی که اگر به جریان هستی و سیستم آفرینش آگاه باشند ، خواهند دید که با ارتقاء سطح زندگی عمومی ، فرصت های اقتصادی بیشتر شکل می گیرد و باعث رونق اقتصادی می گردد.<sup>۱</sup>

از این رو رسول مکرم اسلام ﷺ می فرمایند:

﴿ مَا نَقَصَ مَالٌ مِنْ صَدَقَةٍ ﴾<sup>۲</sup>؛ «هیچ ثروتی از صدقه کم نمی شود.»

### ح : استفاده از وجوه قرض الحسنه در ایجاد امکانات برای طبقه کم درآمد

در بسیاری از موارد می توان با دادن قرض الحسنه به افراد نیازمند و کم درآمد امکانات را برای فعالیت و تلاش در زندگی فراهم کرد.

«سرمایه انسانی از جمله زمینه های مهمی است که اقدامات عمومی در آن می تواند منجر به تفاوت بزرگ در توزیع درآمدها شود. بازدهی اجتماعی این کار بسیار بالاست و سرمایه گذاری در زمینه آن به افزایش بهره وری نیروی کار، و به تبع آن بالا رفتن درآمد ملی و کاهش نابرابری توزیع درآمد منجر می شود. سرمایه گذاری در انسان ظرفیت های کسب درآمد انسان در آینده را افزایش می دهد. تحقیقات متعدد نشان می دهد که افراد تحصیل کرده نسبت به کسانی که از تحصیلات کمتری برخوردارند. در طول سال ، ساعات بیشتری را به کار مشغولند و از درآمدها و امکانات بیشتری برخوردارند همچنین می توان از مطالعات انجام گرفته چنین نتیجه گرفت که ارتباطی مستقیم بین سرمایه انسانی اعضای خانوار و تحرک اقتصادی خانوار برقرار است. هر چه سطح

۱. علی نهانندی ، فرهنگ خدمت رسانی ، چاپ اول ، انتشارات آستان قدس رضوی - ۱۳۸۲، ص ۲۲۱

۲. نهج الفصاحه ، ترجمه محسن شیرمحمدی، چاپ اول، سایه گستر، قزوین، ۱۳۸۶، ص ۳۲۳، ح ۱۶۸

سواد و تخصص اعضای خانوار بالاتر باشد، تحرک اقتصادی خانوار بیش تر است و خانوار از احتمال ارتقای موقعیت درآمدی بالاتری برخوردار است. اسلام نیز در زمینه تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار توجه ویژه‌ای به تشویق علم و فضیلت عالم و اهمیت دادن به نقش سرمایه انسانی از خود نشان داده است.

نقشی که در این جا می‌توان برای قرض الحسنه در نظر گرفت، استفاده از قرض الحسنه در زمینه پرداخت وام‌های بدون بهره و یا با کارمزد پایین برای دانشجویان و کسانی است که مایلند دوره‌های مختلف آموزشی را بگذرانند اما توانایی مالی استفاده از آن را ندارند. این افراد می‌توانند با بهره‌مندی از وجوه قرض الحسنه در دوران تحصیل و استفاده از آن، پس از اتمام دوران تحصیلات خود و یافتن شغل و یا ارتقای شغل، نسبت به بازپرداخت آن اقدام کنند. بنابراین قرض الحسنه به عنوان عاملی که می‌تواند در دوره‌ای از زمان ظرفیت کسب درآمد افراد خانواده‌ها را دست خوش تغییر قرار دهد و تحرک اقتصادی خانوار را افزایش دهد، می‌تواند در بهبود توزیع درآمد مؤثر باشد. البته سرمایه انسانی حتی اگر به صورت عادلانه‌ای در میان تمام جمعیت پخش شده باشد، اما ثروت‌های طبیعی و مادی در دست تعداد محدودی جمع باشد، درآمد به طور کلی نابرابر توزیع خواهد شد و توسعه انسانی چندان موفق نخواهد بود.

مطالعات انجام گرفته در زمینه ارتباط اشتغال و توزیع درآمد نشان می‌دهند عموماً بیکاری باعث افزایش پراکندگی درآمدها می‌شود و کاهش در بیکاری، پراکندگی درآمدها را کاهش می‌دهد. اشتغال برای افراد جامعه منبعی از درآمد را فراهم می‌آورد و کارکنان را قادر می‌سازد در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کنند و مولد ارزش باشند و در نتیجه به آن‌ها احساس عزت و اعتبار می‌بخشد. ضمن این که اشتغال برای برداشت کامل از فایده‌های سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی ضروری است و در صورت نبود اشتغال افراد نمی‌توانند از نیرو، مهارت، قدرت ابتکار و دانش‌شان به درستی بهره گیرند و بازدهی سرمایه انسانی پایین خواهد آمد. از این رو نقش اشتغال در کاهش نابرابری توزیع درآمد بیش از گذشته آشکار می‌شود. البته کاهش بیکاری تنها زمانی می‌تواند تأثیر

مثبت بر توزیع درآمد داشته باشد که به طور وسیع و یا حتی در حد محو بیکاری دائم انجام شود؛ که در این صورت ساختار اقتصاد تغییر کرده و زمینه‌ای مناسب برای کاهش نابرابری فراهم می‌آید. مطالعات نشان می‌دهد که بازارهای سرمایه به خصوص در کشورهای در حال توسعه، به خوبی عمل نمی‌کنند. به خصوص گروه‌های کم درآمد که در برابر رویدادهای غیر منتظره از همه آسیب پذیرترند و کم‌ترین دسترسی را به بازار اعتبارات دارند. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهند که گاهی اعتبارهای مالی نظیر تأمین سرمایه در گردش فعالان اقتصادی - به ویژه کشاورزان و تولیدکنندگان صنایع دستی - به افزایش حجم تولید و رشد درآمدها کمک شایانی در جهت افزایش قدرت تأمین مالی به موقع دیون و تأمین مواد اولیه و مانند آن‌ها می‌توانند داشته باشند. صندوق‌های قرض‌الحسنه تولیدی در جهت ایجاد اشتغال و بالا رفتن تولید اهمیت بسیار دارند. در واقع چنین ابزاری می‌تواند سبب استفاده از انگیزه‌های معنوی و اخروی در کاهش بیکاری و نیز افزایش تولید شود. این صندوق‌ها می‌توانند در جهت تأمین سرمایه‌های اولیه تولید و تجارت - البته امور تولیدی کوچک - و تأمین سرمایه در گردش و هم‌چنین قرض دادن ابزار تولید به تولیدکنندگان کوچک، فعالیت داشته باشند و در ایجاد و تداوم اشتغال مؤثر باشد. ضمناً این قبیل وام‌ها عمده‌تاً با افزایش نسبت افراد فعال به غیر فعال، به تعداد دریافت‌کنندگان درآمد می‌افزاید. به همین جهت می‌تواند در توزیع درآمدها مؤثر باشد.<sup>۱</sup>

### ط: کاهش امکان تصرف اغنیا

خداوند متعال در اموال کلان اغنیا حقی برای سائل و محروم قرار داده است که آن را به صاحبان حق می‌پردازند و می‌فرماید: ﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾<sup>۲</sup> طبیعی است که قدرت و مکن

۱. علی محمد احمدی، حسن محمد غفاری، رضا وفایی یگانه، بررسی تأثیر قرض‌الحسنه بر توزیع درآمد، برگرفته از

سایت دانشگاه فردوسی مشهد

۲. سوره زاریات (۵۱) آیه ۱۹

اگر به دست انسان برسد ، بسیار کم اتفاق می افتد که از راه راست منحرف نشود و آن عده کم و قلیل که به تمکن و ثروت رسیدند ولی گمراه نشدند در پناه خدا بودند و خدا آن ها را حفظ کرد و اما بسیاری از مردم وقتی فقیر و تنگدست بودند بنده خوب و خالص خدا بودند همین که نمی از باران رحمت خدا را دیدند به همه چیز پشت کردند و حتی خدا را نادیده گرفتند و در نتیجه برای همیشه در مذلت و بدبختی زندگی کردند و ننگ و عذاب ابدی را برای خود خریدند. آری خداوند انسانها را بدون هدایت و راهنمایی نگذاشته است و جلوی انحرافات مخرب را گرفته و انسان را شدیداً سرزنش نموده است و به ثروتمندان امر کرده در راه خدا اتفاق کنند و به نیازمندان قرض نیکو دهند تا این ثروت در دست آنها باقی نماند و سرمایه در گردش در آید.<sup>۱</sup>

محمد باقر صدر می گوید: اسلام اندوختن پول را کد را جایز نمی داند به همین جهت پرداخت زکات را بر پول را کد وضع کرده است با این ترتیب در صورتی که اندوخته پول برای چند سالی طول بکشد با زکات تقریباً همه پول اندوخته شده به خزانه بیت المال سرازیر می شود لذا قرآن اندوختن طلا و نقره را جنایت می داند و سزای آن را آتش جهنم. زیرا اندوختن زر و سیم به معنای تخلف از پرداخت مالیات «زکات» است که شرعاً واجب شده است چون اگر این زکات پرداخت شود فرصت انباشتن و اندوختن از بین می رود لذا قرآن افرادی را که زر و سیم ذخیره می کنند را تهدید کرده و آنها را به آتش کیفرشان می کند.

در آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه آمده است :

﴿...وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾؛ «...و

کسانی را که طلا و نقره را گنجینه (و ذخیره و پنهان) می سازند، و در راه خدا اتفاق نمی کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده !»

﴿يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لَا نَفْسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾؛ «در آن روز که آن را در آتش جهنم، گرم و سوزان

۱. سید مرتضی حسینی اصفهانی، اسلام و راهکار فاصله طبقاتی، ص ۴۱

کرده، و با آن صورت ها و پهلوها و پشت هایشان را داغ می کنند؛ (و به آنها می گویند):  
این همان چیزی است که برای خود اندوختید (و گنجینه ساختید)! پس بچشید چیزی را  
که برای خود می اندوختید!»

و از این رو اسلام بقاء ثروت را در زمینه های تولید و مصرف ضمانت کرده و مانع از راکد شدن  
و انباشته شدن آن شده است.<sup>۱</sup>

با مشارکت های مردم در پرداخت قرض الحسنه، نوعی تعادل در روحیه اقتصادی آنها بوجود می  
آید و آنها با تمرین و ممارستی که در دادن صدقه، انفاق، زکات، قرض و هر امر خیری دیگر از  
خود نشان می دهند کمتر دلبستگی و علاقه به جمع کردن اموال و محافظت از آن نشان می دهند و با  
این عدم دلبستگی و انباشته کردن مال و دارایی راکد در بانک و یا منازل می توانند در اقتصاد  
جامعه تأثیر گذار باشند. و چون مصرف کنندگان قرض الحسنه، معمولاً از پولهای ذخیره شده و  
بلا استفاده بهره می برند در صورتی که فرهنگ قرض الحسنه در جامعه رواج پیدا کند این وجوه  
به جریان می افتد و بخشی از تقاضای مصرف کنندگان و تولید کنندگان تأمین شده و رفاه و  
تولیدش در جامعه بالا می رود و مبالغ در دست اغنیا به صورت راکد نمی ماند.<sup>۲</sup>

در قرض الحسنه ثروتمندان بخشی از درآمد قابل تصرف خود را جدا می کنند و در یک دوره  
زمانی معین به فقیران اختصاص می دهند. اگر این فعالیت استمرار یابد می توان جریان مداوم ثروت  
از توانگران به نیازمندان را پیش بینی کرد. پس در هر مقطع زمانی بخشی از درآمد ثروتمندان در  
اختیار نیازمندان قرار می گیرد؛ هر چند در مقطع بعد باید بازپرداخت شود. با چنین نگرشی می توان  
گفت: در قرض الحسنه نوعی انتقال واقعی قدرت خرید به گروه های کم درآمد و خرج کردن آن  
در اقتصاد ملی وجود دارد.

---

۱. محمد باقر صدر، اقتصاد ما، ترجمه محمد کاظم موسوی، ج اول، چاپ اول، انتشارات برهان، ۱۳۵۰، ص

۲. جواد بیگ محمدی، قرض و قرض الحسنه: جایگاه آن در قرآن، حدیث و فرهنگ جاری جامعه، ص ۵۳

## جمع بندی

در این فصل به نقش قرض الحسنه در فقرزدایی از اجتماع پرداخته شده که اولین مورد به مولد بودن قرض الحسنه در جامعه و توزیع مجدد ثروت و درآمد اشاره شد از آنجایی که قرض دهنده با اختیار در این امر خیر قدم بر می دارد و با احترام قرض می دهد و مالکیت را از آن خدا می داند نه خودش، لذا خود را در برابر فقرا مسئول می داند و انگیزه اش برای قرض دادن زیاد می شود و اموالش را با فقرا تقسیم می کند. توزیع مناسب درآمد یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام است و مکتب اسلام ریشه اصلی بسیاری از مشکلات اقتصادی را توزیع ناعادلانه درآمدها می داند، در قرض الحسنه ثروتمندان بخشی از اموال خود را در زمانی معین به فقیران اختصاص می دهند و با این عمل خیر در فقرزدایی مؤثرند.

قرض الحسنه می تواند به کاهش هزینه های دولت کمک کند و موجب امنیت در جامعه شود و زمینه ایجاد واحد های تولیدی را فراهم آورد و موجب کاهش فقر و فاصله طبقاتی در جامعه شده ربا را از جامعه حذف و بانکداری اسلامی را تقویت کند.



# **فصل سوم**

**نقش قرض الحسنه در فقر زدایی در مقایسه با**

**روش های دیگر فقر زدایی**

توزیع درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام از طریق معیارهای متفاوتی انجام می‌شود. برخی از این معیارها شرعی و الزامی و برخی اختیاری است. معیارهای الزامی عبارتند از زکات، خمس، قانون ارث، منع ربا، منع احتکار، منع اسراف و تبذیر، منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار، تقلب و غیره. معیارهای اختیاری عبارتند از کارهای خیر اختیاری که ثروتمندان برحسب وظیفه، داوطلبانه اقدام به انجام آن می‌کنند. از آن جمله می‌توان به صدقات و قرض الحسنه اشاره کرد. آنان وظیفه دارند ثروت خویش را در راه رفاه عام جامعه صرف کنند.

## الف: روش های الزامی اسلام در فقرزدایی

### ۱- زکات

زکات در دین اسلام عبارت است از سهمی از مال ثروتمندان، که خداوند برای تهیدستان قرار داده است. خداوند در باره زکات اموال می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup> تناسب مفهوم شرعی «زکات» با مفهوم لغوی آن، از این جهت است که پرداخت زکات، از یک سو، برکت مال را به همراه دارد و باعث رشد فضایل در نفس و افزایش ثواب اخروی می‌شود و از سوی دیگر، مال را از آلودگیهای معنوی و دل آدمی را از بخل و حرص و مانند آن، پاک می‌نماید. ولی در قرض الحسنه برکت و افزایش در مال را به همراه دارد و قبل از رسیدن به دست نیازمند به دست خدا می‌رسد. مزیت قرض الحسنه بر زکات اینست که قرض الحسنه را به هر نیازمندی می‌توان داد ولی زکات به هشت قسمی که در کتب فقه بیان شده تعلق می‌گیرد.

---

۱. سوره توبه ( ۹ ) آیه ۱۰۳، «از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست»

اسلام برای افزایش ثروت افراد با توجه به رفاه کل جامعه مقررات خاصی تعیین کرده است. تمام مخلوقات آفریننده های خدایند و او روزی دهنده آنان است و به سبب این علت است که به مؤمنان دستور داده است تا مراقب نیازمندان و فقرا باشند.

و علتی که برای وجوب زکات ذکر شده بیان می کند که زکات یک قانون صرفاً آمرانه مولوی و آزمایش روانی خالص در مقابل دستور خداوندی نیست، بلکه تنظیم و تأمین امور معاش آن دسته از افراد جامعه است که نمی توانند کار کنند یا کارشان برای اداره زندگیشان کافی نیست و همچنین دیگر مصارف اجتماعی از قبیل انتظامات و غیره باید از مالیات تأمین گردد. لذا از وجوب پرداخت زکات معلوم می شود که برای اداره زندگی فقرا و بینوایان و ریشه کن کردن فقر از جامعه مؤثر است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام به جابر فرمود: .....ای جابر! کسی که نعمت های خدا بر او فراوان شود نیاز مردم به اافزون شود، پس اگر به وظیفه الهی خود عمل کند بقا و دوام نعمت را تضمین کرده است و اگر در انجام دادن واجب الهی خود کوتاهی کند نعمت را در معرض نابودی و فنا قرار داده است.<sup>۱</sup>

علمای اسلام، زکات را از ضروریات دین و منکر آن را کافر دانسته اند. زکات درمان دردهای اقتصادی جامعه است و همان گونه که اگر برای عضوی از بدن کسی ناراحتی پیش بیاید او را از حرکت می اندازد، در جامعه نیز اگر گروهی با مشکلات رو به رو شوند، حرکت آن جامعه فلج می شود و زکات برای حل مشکلات جامعه است.<sup>۲</sup>

حضرت علی علیه السلام در ارزش زکات دادن می فرماید: «اموالتان را با زکات دادن نگاه دارید»<sup>۳</sup> اگر زکات در جامعه پرداخت شود، نیاز اولیه فقرا و مستمندان برطرف شده و وقتی آن ها از گرسنگی در رنج نباشند دیگر به اموال اغنیاء دست درازی نمی کنند بنابر این دزدی و سرقت در جامعه کاهش می یابد و اموال مردم محترم شمرده می شود و امنیت در جامعه برقرار می شود زیرا

۱. نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، چاپ اول، اوج علم، تهران، ۱۳۸۰، ص ۷۱۸، حکمت ۳۷۲

۲. محسن قرائتی، خمس و زکات، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۷، ص ۹۵

۳. «حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ» نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۶۵۸، حکمت ۱۴۶

انسان ها به کمال سعادت نمی‌رسند مگر این که در اجتماع سعادت‌مندی زندگی کنند که در آن هر صاحب حقّی به حقّ خود می‌رسد و جامعه روی سعادت را نمی‌بیند مگر این که طبقات مختلف مردم از مزایای حیات در سطوح نزدیک به هم برخوردار شوند و پرداخت زکات این امر را محقق خواهد ساخت.

هر یک از اعضای بدن نیز وظایفی دارند که از پاره ای از آنها در روایات به عنوان زکات یاد شده است: زکاتِ زبان ، خیر خواهی مسلمانان ، آگاهی دادنِ غافلان و تسبیح و ذکر فراوان ، زکاتِ دست ، بخشش و سخاوت و نگارش علوم ، زکاتِ چشم ، نگرستن از روی عبرت و چشم پوشی از شهوات و زکاتِ گوش، گوش سپردن به دانش و حکمت قرآن است. بدین سان می‌توان گفت، زکاتِ هر نعمتی، به کار بستن شایسته آن در مسیر سعادت اخروی و رشد معنوی مردم است.<sup>۱</sup>

## ۲- خمس

خمس در لغت به معنای یک پنجم است و جمع آن «اخماس» است<sup>۲</sup> و در مجمع البحرین آمده «خُمُس» یا «خُمُس» در اصطلاح شرع حقی است که خروج آن از مال واجب بوده و بنی هاشم مستحق آن هستند.<sup>۳</sup> در اصطلاح فقه عبارت است از پرداخت یک پنجم در آمدی که از راه زراعت، صنعت، تجارت، پژوهش و یا از راه های کارگری و کارمندی به دست می‌آید. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: خمس آن است که خداوند تعالی برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ذریه آن حضرت که خداوند نسل مبارکشان را زیاد کند، عوض زکات که اوساخ دست مردم است واجب کرده است.<sup>۴</sup>

---

۱. جواد ایروانی، همان ص ۲۸۱

۲. محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۷۰

۳. فخرالدین الطریحی، مجمع البحرین، محقق سید احمد حسینی، تهران، مرتضوی، چاپ سوم ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۶۶

۴. روح الله، الموسوی الخمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۹

خمس یکی از فریضه های اسلامی است و قرآن کریم آن را در کنار جهاد (قرار داده) است و در بیان اهمیت آن، ایمان را با آن پیوند زده و می فرماید:

«بدانید آنچه را که سود می برید، یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا (ص) و خویشاوندان او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود (محمد ﷺ) در روز فرقان، روزی که دو سپاه (اسلام و کفر در جنگ بدر) روبرو شدند نازل کرده ایم ایمان آورده اید، و خدا بر هر چیز تواناست.»<sup>۱</sup>

پرداخت خمس از نظر اعتقادی نشانه ایمان و اعتقادی واقعی است علاوه بر آن از نظر عبادی، خمس از عبادات است و باید با قصد قربت پرداخت شود. طبعاً هرگونه ریاکاری و ناخالصی هم در انجام این فریضه اختلال به وجود می آورد. از نظر روانی پرداخت خمس سبب می شود که انسان در خود احساس کند حامی اهل بیت (ع) و مراجع تقلید و حوزه های علمیه و تبلیغات صحیح دینی است و این احساس همواره او را هوادار جبهه حق و مخالف جبهه های باطل و وسوسه های آنان قرار می دهد. از نظر تربیتی پرداخت خمس انسان را حسابگر، دقیق، وظیفه شناس، نسبت به محرومان جامعه مسئول و نسبت به حمایت از خط خدا و رسول و اهل بیت (ع) متعهد تربیت می کند. پرداخت خمس روحیه سخاوت و نوع دوستی را در انسان شکوفا می کند. و روحیه بی تفاوتی و دنیا پرستی را از انسان برطرف می کند.

### ۳-نفقه

در قرآن کریم ، آیات متعددی در باره وجوب نفقه زن نازل شده است از جمله در آیه ۲۳۳ سوره بقره آمده است : ﴿ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ... ۲ ﴾ «مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند و برای آن کس که فرزند برای او

---

۱. سوره انفال (۸) ، آیه ۴۱ ، «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

۲.سوره بقره(۲) ، آیه ۲۳۳

متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن) بپردازد (حتی اگر طلاق گرفته باشد).

و عبارت است از مالی که برای ادامه زندگی، صرف مخارج ضروری همسر و فرزندان، خویشاوندان و مانند آنها می‌شود؛ اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و غیره. در ازدواج دائم، پرداخت نفقه زن بر شوهر واجب است. حق نفقه در اسلام، نوعی تسهیل برای زنان است و اگر چنین حقی برای آنها قرار داده نمی‌شد به سختی می‌افتادند؛ چون زن در ازدواج دائم، مسئولیتهایی را در طول زندگی مشترک بر عهده دارد که توان جسمی او را می‌طلبد و فرصتی را از او می‌گیرد؛ مسئولیتهایی مانند شوهرداری، خانه‌داری، بارداری، تربیت فرزند؛ از این رو، نفقه، حقی است که اسلام برای زن قرار داده است<sup>۱</sup>.

#### ۴- قانون ارث

قانون ارث قانونی است که از طرف خدا فرض و واجب شده و او دانا و حکیم است و احکامی که صادر می‌کند از روی علم و حکمت است. ﴿.....يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ.....فَرِيشَةُ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾<sup>۲</sup> حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسر دو برابر دختر ارث می‌برد... این احکام فریضه ای است که خدا معین کرده، که خدا به هر چیز دانا و آگاه است.

قانون ارث بر اساس مصالح واقعی بشر استوار شده، و تشخیص این مصالح به دست خداست، زیرا انسان آنچه را مربوط به خیر و صلاح اوست در همه جا نمی‌تواند تشخیص دهد، ممکن است بعضی گمان کنند پدران و مادران بیشتر به نیازمندی‌های او پاسخ می‌گویند، و بنا بر این باید در ارث بر فرزندان مقدم باشند، و ممکن است جمعی عکس این را فکر کنند و اگر قانون ارث بدست مردم می‌بود هزار گونه هرج و مرج و نزاع و اختلاف در آن واقع می‌شد، اما خدا که حقایق

---

۱. روح الله، الموسوی الخمينی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۳

۲. سوره نساء (۴) آیه ۱۱

امور را آن چنان که هست می‌داند قانون ارث را بر نظام ثابتی که خیر بشر در آن است قرار داده است.

حق الناس از نظر اسلام با عدالت و حکمت الهی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد و دارای گستره وسیعی می‌باشد. به عبارتی، حق الناس در همه ابواب فقه وجود دارد و می‌توان گفت که بابی از ابواب فقه اسلامی نیست، مگر این که مسایل فراوانی در زمینه حق الناس وجود دارد.

در دیدگاه اسلامی، مال و دارایی مؤمن و گاهی اموال دیگران محترم است و مصونیت دارد و اتلاف و تجاوز در آن مجاز نیست. بنابراین، اگر کسی از راه ربا، رشوه، فریب کاری، سرقت و بالاخره هرگونه تصرف نامشروع، مالی را از کسی خورده باشد، باید به تحصیل رضایت صاحب مال و یا باز پس دادن آن مال اقدام نماید.

با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت که ارث نوعی حق الناس است و ضایع کردن ارث وارثان از موارد حق الناس محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۵- منع ربا

هفت آیه در قرآن به وضوح تحریم ربا را ثابت می‌کند<sup>۲</sup> خداوند متعال در شرح حال ربا خواران و تحریم ربا می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكِ بَأْتُهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَأَحْلَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا...﴾<sup>۳</sup> کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است». در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام!

همه مسلمانان اذعان دارند که ربا در همه ادیان آسمانی عملی ناپسند و حرام است و ترویج آن یعنی حمایت از طبقات استثمارگر جامعه، ترویج فساد و بی بند وباری و نابود شدن عواطف و از

---

۱. جایگاه ارث در قرآن، برگرفته از سایت جهاد دانشگاهی

۲. آیات ۲۷۹، ۲۷۸، ۲۷۶، ۲۷۵ سوره بقره و آیات ۱۳۱ و ۱۳۰ سوره آل عمران و آیه ۱۶۰ سوره نساء

۳. سوره بقره (۲) آیه ۲۷۵

سوی دیگر له شدن افراد فقیر و تهی دست و ایجاد شکاف طبقاتی و گسترش فقر و فحشا در جامعه اسلامی. اما مع الاسف این پدیده زشت که در نگاه دین بزرگترین گناه کبیره محسوب شده و همگان از مفاسد آن باخبرند همچنان در جامعه اسلامی خود نمایی می‌کند و به صورت آشکار و نهان رو به گسترش است با آنکه در قبح و زشتی آن بسیار گفته و شنیده شده است مع الوصف برخی بی اعتنا به آثار زشت این عمل، آلوده به آن هستند.<sup>۱</sup>

حرمت ربا، تحقیقاً به وسیله قرآن کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام و اجماع مسلمین ثابت است، بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات دین باشد، و ربا از گناهان کبیره بزرگ است. و در قرآن عزیز و اخبار زیادی، به شدت با آن برخورد شده است.

از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که در وصیتش به علی علیه‌السلام فرموده:

«ای علی! ربا هفتاد جزء است، آسانترین آنها مانند این است که مردی با مادرش در بیت الله الحرام، زنا نماید» و نیز می‌فرماید: «هرکه ربا بخورد خداوند اندرون او را به قدری که ربا خورده از آتش جهنم پر می‌کند و اگر از آن مالی را کسب کند خداوند هیچ عملی را از او قبول نمی‌کند و مادامی که یک قیراط ربا نزد او هست، دائماً در لعنت خدا و ملائکه قرار دارد.»<sup>۲</sup>

آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید: حداقل هفت آیه قرآن، تحریم ربا را ثابت می‌کند<sup>۳</sup> و قرآن به شدت هر نوع ربا خواری را تحریم می‌کند تا آنجا که آن را نوعی کفر به خدا می‌شمارد و به ربا خوار از ناحیه خدا و رسولش اعلان جنگ می‌دهد و ربا خوار را مستحق خلود در جهنم می‌داند و این کار را سبب مجازات دنیوی می‌شمرد. و در تفاسیر آیات بیان می‌کند صحنه قیامت کانونی برای تجسم اعمال انسانهاست؛ آنها که تعادل اقتصادی جامعه را در زندگی دنیا از طریق رباخواری برهم زدند در آنجا به صورت مست و مصروع و افراد دیوانه و غیر متعادل محشور می‌شوند، و

---

۱. وام ذخیره ماندگار، فصلنامه علمی کاربردی قرض الحسنه، شماره ۶۰ بهار ۹۱

۲. روح الله الموسوی الخمینی، ترجمه تحریر الوسیله، جلد دوم، مترجم علی اسلامی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ص ۴۲۳

۳. آیات: ۲۷۵ و ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۷۹، سوره بقره، و ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران و آیه ۱۶۰ سوره نساء



وضع ظاهری آنان همه افراد محشر را متوجه خود می‌سازد. و این مجازات را دلیلی بر حرمت ربا می‌شمارد.<sup>۱</sup>

از امام رضا علیه السلام در باره تحریم ربا آمده است: «علت حرام بودن ربا، خدای بزرگ بدان جهت ربا را نهی کرده، که مایه تباهی اموال است، چه اگر آدمی یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای درهم یک درهم است و درهم دوم ناحق است؛ پس فروختن و خریدن به ربا به هر حال مایه زیان خریدار و فروشنده است. این است که خداوند متعال ربا را از جهت فساد که در اموال پدید می‌آورد حرام کرده است، به همان گونه که دادن مال شخص سفیه را به دست او حرام کرده است، چه در اینجا نیز بیم فاسد شدن مال می‌رود، و تا زمانی که به رشد برسد چنین است. و علت تحریم ربا در تأخیر پرداخت بدهی نیز، از بین رفتن معروف و نیکی است، و تلف شدن اموال، و تمایل پیدا کردن مردمان به ربح (بهره)، و ترک وام دادن و به کار نیکو پرداختن. و اینها همه سبب فساد است و ظلم و نابودی اموال مردمان.<sup>۲</sup>

## ۶- منع احتکار

احتکار یعنی حبس نمودن و نگاه داشتن طعام و آذوقه و حبوبات و مایحتاج مردم، به انتظار این که اجناس گران شود و محترک استفاده فراوان ببرد. احتکار، به لحاظ اینکه قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد، حرام شمرده شده است. هر مقدار پولی که عادلانه و مشروع در اختیار فردی باشد، در سیستم اقتصادی صحیح، و دور از سودجویی و استثمار، به معنی آن است که به نسبت آن وجه، حق استفاده از کالاهای جامعه را در رابطه با نیاز خود دارد، ولی احتکار این حق را از او سلب می‌نماید. درواقع احتکار نه تنها پایمال کننده حقی از حقوق افراد است، بلکه بر اثر وجود پول، یعنی وسیله مبادله کالا در دست مردم، با نبودن کالا در بازار یا کمبود آن، موجب تورم می‌شود که

---

۱. ناصر مکارم شیرازی، ربا و بانکداری اسلامی، چاپ اول، مدرسه الامام علی بن ابی طالب ع، ۱۳۷۶، ص ۱۰

۲. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء / ترجمه احمد آرام - تهران، چاپ: اول، ۱۳۸۰

از مفاسد بسیار خطرناک اجتماع است و در صورت ادامه آن، آثار ناهنجار معنوی نیز به دنبال خواهد داشت و در نهایت در زنجیره نظام جامعه اختلال ایجاد خواهد کرد و در نتیجه جامعه ای فاسد خواهد ساخت.

باید توجه داشت که معیار در احتکار حرام، ایجاد بازار سیاه است به گونه ای که موجب تضییق و دشواری مردم مسلمان فراهم شود و گرنه در موارد فراوانی که عرضه بی رویه کالا چه بسا موجب تضییع و اتلاف ما شود، نه تنها حرام نیست، بلکه از جهاتی منطبق با موازین عقلایی است. هدف اصلی احتکار برای فروشندگان، منفعت طلبی از تمایل و شتابی است که خریداران در اثر باور کردن کمیابی کالا از خود نشان داده و به ذخیره سازی و نگهداری کالا می پردازند.

احتکار کردن یکی از مسائلی است که در دین اسلام به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است و افرادی که در هر شغل و منصبی هستند اگر کالا و یا چیزی را که دارند احتکار کنند در قیامت دچار عذابی سخت می شوند<sup>۱</sup>.

خداوند در آیه ۳۴ سوره توبه می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ کسانی که از زر و سیم گنج می سازند و آنها را در راه خدا خرج نمی کنند، به عذابی دردناک مژده ده<sup>۲</sup>.

رسول گرامی اسلام ﷺ می فرماید :

«هرکس خوراکی را بخرد و برای این که آن را به مسلمانان گران بفروشد چهل روز انبار کند و پس از چهل روز آن را بفروشد و همه درآمد آن را هم صدقه بدهد کفاره گناه او نخواهد شد.»<sup>۳</sup>

---

۱. احتکار در منظر قرآن. سایت جهاد دانشگاهی، خبرگزاری بین المللی قرآن

۲. سوره توبه (۹) آیه ۳۴

۳. محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق، ۱۳۸۷، ص ۳۶۵، ح ۱۶۹۰

انسان در مسیر ادامه زندگی خود، ضرورت دارد با دیگران ارتباط اقتصادی و اجتماعی برقرار نماید و نسبت به برطرف ساختن نیاز یکدیگر اقدام نماید و همدیگر را از بهره برداری مایحتاج زندگی و به ویژه مواد غذایی محروم نسازند.

## ۷- منع اسراف و تبذیر

اسلام مال و ثروت را مایه استواری یک جامعه و شبیه ستون فقرات جامعه می‌داند و کسی که فاقد مال باشد از آن جهت فقیر است که ستون فقرات اقتصادی او شکسته است و توان مقاومت ندارد جامعه ای که با این افراد تشکیل شود استقلال خود را از دست داده است و با نابودی اقتصاد، جامعه به خطر انقراض و نابودی می‌افتد و به عبارت دیگر مال به منزله خون در عروق جامعه محسوب می‌شود و نباید به صورت ناروا و ناصواب در آن تصرف کرد و نباید در اختیار سفیهان قرار داد تا در تصرف آن مسرفانه عمل کنند.<sup>۱</sup>

لذا قرآن کریم مسلمانان را از اسراف کردن و خست و ورزیدن منع کرده و حالتی میانه و معتدل را که بین این دو صفت قرار دارد بیان کرده است.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾<sup>۲</sup>.

امام صادق علیه السلام نیز در تعریف اسراف می‌فرماید:

﴿أَمَّا السَّرْفُ أَنْ تَجْعَلَ ثَوْبَ صَوْنِكَ ثَوْبَ بَذْلَتِكَ﴾<sup>۳</sup>؛ «اسراف عبارت از آن است که

لباس (و آبرومندانه) را در جایی که باید لباس فرسوده (و لباس کار) پوشید بپوشی.»

---

۱. عبدالله جوادی آملی، مفاتیح الحیاء، چاپ یازدهم، قم: اسراء، ۱۳۹۱

۲. سوره فرقان (۲۵) آیه ۶۷ «کسانی که چون خرج کنند نه اسراف کنند و نه خست و ورزند، و میان این دو حالتی میانه و معتدل باشد.»

۳. محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۴، چاپ هفتم، قم، دلیل ما، ۱۳۸۵، ص ۳۱۰

## ۸- منع کسب درآمد از طریق مشاغل نامشروع از قبیل قمار، تقلب و غیره

قمار به معنای گرو گذاشتن در بازی با آلات معروف برد و باخت است و در اصطلاح فقه به مطلق گرو گذاشتن و غیر آن در مقابل عوض ، تعریف شده است.

قرآن کریم قمار بازی را پلید و از عمل شیطان می‌داند و می‌گوید قمار بازی و شرابخواری موجب عداوت و دشمنی بین مردم می‌شود و انسان را از فلاح و رستگاری و یاد خدا و نماز باز می‌دارد. و مردم را از این عمل فاسد و شیطانی نهی می‌کند ؛

«ای کسانی که ایمان آورده اید! شراب و قمار و بت ها و ازلام (نوعی بخت آزمائی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید!

شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما کینه و دشمنی افکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، آیا بس می‌کنید؟»<sup>۱</sup>

## ب: روش های اختیاری اسلام در فقرزدایی

### ۱- صدقات

در قرآن کریم قرض در ردیف مسائلی چون صدقه ، انفاق ، زکات و نماز آمده و این حاکی از اهمیت آن است همانطور که نماز با تعالی روح و رشد عبودیت موجب ارتباط با مبدأ هستی است و به جا آوردن آن موجب دوری از مفسد اخلاقی و اجتماعی می‌گردد قرض و صدقه و انفاق و زکات هم موجب تقرب به خداوند عالم می‌شود. اگر روزی بشر به مرحله ای از رفاه اقتصادی برسد باز هم برای این منظور قرض و صدقات و خمس و زکات لازم است. اگر در جامعه ای به این سه موضوع (انفاق، صدقه و قرض) عمل شود فاصله اقتصادی بین ثروتمندان و فقرا تا

---

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ، إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنتُمْ مُنْتَهُونَ» مائده (۵) آیه ۹۰ و ۹۱

حدودی از بین می‌رود و تعادل و توازن اجتماعی به وجود می‌آید و جامعه از طهارت معنوی برخوردار می‌شود.

## ۲- قرض الحسنه

قرض الحسنه در کنار دیگر صدقات مستحب و واجب که از تعالیم و سنت های دین مبین اسلام هستند نقش قابل توجهی در ایجاد تعادل اقتصادی در جامعه ایفا می‌نماید. بدون شک در هر جامعه ای عده ای پیدا می‌شوند که علی رغم تلاش و کار متعارف خویش با مشکلات غیر منتظره ای مواجه شده و وضعیت اقتصادی آنها رو به ضعف و کاستی گرایش پیدا می‌کند.

پیش بینی های تعالیم دینی مکتب اسلام در خصوص رفع چنین مشکلاتی بسیار زیبا و راه گشا بوده و چنانچه مسلمین و اعضای جامعه اسلامی نسبت به اجرای این راه کارهای پیش بینی شده مقید بوده و اهل عمل باشند بدون شک مشکلی به نام «فقر» در جامعه اسلامی یافت نخواهد شد لیکن در جامعه اسلامی امروز ما به دلیل مشکلات عدیده اقتصادی، فرهنگی و زیربنایی توسعه و پیشرفت و نیز شرایط متأثر از حکومت های غیر اسلامی در دوران گذشته و استعمار طولانی بیگانگان، امکان رفع فقر و ایجاد عدالت اجتماعی در کوتاه مدت میسر نمی‌باشد اما نکته اصلی و کلی این است که برای رفع بخشی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه، باید به راه های سهل الوصول و شدنی اندیشیده و نسبت به ترویج آنها کوشید.

یکی از این راه های ممکن و نیز مؤثر در حل مشکلات اقتصادی مسأله قرض الحسنه است و در شش جای قرآن کریم موضوع قرض حسن مطرح شده و از مسلمین دعوت شده تا نسبت به این سنت حسنه قیام نموده و آن را در جامعه زنده نگه دارند.<sup>۱</sup>

آیات و روایات فراوانی از مؤمنان می‌خواهد که بخشی از اموال خود را برای کمک به نیازمندان و رفع گرفتاری برادران ایمانی خود قرض الحسنه دهند. رسول گرامی اسلام ﷺ پاداش کسی را قرض الحسنه می‌دهد به وزن کوه های احد و رضوی می‌داند و تارک آن را محروم از بهشت، و

---

۱. جواد بیگ محمدی، قرض و قرض الحسنه، ص ۴۳

می‌فرماید: «هرکس به برادر مؤمنش قرض دهد، به ازای هر درهم آن، به وزن کوه های احد، رضوی و طور سینا، حسنات در ترازوی اعمال وی نهاده می‌شود و اگر پس از فرارسیدن مهلت با او مدارا کند، از پل صراط بدون رسیدگی به حساب، چون برق سریع و درخشنده می‌گذرد و هیچ عذابی نمی‌بیند و هر کس که برادر مسلمانش از او یاری طلبد، اما قرض ندهد، هنگامی که پروردگار نیکان را پاداش می‌دهد، بهشت را بر او حرام می‌سازد.»<sup>۱</sup>

### ۳-وقف

وقف، نگه‌داشتن و حبس کردن عین مال و جلوگیری از انتقال آن به دیگری، به وسیله‌ی یکی از عقود، مانند بیع، صلح، هبه و قرار دادن منافع آن در جهتی که واقف آن را مشخص کرده است. امام صادق علیه السلام در فضیلت و ثواب وقف می‌فرمایند:

﴿ خَيْرُ مَا يُخْلَفُهُ الرَّجُلُ بَعْدَهُ ثَلَاثَةٌ وَكَدَّ بَارٌّ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ سُنَّةٌ خَيْرٌ يُقْتَدَى بِهَا فِيهَا وَ صَدَقَةٌ تَجْرِي مِنْ بَعْدِهِ ﴾<sup>۲</sup>؛ بهترین چیزی که انسان از خود به یادگار می‌گذارد، سه چیز است: فرزند نیکوکاری که برای او استغفار کند، روش و سنت خوبی که مردم از او پیروی کنند، صدقه‌ی جاریه‌ای که پس از مرگش جریان داشته باشد.

### ۴-هدیه

واژه "هدیه" در دو آیه ۳۵ و ۳۶ سوره نمل آمده است. در این آیه، به هدیه‌ای که ملکه سبا "بلقیس" برای حضرت سلیمان فرستاد، اشاره شده است: ﴿وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ؛ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانُ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ﴾ همانا من ارسال می‌کنم، به سوی آنان هدیه‌ای، و منتظر می‌مانم. تا فرستادگان من

۱. حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۳، ص ۸۸ ح ۵۵

۲. وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۱۷۵

برگردند." بدیهی است اگر سلیمان هدایا را بپذیرد، معلوم می‌شود اهل دنیا است، ولی اگر رد کند، معلوم می‌شود پیامبری از پیامبران الهی است. احادیث فراوانی از معصومین علیهم‌السلام دربارهٔ هدیه آمده است. آن بزرگواران، پیروان خود را به هدیه دادن به دیگران، تشویق کرده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هدیه بدهید، تا بدین وسیله، دوستی و محبت بین شما ایجاد شده، و کینه و عداوت از بین شما زایل گردد»<sup>۱</sup>.

هدیه یا کادو، که به آن پیشکش یا تحفه نیز می‌گویند، چیزی است که آن را بدون انتظار دریافت چیزی دیگر به شخص دیگری تقدیم کنند. اگر چه ممکن است در مقابل هدیه دادن، چشمداشت هدیه‌ای متقابل داشت، اما هدیه چیزی است که آن را به رایگان می‌بخشند هدیه می‌تواند هر چیزی باشد که سبب خشنودی دیگری شود یا از غمش کاسته شود، به‌ویژه خدمتی چون بخشنده‌گی یا مهربانی. لذا در هدیه عین مال به صاحبش بر نمی‌گردد ولی در قرض الحسنه، عین مال به صاحبش بازگردانده می‌شود.

در تشویق به هدیه دادن حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: «اگر به برادر مسلمان خود هدیه ای دهم که به کارش آید خوشتر است نزد من از این که همانند آن هدیه صدقه دهم»<sup>۲</sup>.

#### ۵- هبه

«هبه» عبارت است از خارج ساختن مال از ملک خود و به ملک دیگری در آوردن آن به طور رایگان و آن قراردادی است که به ایجاب و قبول احتیاج دارد، به هر لفظی که مقصود را برساند.

در هر دو مالکیت مشهود است و در هر دو تبرّعی بودن وجود دارد ولی در قرض عین مال به قرض دهنده عودت می‌شود ولی در هبه تعهدی به بازگرداندن مال وجود ندارد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۴۴

<sup>۲</sup>. محمد محمدی ری شهری، منتخب میزان الحکمه، ص ۱۲۷۰، ج ۶۳۶۴

<sup>۳</sup>. جواد بیگ محمدی، همان ص ۱۴، علی اصغر هادوی نیا، همان، ص ۴۵

## ۶- عاریه

عاریه نیز رفتاری شبیه قرض الحسنه است که «به موجب آن یکی از طرفین به طرف دیگر اجازه می دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود» ولی تملیکی بودن قرض الحسنه آن را به کلی از مفهوم عاریه دور ساخته است چون در قرض الحسنه ملکیت منتقل می شود و قرض گیرنده باید عین مال یا قیمت آن را در پایان وقت مقرر بازگرداند ولی در عاریه مال به عاریه گیرنده تسلیم می شود تا از آن منتفع گردد و در وقت مقرر عین آن را پس دهد بنابر این عاریه در مورد اموالی است که انتقال آن با بقای عین ممکن باشد و در اثر بهره برداری از بین نرود.

## ج: تفاوت قرض الحسنه در فقر زدایی با موارد یاد شده

از آن جا که اسلام مخالف هرگونه گداپروزی است، و پیامبرش بر دست کارگری که با کدّ یمین و عرق جبین به تأمین معیشت خویش می پردازد، بوسه می زند، و با مرور روایاتی که درباره قرض و صدقه آمده است، برتری قرض بر صدقه کاملاً آشکار می شود. در این فرصت چند نمونه از این روایات را بیان می کنیم.

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: شبی که به معراج برده شدم، این نوشته را بر در بهشت دیدم: ﴿الْصَّدَقَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ﴾<sup>۱</sup>؛ صدقه ده برابر پاداش دارد و قرض الحسنه هیجده برابر؛

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر مالی را قرض دهم پیش من محبوب تر است تا همانند آن را صله دهم».<sup>۲</sup>

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

﴿الْصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَصِلَةُ الْإِخْوَانِ بِعِشْرِينَ وَصِلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ﴾

۱. نهج الفصاحه، سخنان گهربار پیامبر اعظم، مترجم محسن شیرمحمدی، ص ۳۲۱، ح ۲۱۵۹

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۹، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق



«صدقه دادن، ده حسنه، قرض دادن، هجده حسنه، رابطه با برادران [دینی]، بیست حسنه و

صله رحم، بیست و چهار حسنه دارد.»<sup>۱</sup>

پاداشِ قرض دادن از صدقه بیشتر است زیرا: همان طور که در حدیث فوق اشاره شد، قرض به طور معمول به دست نیازمند می‌رسد، در حالی که چه بسا صدقه به کسی رسد که گدایی، پیشه اوست و نیازی ندارد. به طور معمول، انسانهای آبرومندی که هرگز حاضر به گدایی نیستند، به هنگام نیاز قرض می‌گیرند، در نتیجه شخصیتِ آنان حفظ می‌گردد. از نظر اجتماعی، صدقه دادن بی حُذ و مرز، عامل رواج گدایی، تنبلی و راه درآمد نامشروعی برای عده ای فرصت طلب است، در حالی که گیرنده قرض خود را موظف به کار و تلاش می‌بیند و به طور طبیعی، جامعه شاهد پویایی و حرکت خواهد بود.

بنابراین طبق احادیث فوق، قرض الحسنه، نسبت به صدقه، از جایگاه بالاتری برخوردار است زیرا در قرض الحسنه، مال به دست کسی می‌رسد که به آن نیاز دارد؛ چرا که انسان بی‌نیاز قرض نمی‌گیرد، برخلاف صدقه که ممکن است به دست انسان بی‌نیاز بیفتد. در ضمن پولی که به عنوان قرض پرداخت می‌گردد، دیگر بار به صاحبش برگشته، می‌تواند گره از کار نیازمندی دیگر بگشاید. بر خلاف صدقه که مال صدقه داده شده به صاحبش بر نمی‌گردد.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

« پاداش قرض از این رو از پاداش صدقه بیش‌تر است که قرض گیرنده جز از روی نیاز

قرض نمی‌گیرد، ولی صدقه گیرنده گاهی با این که نیاز ندارد، صدقه می‌گیرد.»

در همه موارد ذکر شده اعم از پرداخت زکات، خمس، نفقه، ارث و عدم پرداخت ربا و احتکار نکردن، قناعت کردن و اسرف نکردن و... به نوعی کمک کردن به هم نوع، خانواده، فقیر و غیره می‌باشد و در هیچ یک از این موارد اصل مال به صاحبش بر نمی‌گردد ولی در قرض الحسنه اصل مال در زمان رسید موعد مقرر به صاحبش بر می‌گردد.

---

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، محقق علی اکبر غفاری، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۰

قرض الحسنه با سایر عقود اسلامی مثل بیع، شرکت و ودیعه نیز تفاوت دارد تفاوت قرض با بیع این است که در بیع دو مال با هدف سود جویی با هم مبادله می‌شوند ولی در قرض، وام گیرنده اصل مال یا بدل آن را برمی‌گرداند. فرق قرض با شرکت هم در سود داشتن در شراکت است که شریک سهم خود را کسر و بقیه را به صاحب مال می‌دهد ولی در قرض عین مال برگردانده می‌شود و سود ندارد. در تفاوت قرض با ودیعه می‌توان گفت در قرض موقع سررسید وام، انتقال مالکیت تحقق می‌یابد ولی در ودیعه هیچ انتقالی وجود ندارد.

### **جمع بندی**

معیارهایی که در توزیع درآمد و ثروت در نظام اقتصادی اسلام مؤثرند برخی شرعی و الزامی و برخی اختیاری هستند معیارهای الزامی مثل خمس و زکات و ارث و منع ربا و.... که شرع برای همه مردم مقرر کرده است در صورتی که رعایت شود می‌تواند به رفع فقر از جامعه کمک کند و برخی روشها اختیاری هستند که در شرع تعریف شده ولی الزامی در انجام آن نیست و جزو مستحبات دین می‌باشند مثل قرض الحسنه، صدقه و.... در صورتی که شخصی به این روشهای اختیاری، خود را ملزم کند و در این امور خیر شرکت کند علاوه بر پاداش دنیوی و اخروی می‌تواند در فقرزدایی از جامعه نقش بی بدیلی را ایفا کند.

## نتیجه

قرض الحسنه میثاق و پیمانی میان انسان و خداوند است که پایبندی به آن در حقیقت ارج نهادن به گوهر انسانیت و شخصیت واقعی انسان است عمل به این میثاق، نیازمند دلدادگی انسان به آفریدگار هستی و اعتماد به وعده های خدا و ایمان و باوری است که در دل ریشه دوانیده باشد و به طبع، نتایج چنین باور و ایمانی شکوفایی فضیلت ها و گسترش نورانیت و معنویت در دلهاست که ارزنده ترین ارزش ها و گواراترین میوه های الهی شدن انسان است و اساساً سنت های الهی برای همین مقصد و هدف تشریع شده است تا جامعه با عمل به آنها به زندگی پاکیزه دست یابد و با عمل به هر سستی گامی به جلو بردارد و مرتبه ای از کمال انسانی را طی کند و با هر قدمی که برمی دارد به نیکی ها مایل تر و از زشتی ها و رذیلت ها بیزارتر می شود. اگر انسان با نیت خیرخواهانه و کسب خشنودی خداوند بزرگ اقدام به قرض دادن کند و نیاز نیازمند و احتیاج او و موقعیت و روحیه او را درک کند، بداند که خداوند او را به پاداشهای بزرگ بشارت داده است و او را به پیشرفتهای معنوی که در میدان عمل بدست آورده می رساند تا در این مسیر مشتاقانه تر و امیدوارانه تر تلاش کند.

در قرض الحسنه، قرض دهنده، اصل مال را به تملیک دیگری درمی آورد تا عوض (عین، مثل یا قیمت) آن را در موعد مقرر بدون هیچ گونه اضافه ای پس بگیرد. این رفتار اقتصادی، باعث انتقال مبالغ و منابع از طبقات ثروتمند جامعه برای مدتی معین به نیازمندان آن برای رفع نیازهای مصرفی ضروری یا تهیه ی امکانات لازم برای بنگاه های کوچک تولیدی یا خدماتی می شود. قرض الحسنه ی مورد توجه قرآن و سنت، علاوه بر رفع نیاز نیازمندان و حل مشکلات آنان، در جهت تزکیه ی نفس، زدودن گناهان و تربیت نفسانی قرض دهندگان بسیار موثر است. علاوه بر این، قرض الحسنه از جهت مادی و معنوی، دارای آثار و برکات فراوان دنیوی و اخروی است که خداوند به قرض دهندگان عطا می نماید. دو نکته ی اساسی در رابطه با مفهوم قرض الحسنه با تعریف قرآنی - حدیثی مورد تاکید است: یکی این که گیرنده ی اصلی قرض حسن، خداوند است و اوست که از بنده اش قرض می خواهد و لذا تمامی رفتارها و برخوردهای قرض دهندگان باید بر این اساس تغییر یابد و مورد توجه واقع شود. دوم این که نوع قرضی که خداوند خواسته و در قرآن کریم بر

آن تاکید نموده است قرض حسن است و بر همین اساس، شایسته است بندگان خداوند همواره در جهت حسن بودن و حسن ماندن قرضی که می دهند دقت و مواظبت نمایند تا از آثار و برکات فراوان آن محروم نگردند.

نیازمند بودن وام گیرنده در قرض الحسنه اصلی مهم است و اگر نیاز او ضروری نباشد وام گرفتن او امری ناپسند است در صورتی که قرض گرفت باید متعهد شود که خود مال یا مثل و بهای آن را به وام دهنده بازگرداند و بهتر است بازگردان قرض به صورت نیکوتر باشد.

پیاده سازی قرض الحسنه با برنامه های مدرن در اموری مشخص و با شرط های خاص، می تواند زمینه ی مشارکت عمومی و کاهش آثار سوء مداخله دولت در اقتصاد را به همراه داشته باشد. البته به طور معمول، قرض الحسنه با ریسک عدم بازپرداخت همراه است. بنابراین با توجه به وظیفه دولت در نظارت بر فعالیت های بخش خصوصی جهت اجرای احکام و جلوگیری از انحراف از اهداف اقتصادی، دولت می تواند با دخالت در قرض الحسنه به عنوان یک نهاد ناظر و حامی، حاضر باشد. همچنین در قرض الحسنه توجه ویژه ای به توان اقتصادی افراد جامعه شده است و وظیفه تأمین نیازهای جمعی زندگی افراد به عهده مردم گذاشته شده است تا با استفاده از ابزار قرض، به صورت تدریجی نسبت به رفع نیازهای هم و ایجاد توزیع مناسب تر درآمدها کمک کنند.

یکی از این امور اقتصادی که امروزه در جامعه ما جایگاه ویژه ای دارد و همه مردم به نوعی با آن سر و کار دارد مسئله قرض الحسنه است اگر مردم با آداب و شرایط و چگونگی این عمل خیر بیشتر آشنا شوند و فرهنگ آن در جامعه رواج پیدا کند نه تنها به ثواب و پاداش نیک می رسند بلکه با این عمل باعث رفع نیازمندان و حرکتی در جهت رشد اقتصادی جامعه می شوند با توجه به اینکه اسلام کسب روزی حلال را در مقام و منزلتی خاص قرار داده لذا یک مسلمان با توجه به این عمل مهم نباید آگاهانه درآمد و روزی خود را به حرام آلوده سازد و با گرفتن «ربا» از قرض گیرندگان اقتصاد جامعه را فلج و نیازمندان را محتاج تر و خود را اسیر دام گناه و معصیت نماید.

در قانون بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران توجه خاصی به قرض الحسنه شده است و از این قرارداد در تجهیز و تخصیص منابع استفاده می شود. از دیرباز قرض الحسنه در کنار صدقات، عقود مبادله ای و مشارکتی به عنوان یکی از جایگزین های ربا در تجهیز و تخصیص

منابع معرفی شده است. نظام اقتصادی، قرض الحسنه را به عنوان یکی از شیوه ها و ابزارهای موثر برای کاهش نابرابری در توزیع درآمد در نظر گرفته است که با برقراری جریان پول از طبقات ثروتمند به سمت طبقات کم درآمد و ایجاد زمینه تغییر الگوی تولید، افزایش اشتغال و تامین نیازهای ضروری طبقات مزبور می تواند در جهت تثبیت درآمدها بین نیازمندان و عدم تمرکز ثروت نقش فعالی داشته باشد. در یک جمله، در قرض الحسنه هدف سودآوری بانک ها نیست؛ بلکه بانک ها صرفاً واسطه ای میان سپرده گذاران و نیازمندانی هستند که تسهیلات را تقاضا می کنند.

آن چه در قرض الحسنه اهمیت فراوان دارد، خصوصی بودن آن و حرکت خود جوش مردم در زمینه رفع نیازهای ضروری یکدیگر و کاهش عدم توازن در جامعه اسلامی می باشد و برای حفظ قرض الحسنه به عنوان نهادی که ویژگی های یک توزیع مطلوب را داراست، دخالت دولت باید صرفاً در زمینه هدایت و تقویت انگیزه ها و فراهم ساختن زمینه مشارکت هر چه بیش تر مردم صورت گیرد.

در مجموع، قرض الحسنه می تواند به عنوان ابزار مفیدی در راستای تحقق اهداف توزیعی و فقر زدایی عمل کند و به همین دلیل می توان آن را سازگار با اهداف توزیعی جامعه اسلامی دانست.

## راهکارها و پیشنهادات

- ۱- ترویج فرهنگ قرض الحسنه
- ۲- توزیع اوراق قرض الحسنه
- ۳- تامین مالی طرح های عام المنفعه
- ۴- تامین سرمایه اشتغال اقشار کم درآمد
- ۵- اعطای قرض الحسنه جهت نیازهای ضروری
- ۶- راه اندازی صندوق های قرض الحسنه خانوادگی
- ۷- ایجاد نظام بانکداری بدون ربا
- ۸- حمایت دولت از صندوقهای قرض الحسنه

## فهرست منابع

- \*قرآن کریم ، مترجم محمد آیتی
- \*نهج البلاغه ، مترجم محمد دشتی
- \*نهج الفصاحه ، مترجم محسن شیرمحمدی
۱. ابن بابویه ، محمد بن علی «شیخ صدوق» ، امالی، چاپ ششم، تهران : کتابچی، ۱۳۷۶
  ۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة ، محقق عبدالسلام محمد هارون، ج ۵ ، ص ۴۵۴
  ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم ، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۷۰
  ۴. اسد زاده ، اکبر، سیاستهای فقر زدایی در کلام معصومین ع ، چاپ اول ، تهران : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱
  ۵. امین ، نصرت السادات ، مخزن العرفان در تفسیر قرآن مجید ، ج ۱۳، اصفهان : انتشارات بانو امین، بی تا
  ۶. ایروانی ، جواد ، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه های اسلامی ، ج ۲، چاپ اول، مشهد : دانشگاه علوم رضوی، ۱۳۸۷
  ۷. آربلاستر، آنتونی ، ظهور و سقوط لیبرالیسم ، نقل از کتاب نگاهی به فقر و فقرزدایی
  ۸. بیک محمدی، جواد ، قرض و قرض الحسنه (جایگاه آن در قرآن ، حدیث و فرهنگ جاری جامعه)، تهران : دانشگاه امام صادق «ع»، ۱۳۹۰
  ۹. تحریری، محمد باقر ، اخلاق اجتماعی، چاپ چهارم، قم : نشر هاجر، ۱۳۹۷
  ۱۰. تقدسی نیا ، خسرو ، هفت سنبله، چاپ اول ، آوای منجی ، ۱۳۹۰ ،
  ۱۱. جوادی آملی ، تسنیم تفسیر قرآن کریم، ج ۱۱، چاپ اول ، قم : نشر اسراء ، ۱۳۸۵
  ۱۲. \_\_\_\_\_ ، عبدالله ، مفاتیح الحیاء، چاپ یازدهم، قم : اسراء، ۱۳۹۱
  ۱۳. \_\_\_\_\_ ، نسبت دین و دنیا ، چاپ اول ، قم : نشر اسراء، ۱۳۸۱
  ۱۴. جوهری فارابی، ابی نصر اسماعیل بن حماد، الصحاح ، ج ۳، چاپ پنجم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی ، ۱۴۳۰ ق
  ۱۵. الحر العاملی ، محمد بن الحسن ، وسائل الشیعه ، ج ۹، ص ۱۷۵ ، ح ۲

۱۶. حسینی اصفهانی، سید مرتضی، اسلام و راهکار فاصله طبقاتی، چاپ اول، قم، فرهنگ قرآن، ۱۳۸۰
۱۷. حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی علیه السلام، چاپ چهارم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰، بی جا
۱۸. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، ج ۴، چاپ هفتم، قم: دلیل ما، ۱۳۸۵
۱۹. دشتی، محمد، نهج الحیاء، فرهنگ سخنان امام حسین (ع)، چاپ اول، ج ۱، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین، ۱۳۷۷
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الالفاظ القرآن الکریم، مصحح داودی، بیروت: دارا لشامیه، بی تا
۲۱. \_\_\_\_\_، المفردات فی غریب القرآن، محقق ندیم مرعشلی، ص ۵۲۳
۲۲. رحمتی شهرضا، محمد، گنجینه معارف، چاپ چهارم، قم: صبح پیروزی، ۱۳۸۶
۲۳. رشیدالدین میبدی، ابوالفضل، کشف الاسرار و عدۀ الابرار، ج ۱، چاپ هشتم، امیر، ۱۳۸۹، بی جا
۲۴. صدر، سید محمدباقر، اقتصاد ما، ترجمه محمدکاظم موسوی، ج ۱، برهان، ۱۳۵۰، بی جا
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۴ و ۳۸ و ۳۷
۲۶. طبرسی، حسن بن فضل، مجمع البیان، ج ۳، ۱۳۵۰ ش، ص ۷۲
۲۷. الطریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، محقق سیداحمد حسینی، چاپ سوم، تهران: ۱۳۷۵، مرتضوی، ج ۴، ص ۶۶
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، النهایه، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۰ ه. ق، ص ۱۸۸
۲۹. عبدوس، محمد تقی، اشتها ردی، محمد محمدی، آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴



۳۰. فراهانی فرد ، سعید ، نگاهی به فقر و فقر زدایی از دیدگاه اسلام، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸، بی جا
۳۱. فیض کاشانی، محسن، ترجمه الشریعه، ج ۱، قم : توحید، ۱۳۸۰
۳۲. قرائتی ، محسن، خمس و زکات ، چاپ ششم ، تهران : ، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن ۱۳۸۷، ص ۹۵
۳۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ پنجم، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۹
۳۴. قرشی ، سید علی اکبر ، قاموس قرآن، ج ۵، چاپ هفدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۹۰
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره ای ، ج ۴، چاپ ششم، تهران : اسوه ، ۱۳۸۳ ه.ش
۳۶. گرنیرپان ، آلیا ندرو ، سیاستهای فقرزدایی ، ترجمه دکتر ناصر موفقیان ، تهران : مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۲
۳۷. مجلسی ، محمد باقر ، بحارالانوار ، ج ۱۰۳ ، بیروت : الامیره ، ۱۴۲۹ ق
۳۸. محمدی ری شهری، محمد ، منتخب میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم : دارالحديث، ۱۳۸۷
۳۹. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج ۱۰، چاپ دوم، تهران : صدرا، ۱۳۸۴
۴۰. مغنیه، محمد جواد ، تفسیر کاشف، مترجم ، موسی دانش، ج ۱ ، قم : بوستان کتاب ، ۱۳۸۳
۴۱. مکارم شیرازی ، ناصر ، ربا و بانکداری اسلامی ، چاپ اول ، قم : مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۶
۴۲. \_\_\_\_\_ ، تفسیر نمونه ، ج ۲، ۸، ۲۳، ۲۴، ۲۵ ، چاپ نوزدهم، دارالکتب الاسلامیه ، تهران، ۱۳۶۵
۴۳. موسوی خمینی ، روح الله ، تحریر الوسیله، ج ۲، چاپ سیزدهم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵
۴۴. موسویان ، سید عباس ، ابزار های مالی اسلامی (صکوک)، چاپ چهارم، تهران : پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶
۴۵. نراقی، محمد مهدی ، جامع السعادات، ج ۲، بیروت : دارالاندرس، ۱۴۳۱ ق

۴۶. نوری همدانی، حسین، مسأله ربا، چاپ اول، پارسیان، ۱۳۸۹، قم، ص ۴۲
۴۷. نهاوندی، علی، فرهنگ خدمت رسانی، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی ۱۳۸۲-
۴۸. نیک یار، عزت، نظام توزیع ثروت در قرآن، چاپ اول، قم: نشر هاجر، ۱۳۹۶
۴۹. هادوی نیا، علی اصغر، قرض الحسنه و آثار اقتصادی آن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸
۵۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن «کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن»، چاپ دوم، قم: بوستان کتاب، ج ۲۳
۵۱. الهندی البرهانی، علاءالدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت: مؤسسه رسالت، بی تا

#### فصلنامه:

۱. فصلنامه علمی، کاربردی قرض الحسنه، وام ذخیره ماندگار، شماره ۷۰، پاییز ۱۳۹۳
۲. کمیجانی، علی اکبر و هادوی نیا، علی اصغر، درآمدی بر جایگاه قرض الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادی آن، مجله علمی- پژوهشی مفید، ۱۳۷۷، ش ۱۴
۳. گزیده ای از پژوهش مرتضی نظری، وام ذخیره ماندگار، فصلنامه علمی کاربردی قرض الحسنه، شماره ۵۹، ۱۳۹۰، ص ۲۵
۴. میرمعزی، سیدحسین، ترسیم نظام اقتصادی اسلام براساس مکتب اقتصادی آن، مجله علمی - پژوهشی مفید، ۱۳۷۷، ش ۱۴، بی جا

#### مقالات:

- ۱- هادوی نیا، علی اصغر، نقش قرض الحسنه در اقتصاد مقاومتی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۵، ص ۱۸۸، پایگاه مجلات تخصصی نور

سایت :

۱. بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد، برگرفته از اینترنت
۲. پژوهشکده حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ سوم، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲
۳. محمد احمدی، علی، محمدغفاری، حسن، وفایی یگانه، رضا، بررسی تأثیر قرض الحسنه بر توزیع درآمد، برگرفته از سایت دانشگاه فردوسی مشهد پژوهشکده حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، چاپ سوم، تهران، سمت، ۱۳۷۹